31

مسائل بین المللی

شمارہ ۱ (۳۱)

فهرست مندرجات

	صفحه
نقش طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری در مبارزه علیه امپریالیسم	۱۲ ـ ٤
ضرورت مبارزه علیه سیاست تجاوزکارانه بن ودر راه امنیت اروپا	۲٤ ـ ۱۳
اعتصابات در سال ۱۹٦۷	۲۸ ـ ۲۵
علم وسوسیالیسم	۳۸ ـ ۲۹
ایدئولوژی بورژوائی درخدمت استعمارنو	٤۷ ـ ۳۹
چراپوند استرلینگ ارزان شد	۵۹ ـ ٤۸
سی امین کنگره حزب کمونیست انگلستان	٦۳ ـ ٦۰
موسسات ایدئولوژیك حزب کمونیست فرانسه :	٦٤
مرکزپژوهشهای مارکسیستی	٦۸ ـ ٦٤
انستیتوی موریس تورز	۷٦ ـ ٦۹

نقش طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری در مبارزه علیه امپریالیسم

ژاك دوکلو
(عضو پولیت بوروی کمیته مرکزی
حزب کمونیست فرانسه)

باتوجه به تجزیه وتحلیلی که در سال ۱۹۶۰ در جلسه مشاوره نمایندگان ۸۱ حزب کمونیست وکارگری در مسکو از خصلت دوران ما بعمل آمد میتوان تصدیق کرد که سیر حوادث در سالهای اخیر وتشدید خصلت تجاوزکارانه امپریالیسم که هدفش متوقف ساختن ومحدود کردن پیشرفت نیروهای ضد امپریالیستی وبازستاندن مواضع از دست رفته میباشد ، موید این تجزیه وتحلیل بوده است .

بدون شك " خصلت ممیزه زمان ما عبارت ازآنستکه سیستم جهانی سوسیالیسم بعامل قاطع تکامل جامعه بشری بدل میگردد " و " مضمون عمده ، جهت عمده وخصوصیات عمده تکامل جامعه بشری را در دوران معاصر سیستم جهانی سوسیالیسم ونیروهائی معین میکنند که علیه امپریالیسم وبخاطر تحولات سوسیالیستی جامعه درمبارزه اند " .

اگرچه جنبش جهانی کارگری به نقشی که میتواند ومیباید در سیر حوادث جهان ایفا نماید ،کاملا پی برده است ، ولی پیوسته باید هشیار باشد وخصلت تجاوزکارانه امپریالیسم را ازیاد نبرد .

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در پلنوم ژوئن سال ۱۹۶۷ قطعنامه ای بدین مناسبت تصویب نمود که در آن ازجمله گفته میشود : " تناسب نیروها در جهان بشرطی بسود نیروهای ضد امپریالیسم ونیروهای هواداران صلح باقی خواهد ماند که علیه آنها که صلح را تهدید میکنند باهشیاری وقاطعیت مبارزه شود " .

شکی نیست که سوسیالیسم پس ازسال ۱۹۶۰ بکامیابیهای نوینی نائل آمده است و پنجاهمین سالگرد انقلاب پرافتخار اکتبر بمردم سراسر جهان امکان داد تا به ترازبندی این کامیابیها بپردازند . درعین حال مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری وجنبش آزادی بخش ملی دامنه وسیعتری بخود گرفته است . ولی امپریالیسم درقبال تحکیم نیروهای صلح وضد امپریالیسم همواره تجاوز " زاندارم " خود یعنی امریکا را عرضه میدارد . اگرچه این اقدامات تجاوزکارانه نمیتواند در پیروزی بالقوه نیروهای صلح برنیروهای جنگ ایجاد تردید نماید ، ولی بهرحال صلح جهانی را درمعرض خطر دائمی رستخیز قرار میدهد .

ازچگونگی مناسبت نیروها در جهان میتوان به درنظر گرفته عمده رسید که کمونیست های فرانسه آنرا درفعالیت های خود درنظر میگیرند : ازجنبش نیروهای ضد امپریالیسم وهواداران

صلح جهانی باتشدید مساعی وتحکیم صفوف خود میتوانند برامپریالیسم پیروزگردند وازسوی دیگرمبارزه درراه حفظ صلح جهانی اکنون بیش ازهرزمان اهمیت فوق العاده کسب کرده است .

چون مبارزه علیه امپریالیسم بامبارزه درراه صلح وپیشرفت انقلابی پیوند نزدیک دارد هرگونه مبارزه پیگیر باامپریالیسم مستلزم کوشش درراه جلوگیری ازاده سیاست تجاوزکارانه علیه خلق هاست . ما بامبارزه خود علیه امپریالیسم وبا ایجاد مانع درراه تمایلات جنگ طلبانه آن که ازخصوصیات ذاتی امپریالیسم بوده وهست ، به امپریالیسم ضربت میزنیم وبدینوسیله بمتکامل پروسه انقلابی کمک میکنیم .

همانطورکه رفیق والدک روشه ،دبیر کل حزب ما چندی پیش در سخنرانی خود تحت عنوان " سوسیالیسم ، جنبش ازاد بیخش ملی وصلح " تصریح کرده است " استقلال ملی ، دموکراسی ، صلح وسوسیالیسم درعصرما هدفهائی هستند تفکیک ناپذیر . جنبش انقلابی جهان ازدرآمیختن جریانها وشاخه های مختلف مبارزه علیه امپریالیسم نیرومیگیرد " .

نقش عمده را درمبارزه اردوی سوسیالیسم ودرمرحله اول اتحاد شوروی ، نخستین کشورپیروزمند سوسیالیستی ایفامیکند . اگر امپریالیستهای امریکا که ازفرط ثروت به خفقان افتاده اند وامکانات اقتصادی فراوان ووسائل احداث دستجمعی مخوف دراختیار دارند ، میتوانستند باتشدید های خود خلقهارا بزانو دراورند ، چه آینده اسفناک وخطرناکی درانتظار خلق ها میبود . اگراتحاد شوروی سلاح هسته ای نداشت وضع کاملا برهمین منوال بود . ولی سلاح هسته ای اتحاد شوروی وزنه متقابلی است دربرابر سلاح امریکائی که زمامداران امریکا را به فکرواميدارد زیرا کشور آنها حالا دیگر درصورت بروزجنگ جهانی مانند گذشته مصون ازگزند نخواهد بود .

انقلاب اکتبرسال ۱۹۱۷ تنها روسیه تزاری سابق را بیککشور پیشرو نیرومند بدل نساخته است . پیروزیهای اتحاد شوروی درزمینه ساختمان سوسیالیسم وآغازساختمان کمونیسم درمقیاس جهانی نیز به امرکمونیسم یاری میرساند . درپرتوتحولات عمیق پنجاهسال اخیر خیلی چیزهادرجهان تغییرکرده و درایندهنیز تغییرخواهد کرد .

سوسیالیسم اکنون بسیستم جهانی بدل شده است . زنجیره کشورهای سوسیالیستی ازاروپاتا آسیاکشیده شده است واکنون ازکوبا بسوی امریکا نیز متوجه شده است . خلقهائی که زمانی درمعرض ستم استعماری بودند ، استقلال بدست اورده اند ، جنبش آزادیبخش ملی واحزاب کمونیست وکارگری نفوذ قابل ملاحظه ای کسب کرده اند .

ما دردوران گذار ازسرمایه داری به سوسیالیسم بسر میبریم . واقعیات نشان میدهند که وجود سیستم جهانی سوسیالیسم ، کامیابیهاو نیروی سرمشق ان ، کمکهای دائمی این سیستم به خلق های مبارز ونیز نقش روزافزون ان درسیرحوادث بین المللی ، این سیستم را بعامل قاطع این پروسه انقلابی بدل میسازد .

■

پیروزی انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم دراتحاد شوروی ، تاروما هیتلریسم و

امپریالیسم ژاپن وایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم در تلاشی سیستم استعمار نقش قاطع داشتند ۰ تمام این تحولات تکان شدیدی به جنبش آزادیبخش ملی در آسیا وافریقا و امریکای لاتین داد ودر عین حال امپریالیسم را تضعیف نمود ۰ در اثر این تحولات امکان امپریالیسم برای درهم شکستن مبارزه آزادیبخش خلقها کمتر شده است ۰

جنبش آزادیبخش ملی در نتیجه پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم بمراتب نیرومند تر گردیده و بنوبه خود یک از عناصر ضروری پروسه انقلابی جهان بدل شده است ۰ این جنبش به تضعیف امپریالیسم که انقلاب اکتبر پیدایش کشورهای سوسیالیستی جدید پس از جنگ جهانی دوم ضربه جبران ناپذیر بران وارد آورده بود ،کمک میکند ۰

انقلاب سوسیالیستی اکتبر علاوه براینکه به پیشرفت جنبش آزادیبخش ملی کمک فراوان نمود ، در اعتلای مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری نیز نقش قاطع داشت ۰ لنین وبلشویک ها به کارگران کمونیست کمک کردند تا به همکاری طبقاتی پایان دهند واحزاب واقعا کارگری طراز نوین بوجود آورند واین امر احیا ۰ جنبش جهانی کارگری ومبارزه پیگیر علیه سرمایه داری راکه هدف نهائی ان انقلاب سوسیالیستی است ، میسر ساخت ۰

کامیابیهای اتحاد شوروی وکشورهای سیستم سوسیالیستی بطبقه کارگر کشورهای سرمایه داری امکان میدهد تا سرنوشت کنونی خود را باآنچه که در اثر براند اختن استثمار میتواند بدست آورد ، مقایسه کند ۰ کمونیستهای کشورهای سرمایه داری بانشان دادن پیروزیهای اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی میتوانند باسرافرازی واطمینان به آینده بگویند : " چنین است ثمرات سوسیالیسم " ۰ این عامل مهمی است برای پیشرفت مبارزه کمونیستها ۰

مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری متقابلا به پیشرفت جنبش آزادیبخش ملی کمک میکند ۰ جنبش آزادیبخش ملی که بخش مهمی ازنیروهای ضد امپریالیستی جهان است در نتیجه پیروزیهای اردوگاه سوسیالیسم نیروی محرکه عظیمی کسب کرده است ۰ در اینمورد فرانسه رابعنوان مثال در نظر گیریم ۰ کاملا روشن است که مبارزه جنبش کارگری کشورما علیه استعمار فرانسه به خلقهای امپراتوری مستعمراتی سابق فرانسه بطور مستقیم وبمیزان قابل ملاحظه ای کمک کرد ۰

منافع طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری بامنافع امپریالیسم عمیقا در تضاد است ۰ طبقه کارگر تنها طبقه ایست که قادر است مبارزه را تا سرانجام آن یعنی تا انقلاب سوسیالیستی ادامه دهد وانقلاب سوسیالیستی جامعه را از هرگونه استثمار وستم آزاد میسازد ۰ بنابراین در دوران ما که دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است ، از اهمیت مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری برخلاف آنچه که برخیها میخواهند ثابت کنند هرگز کاسته نمیشود ۰ این مبارزه اهمیت قاطع خود را حفظ کرده است ۰

طبقه کارگر هریک از کشورهای سرمایه داری باتشدید مبارزه در راه براند اختن سیادت سرمایه داری انحصاری ، باتشریک مساعی باتمام نیروهای صلحدوست ، باپشتیبانی قاطع ازخلق هائی که در راه استقلال خود مبارزه میکنند ، امپریالیسم را در درجه خود مورد حمله قرار میدهند ، قدرتها وستانرا تضعیف مینمایند وبه تسریع لحظه نابودی آن کمک مینمایند ۰

زمانیکه ازروابط جنبش آزادیبخش ملی ومبارزات طبقه‌کارگر کشورهای سرمایه داری سخن‌میرود باید بخصوص‌خطری راکه تئوریهای کاذب برای مبارزه ضد امپریالیستی دربر دارد ، خاطرنشان ساخت . مطابق این تئوریهاتضاد میان ملل غنی وملل‌فقیر ، تضاد میان‌کشورهای رشد یافته صنعتی وکشورهای عقب مانده بطورعمده تعیین‌کننده خصلت دوران ماست . این‌تئوریهاهیچ وجه‌مشترکی بامارکسیسم- لنینیسم ندارند . بعقیده پیروان این تئوریهاتضاد میان امپریالیسم وسوسیالیسم تضاد عمده دوران مانیست ، بلکه تضاد میان ملل (برحسب سطح رشد صنعتی آنها) تضاد عمده دوران ماراتشکیل‌میدهد. ضمنا دراین تئوریهاچگونگی نیروهای آنتاگونیستی جهان برپایه ملاک های طبقاتی تعیین نمیشود ، بلکه برحسب وضع جغرافیائی تعیین‌میگردد واین خود تئوری " ژئوپولیتیک " رابمیاد میاورد .

ایدئولوگ های کشورهای سرمایه داری که‌میکوشند ازنظام اجتماعی خود دفاع کنند باکمال میل براین تئوریهاصحه میگذارند . زیرا این تئوریهاد راخرین‌تحلیل مسئولیت سرمایه داری را پرده پوشی میکند وبدون انکه تمایزی بین طبقات قائل شود " گناه " را بگردن تمام " کشورهای غنی " وخلق های آنها میاندازد . این امر باعث‌گمراهی وایجاد تفرقه درصفوف نیروهای ضد امپریالیسم میگردد .

کسانی هستند که‌میگویند تضاد میان " شهر " یعنی امپریالیسم و " ده " یعنی ملل فقیری که این " شهر " را محاصره کرده اند ، تضاد بزرگ دوران ماست . هواداران این‌تئوری ازنظریه لنین عدول میورزند زیرا لنین معتقد بود که امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داریست وعلیه پرولتاریای تمام کشورها وملل ستمدیده سراسرجهان مبارزه طبقاتی شدید انجامیدهد .

درواقع این قبیل تئوریهابامتحد کردن تمام طبقات وقشرهای اجتماعی کشورهای سرمایه داری درمفهوم واحد " ملت غنی " تمام این طبقات وقشرهارا دریک ردیف قرار میدهد وبدینسان تضاد های طبقاتی راچه دریک‌کشورسرمایه داری وچه درمقیاس‌بین‌المللی پرده پوشی میکند . دراین تئوریهاازنیروهای اجتماعی ، طبقات وقشرهای کشورهای‌مختلف " جهان سوم " که بخاطر براندا ختن سیادت امپریالیسم مبارزه‌میکنند ، ارزیابی واحدی بعمل میاید . وحال انکه تاریخ کشورهای آزاد شده ازیوغ امپریالیسم حاکی است که میان نیروهای ناسیونالیست ونیروهای انقلابی باید تفاوت قائل شد زیرا نیروهای انقلابی نه فقط هدفهای ملی ، بلکه هدفهای اجتماعی نیز دارند .

این قبیل نظریات هم به وحدت نیروهای ضد امپریالیسم ونیروهای هوادار صلح در سراسر جهان وهم بمبارزه آزادیبخش‌ملی زیان وارد میسازد . دراین نظریات سعی‌میشود دونیروئی راکه درمبارزه علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم متحدین هم‌هستند یعنی خلق هائی راکه درراه‌آزادی خود مبارزه‌میکنند وطبقه‌کارگر کشورهای سرمایه داری را در جبهه مخالف یکدیگر قرار دهند .

حزب کمونیست فرانسه تئوری " مبارزه‌میان‌ملل غنی وملل فقیر " ،تئوری محاصره " شهرها " بوسیله " روستاها " وهرتئوری راکه بنحوی ازانحاء " ملل غنی " کشورهای

سرمایه داری وکشورهای سوسیالیستی وبخصوص خلقهای ایالات متحده واتحاد شوروی را در یک رده قرار میدهد جدا رد میکند . این تئوریها قرابتی با مارکسیسم ـ لنینیسم ندارند وبه مبارزه نیروهای ضد امپریالیسم در سراسر جهان زیان میزنند .

صاحبان این تئوریها علاوه براهانت بمنحصرین کشور پیروزمند سوسیالیستی در یک مورد هم بمنسیان عجیب دچار میشوند واین حقیقت را از یاد میبرند که خلقهای مبارز را آزادی و تمام جنبش انقلابی مرهون صنعتی شدن و " غنی شدن " اتحاد شوروی هستند .

ما هم آوا با موریس تورز تاکید میکنیم که هوادار " اصل اساسی اتحاد میان زحمتکشان کشورهای امپریالیستی وخلقهای استعمارزده مبارز راه استقلال " هستیم . این اصل طی تجربه طولانی حزب کمونیست فرانسه آزموده شده است . حزب کمونیست فرانسه اعضاء خود را پیوسته با روح انترناسیونالیسم تربیت کرده وخواهد کرد . حزب کمونیست فرانسه همیشه باین اصل معتقد بوده است که میان بخش مترقی خلقهای کشورهای سرمایه داری وخلقهائی که علیه ستم استعماری مبارزه میکنند پیوند ناگسستنی وجود دارد .

■

امپریالیسم که درحال انحطاط است برای حفظ حیات خود مبارزه میکند ودراین راه بطور عمده درسه جهت عمل مینماید :

۱ ـ استثمار توده های زحمتکش کشورهای سرمایه داری وغارت عواید ثروتهای ملی کشورهای تحت نفوذ انحصارات را تشدید میکند ؛

۲ ـ علیه جنبش آزادیبخش ملی واستقلال ملل مبارزه مینماید ؛

۳ ـ باحفظ کانونهای تشنجات بین المللی امکان تجاوز بکشورهای سوسیالیستی را فراهم میسازد . محیط را برای تدارک جنگ آماده نگهمیدارد وبدینوسیله برای اقدامات ضد دموکراتیک وضد اجتماعی علیه خلقهای کشورهای سرمایه داری شرایط مناسب بوجود میآورد .

جلسه مشاوره سال ۱۹۶۰ تشدید وحدت تضادهای میان کشورهای امپریالیستی راکه مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری درجریان آن انجام میگیرد خاطرنشان ساخت .

درفرانسه سرمایه داری انحصاری دولتی تسلط دارد . سرمایه داری انحصاری دولتی بمنظور نجات نظام سرمایه داری وافزایش منافع انحصارات بزرگ ازطریق استثمار طبقه کارگر وتاراج قشرهای وسیع مردم ، نیروی انحصارات را بانیروی دولت درمکانیسم واحدی متحد میسازد . رفیق والدک روشه بدینمناسبت یادآورشد که چگونه " دراثرتشدید تضاد عمده سرمایه داری وافزایش تعداد کسانیکه روزمزد کارمیکنند ونیز درنتیجه توجه قشرهای غیرپرولتر زحمتکشان به هماهنگی منافع خود بامنافع پرولتاریا ، پایه های اجتماعی مبارزات دموکراتیک وضد انحصاری استحکام مییابد و برای اتحاد طبقه کارگر وسایر قشرهای غیرانحصاری تکیه گاه استوارتری پدید میگردد " .

■

حزب کمونیست فرانسه که در راس مبارزات روزانه طبقه کارگر وسایر قربانیان انحصارات قرار دارد ، این واقعیت را از نظر دور نمیدارد که نقش طبقه کارگر پیشاهنگ آن یعنی حزب کمونیست فقط این نیست که گام بگام علیه تشدید استثمار انحصارگران مبارزه کند . حزب کمونیست فرانسه میداند که تضاد بنیادی میان خصلت اجتماعی وسائل تولید از یکسو و تعلق این وسائل بمشتی استثمارگر از سوی دیگر را فقط از طریق استقرار سوسیالیسم میتوان برانداخت برای اینکار جنبش انقلابی باید بتجمع نیرو بپردازد و تمام نیروهای مخالف انحصارات را بر پایه هدفهای روشن و دقیق در جبهه ملی واحدی که برای پایان دادن به حاکمیت سرمایه داری انحصاری باندازه کافی نیرومند باشد ، متحد سازد .

چنین استراتژی پیشنهاد حزب ما بتمام کارگران ونیروهای دموکراتیک در بارنامه مبارزه در راه دموکراسی واقعی . این دموکراسی طلیعه فرانسه سوسیالیستی آینده خواهد بود . البته اکثریت مردم فرانسه هنوز بضرورت استقرار فوری سوسیالیسم معتقد نیستند . برنامه حزب ما در زمینه ایجاد دموکراسی واقعی پاسخگوی تمایلات وسیعترین قشرهای مردم است و در عین حال با این نظر که فقط سوسیالیسم میتواند واقعاً راه را برای آینده سعادت بخش و مسالمت آمیز هموار سازد ، مغایرت ندارد . برعکس دموکراسی واقعی که ما بدان فرانسه پیشنهاد میکنیم از طریق مبارزه در راه انحصارگران و ملی نمودن بزرگترین انحصارات واداره آنها بشیوه دموکراتیک ، میتواند پیشروی بسوی سوسیالیسم را میسر سازد .

بهمین جهت حزب کمونیست فرانسه این تز لنین را تمام و کمال میپذیرد که : " تکامل دموکراسی تا آخرین مرحله تشخص اشکال این تکامل و آزمون انها در عمل وغیره ـ همه اینها یکی از وظائف اساسی مبارزه در راه انقلاب اجتماعی است . هیچ دموکراتیسمی اگر بطور مجزا در نظر گرفته شود ، به سوسیالیسم منجر نمیشود . ولی در زندگی هرگز دموکراتیسم " بطور مجزا در نظر گرفته نمیشود " ، بلکه " یکجا در نظر گرفته میشود " زیرا دموکراتیسم تاثیر خود را بر اقتصاد نیز باقی میگذارد ، تحول انرا تسریع مینماید وخود تحت تاثیر تکامل اقتصادی قرار میگیرد وغیره . چنین است دیالکتیک تاریخ زنده " (ج ۲۵ ، ص ۴۲۰) .

مبارزه در راه دموکراسی واقعی اگر بمثابه مرحله ای در راه سوسیالیسم تلقی شود ، هم با تمایلات ونیازمندیهای مردم وهم با منافع واقعاً ملی هماهنگی دارد . بدینمناسبت باید گفت که حاکمیت انحصارگران به رسوخ هرچه بیشتر سرمایه خارجی در اقتصاد فرانسه کمک کرده است . سرمایه گذاریهای امریکا در فرانسه طی هفت سال ۱۶۳ درصد افزایش یافته است . در عین حال اتحادیه های سرمایه داری که در چارچوب " بازار مشترک " وسایر سازمانهای بین المللی در اروپا ایجاد شده است موجب وابستگی کشورما به نیرومندترین امپریالیستها شده است .

در چنین شرایطی تحقق برنامه دموکراسی واقعی که بوسیله حزب ما پیشنهاد شده است میتواند عامل مثبت پایداروقابل ملاحظه ای در پیشرفت جهانی باشد . زیرا نیروهای کارگری ودموکراتیک فرانسه با ملی کردن بخشهای عمده صنایع انحصاری وبانک های بزرگ وشرکتهای بزرگ بیمه میتوانند امپریالیسم جهانی را جدا تضعیف نمایند .

با اجرای این برنامه میتوان به تاراج ثروتهای ملی از طرف اقلیت استثمارگر پایان داد

واداره امپرکشوررا ازدست انان‌خارج نمود ، برای جلوگیری ازفرار سرمایه ازفرانسه تدابیر لازم اتخاذ کرد وراه‌رسوخ سرمایه های خارجی را بفرانسه سد نمود ° رژیم دموکراسی‌واقعی باایجاد رهبری دموکراتیک برای بخش‌ملی شده وبابرقرارساختن کنترل کارگران وکارمندان وسازمانهای انها برتمام رشته های فعالیت اقتصادی میتواند رفاه توده های مرد فرانسه راتامین کند وتضاد های سیستم امپریالیستی را تشدید نماید °

نیروهای کارگری دموکراتیک کشورما ازطریق تعویض‌رژیم کنونی حکومت فردی بارژیم واقعا دموکراتیک متکی بر برنامه دولتی مشترکی که ازطرف تمام احزاب چپ وتحت نظارت و شرکت فعال توده های مرد موسازمانهاونمایندگان انهاتنظیم واجرا گردد ، میتوانند به اوتوریتاریسم که خصلت مشترک تمام حکومتهای دارای سیستم سرمایه داری انحصاری دولتی است ، ضربت شدید وارد آورند °

فرانسه دموکراتیک بابخاطرسپردن این‌نکته که " ملتی که برملل دیگر ستم روامیدارد نمیتواند آزاد باشد " میتواند به ستمی که امپریالیسم فرانسه هنوزهم برملل مبارزراه ازادی روامیدارد پایان بخشد وسیاست صلح‌ودوستی وهمکاری را جایگزین هرگونه مظاهراستعمار نو سازد °

■

درباره همزیستی مسالمت‌آمیز باید گفت که برخی هامعنی ومفهوم انرا عمدا تحریف میکنند ° چنین بنظر میرسد که آنها معنای دقیق تعریفی راکه ازاین‌مفهوم درجلسه مشاوره ۸۱ حزب کمونیست‌وکارگری درسال ۱۹۶۰ بعمل امده است ، فراموش‌کرده اند ° دراعلامیه جلسه‌مشاوره گفته‌میشود : " همزیستی مسالمت‌امیز دول آنطورکه رویزیونیستها ادعامیکنند بهیچوجه بمعنی انصراف ازمبارزه طبقاتی نیست ° همزیستی دولی که دارای رژیمهای‌اجتماعی گوناگون‌هستند شکلی ازمبارزه طبقاتی بین سوسیالیسم وسرمایه داری است ° درشرایط همزیستی مسالمت‌امیز امکانات مناسبی برای رشد مبارزه طبقاتی درکشورهای‌سرمایه داری و جنبش ازادیبخش‌ملی خلقهادرکشورهای مستعمره ووابسته بوجود میاید ° موفقیتهای‌مبارزه انقلابی طبقاتی ومبارزه‌آزادیبخش‌ملی بنوبه خود بمتحکیم همزیستی مسالمت‌امیزکمک میکند "

تجربه تکامل سیاسی فرانسه تجزیه وتحلیلی راکه درسال ۱۹۶۰ ازتاثیرهمزیستی مسالمت‌امیز بعمل امده است ، کاملا تایید میکند ° سیاست " تخفیف وخامت " که ازطرف دولت دوگل درمورد کشورهای سوسیالیستی اعمال میشود ، بهیچوجه مانع پیشرفت مبارزه طبقاتی درفرانسه‌نگردید °

بمنظ مناسبات بااتحاد شوروی وسایرکشورهای سوسیالیستی بمردم فرانسه امکان داد تاازکامیابیهای این‌کشورها ومجاهدات انها درراه صلح بهتر اگاه شوند ° بمنظ این مناسبات به ازبین رفتن افسانه تجاوزکاری اردوگاه سوسیالیستی که هواداران " جنگ سرد " میخواستند بمردم فرانسه تلقین کنند ، کمک نمود °

این‌واقعیت که دیگر کسی به تهدید کشورما ازطرف اتحاد شوروی اعتقاد جدی ندارد ، به مبارزه مردم فرانسه علیه سیاست مسابقه‌تسلیحاتی حکومت دوگل یاری میرساند °

بد ینجهت کاهش قابل ملاحظه نفوذ د وگ ل د رکشور ، افزایش نفوذ حزب ما د رمیان طبقه کارگر وسایر قشرهای مخالف انحصارات ونیز موفقیتهای حاصله د رراه وحد ت نیروهـای کارگری ود موکراتیك باعث نگرانی هواد اران د وگ ل شد ه است ۰

■

رژیم د موکراسی واقعی که ما پیشنهـا د میکنیم فقط د رصور تی میتوا ند تحقق یابد و تکامل پذ یرد که شرکت تود ه های مرد م د رتعیین واجرای سیاست د اخلی وخارجی کشـو ر روزافزون باشـد ، ازد ستاورد های د موکراتیك د فاع شود ود رراه توسعه این د ستاورد هـا اقد ام بعمل اید وتود ه ها برد ولتی که ازاتحاد نیروهای کارگری ود موکراتیك بوجود میایـد کنترل د ائمی د اشته باشند ۰

د رچنین شرایطی ، تکامل د ائمی د موکراسی به طبقه کارگر امکان خواهد د اد تـا ضرورت سوسیالیسم را به اکثریت مرد م ثابت نماید ۰ د راعلامیه جلسه مشاوره ۸۱ حزب کمونیست وکارگری د رسال ۱۹۶۰ خاطرنشان شد ه است که : " طبقه کارگر باتکیه براکثریت خلق وبـا طرد قاطع عناصر اپورتونیستی که قاد رنیستند ازسیاست سازش با سرمایه د اران ومالکین د ست بکشند ، امکان د ارد به نیروهای ارتجاعی وضد خلق شکست وارد سازد واکثریت استو اری د رپارلمان بد ست اورد وپارلمان را ازافزارتامین منافع طبقاتی بورژوازی به ارگان خد متکـزار مرد م زحمتکش بد ل سازد ، مبارزه تود ه ای وسیع خارج ازپارلمان را بسط د هد ، مقاومت نیروهای ارتجاعی را د رهم شکند وشرایط ضروری را برای اجرا تسالمتامیز انقلاب سوسیالیستی فراهم اورد " ۰

پیشروی مسالمتامیز بسوی سوسیالیسم با سیستم چند حزبی که حزب ما پیشنهـا د میکند مستلزم گسترش جد ی د امنه مبارزه طبقاتی است تاپد ینوسیله بتوان بورژوازی را ازامکان مقاومت وتوسل به زوروفشار بازد اشت ومانع ان شد که متحد ین طبقه کارگر راه همد اری طبقاتی بابورژوازی را د رپیش گیرند ۰

امکان اتحاد نیروهای کارگری ود موکراتیك فرانسه برپایه برنامه مشترك بمنظور اسـتقرار رژیم د موکراتیك واقعی اگرچه د شواراست ، ولی یك آرزوی واهـی نیست ۰

د رراه تحقق این اتحاد موفقیتهای قابل ملاحظه ای بد ست آمد ه است ۰ د رجریـان انتخابات پارلمانی وانتخابات کانتون ها د رمارس وسپتامبر ۱۹۶۷ ضربه جد ی به د ولت وارد گرد ید ۰ این ضربه نتیجه موافقتنامه ایست که د ر ۲۱ د سامبر سال ۱۹۶۶ میان حـــزب ما واحزاب وسازمانهای عضو فد راسیون نیروهای د موکراتیك وسوسیالیستی چپ (حـــزب سوسیالیست فرانسه عضو انست) بامضاء رسید ۰

این موافقتنامه شامل نکات مهمی استکه برپایه آنها میتوان برنامه مشترکی راکه بـرای اتحاد نیروهای چپ ضرورت د ارد ، تنظیم نمود ۰ بعد هاگروهی ازنمایند گان حزب مـــا ونمایند گان فد راسیون سند ی تنظیم کرد ند که د رنتیجه آن موارد مورد توافق میان حزب مـــا وفد راسیون افزود ه شد ه است ولی د رعین حال نکات مورد اختلاف نیز ازجمله د رباره اروپـای مافوق ملت ها وسایر مسائل سیاست خارجی هنوز بجای خود باقی هستند ۰

ما برای آنکه بتوانیم زمینه هائی برای توافق پیدا کنیم ، در ادامه بحث پافشاری میکنیم ۰ ما باید ادامه بحث امکان داریم تا برنامه مشترکی تنظیم نمائیم که سیاستها در آن بدقت تعیین شده باشد ۰ دموکراسی فرانسه در اینمورد باید از تجربه تلخ دولت ویشون درسهای لازم را بگیرد ۰

البته در راه وحدت نیروهای کارگری و دموکراتیک فرانسه از جمله در راه تنظیم برنامه مشترک هنوز موانع جدی وجود دارد ۰ تبلیغات ضد کمونیستی که اکنون بوسیله دست وزیر فرانسه آغاز شده است وهدف ایجاد تفرقه میان نیروهای چپ وحفظ گلیسم میباشد ، در این وضع تاثیر دارد ۰ دولت بااحیاء انتی کمونیسم در عین حال از اقداماتی که از طرف گروههای معین برای ایجاد تفرقه در میان نیروهای کارگری بعمل میآید وبرخی از آنها خود را طرفدار مائوتسه دون وبرخی دیگر هوادار تروتسکی اعلام میدارند ، استفاده میکنند ۰ جلوگیری از هرای چپ روانه واقدامات انشعابگرانه اینگروهها بسود انحصاری های سرمایه داری که دولت دوگل نمایندهٔ آنهاست ، تمام میشود ۰

حزب ما بنوبه خود توجه خویش را بزحمتکشان شهر ودهٔ ، کارگران ودهقانان ، تکنیسین ها وکادرهای رهبری صنایع وبازرگانی ، پیشه وران وبازرگانان وغیره معطوف داشته است تا آنانرا با برنامه حزب آشنا سازد وپشتیبانی آنهارا جلب نماید ۰ بدینوسیله حزب خواهد توانست دامنه مبارزه توده ها را بسط دهد واز تمایل آن به اتحاد با نیروی بیشتری دفاع کند ۰

همین جنبش توده ایست که خواهد توانست وحدت لازم را بوجود آورد ودر عین حال با هرگونه کوششی برای بازگشت به همکاری طبقاتی جدا مبارزه کند ۰ این جنبش ایجاد فرانسه دموکراتیک ومستقل وصلحجوو شکوفانی را که در راه سوسیالیسم باید تکامل یابد ، میسر خواهد ساخت ۰

چنین است نظریات واقدامات واقعا انقلابی ۰ این نظریات واین اقدامات با خود ستائی کسانی که پیوسته با عبارات پرطمطراق از ضرورت " انقلاب کردن " دم میزنند وباجمله پرد ازیهای خود چنین جلوه میدهند که گویا همه چیز ، در همه جا ودر هر زمان امکان پذیر است ، هیچ وجه مشترکی ندارد ۰ این یاوه سرایان قادر نیستند مانند یک انقلابی واقعی عمل کنند ، نمیتوانند واقعیت مشخص هر لحظه را تجزیه وتحلیل نمایند ، وسائل لازم برای تاثیر بر واقعیت سیاسی واقتصادی واجتماعی انتخاب کنند و اکثریت مردم را به مبارزه مستقیم برانگیزند وآنانرا به هواداری از سوسیالیسم جلب نمایند ۰

اگر نیروهای ضد امپریالیسم وصلح جو در سراسر جهان برای تحمیل صلح با امپریالیسم که مستلزم وحدت نیروهای ضد امپریالیسم در وهله اول جنبش جهانی کمونیستی است ، با قدرت کافی عمل نکنند ، بمبارزه طبقه کارگر فرانسه برهبری حزب کمونیست نیز لطمه جدی وارد خواهد آمد ۰

بدینجهت حزب ما طرفدار تشکیل جلسه مشاوره جدید احزاب کمونیست وکارگری است ۰ حزب ما همراه با هیئت های نمایندگی سایر احزاب کمونیست وکارگری کشورهای سرمایه داری تجربه مبارزه انقلابی طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری را که جزء لاینفک وبخش مهم جنبش انقلابی جهان در مبارزه علیه امپریالیسم است ، در اینجلسه عرضه خواهد داشت ۰

ضرورت مبارزه علیه سیاست تجاوزکارانه بن و در راه امنیت اروپا

آلبرت نوردن (عضو پولیت بورو و دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان)

اززمان روی کارآمدن هیتلر و تصویب قوانین او درباره تفویض اختیارات فوق العاده بدولت که درمارس ۱۹۳۳ انجام گرفت ۳۵ سال میگذرد . باتصویب این قوانین مجلس آلمان راسا خود را عقیم ساخت و راه هیتلر را برای بازداشت و نابودی صدها هزار تن از مخالفین سیاسی وی ، برای تسلیح و تدارك الحاق طلبی های او که به جنك دوم جهانی انجامید ، هموار کرد . تومار حکومت نازی در اثر شکست های نظامی فاشیسم هیتلری درهم پیچیده شد . اراده قشرهای وسیع مردم بخود آمده آلمان در سال ۱۹۴۵ بـا تصمیمات متخذه کشورهای پیروزمند در پتسدام درآمیخت . هدف این تصمیمات این بـود که نازیسم و میلیتاریسم از حیات اجتماعی ریشه کن شود ، ازشاهان بی تاج و تخـت سرمایه مالی سلب قدرت گردد ، کارتل ها و تراست ها برای همیشه منحل شوند و دموکراسی در تمام شئون حیاتی آلمان تعمیم یابد .

باوجود این امروز در هرپنج قاره جهان باز از " خطر آلمان " صحبت میشود . البته اینجا سخن برسر بخش خاوری ، یعنی جمهوری دموکراتیك آلمان نیست که نازیسم را بی امان ریشه کن ساخته ، تمام معلمین وافسران نازی ، مبلغین ومنصبداران نازی را از حیات اجتماعی رانده ، اندیشه های دموکراتیك وسوسیالیستی را به مردم ارزانی داشته است ، جوانان را باروح انترناسیونالیسم سوسیالیستی تربیت میکند ، وسـائل تولید را از مالکیت خصوصی به مالکیت خلق درآورده است وزمینی راکه ۲۵ سال قبل ۳۰۰۰ ملاك منفور در تصرف خود داشتند وباروستائیان مانند چاکران خود رفتار میکردند بـه کئوپراتیوهای کشاورزی سوسیالیستی شکوفان تبدیل کرده است . جمهوری دموکراتیـك آلمان گواه زنده ای است براینکه مصالح مردم آلمان باتمایلات ملل جهان وبویژه ملـل اروپا به حفظ امنیت خود، مطابقت دارد .

تحت تاثیر نیروهای سیاسی واقتصادی ارتجاع داخلی ونیروهای اشغالی کشورهای غربی رژیم سرمایه بزرك بار دیگر در آلمان غربی احیاء شد و به وارث سیاسی امپریالیسـم آلمان بدل گردید و دیکتاتوری طبقاتی سرمایه مالی را بر ۵۰ میلیون مردم آلمان غـربی چنان مستقر ساخت که در حال حاضر ۳ر۰ درصد جمعیت آن بیش از مجموع ۷ر۹۹ درصد دیگر ثروت در اختیار دارند و ۵۰۰ تن از افراد یا گروه افراد هرکدام بیش از ۱۰۰ میلیون مارك

وبرخی ازثروتمندترین انها حتی چند میلیارد ثروت دارند ۰ اینان همان خانواده هاو همان کنسرن هائی هستند که درزمان امپراتوری قیصری ودر جمهوری ویمارود ر ا ن دیکتاتوری نازی مقامات حاکمه وقدرت اجتماعی ـ سیاسی را دردست داشتند ۰ امروز برهمگان اشکاراست وحتی افراد غیرمارکسیست هم معترفند که تمرکز قدرت اقتصادی دردست گروه معین به قدرت مطلقه سیاسی نیز منجر میگردد ۰ اراده بانکداران بزرگ وصاحبان صنایع بزرگ عملا حکم قانونی را دارد که تعیین‌کننده چگونگی سیاست جمهوری فدرال المان است ۰

شاید گفته شود که این‌وضع اسفناك ونامطبوع است ولی دراخرین تحلیل این مطلب فقط بخود المانیها مربوط است ۰ ولی این صحیح نیست ۰ هیچکس‌نه دراروپا ونه درقاره های دیگرنمیتواند وحق ندارد فراموش‌کند که همین کنسرن های المانی که امروزد وباره بر المان غربی فرمانروائی میکنند ، دردوران قیصروهیتلرنیز نیروی‌محرکه سیاست الحاق طلبانه بودند ۰ مامیتوانستیم صدها یاد داشت رسمی این‌کنسرن هارا دردوران قبل وهنگام جنگ اول ودوم جهانی نام ببریم که درآنها خواستهای الحاق طلبانه امپریالیسم المان که هدف انها تسلط براروپای غربی وشرقی وایجاد امپراتوری عظیم مستعمراتی ازطریق تسخیر اراضی دیگران بود فرمولبندی شده ودولتهای وقت انهارا اقتباس‌کرده اند ۰ صاحبان سرمایه مالی المان غربی که عزم راسخ دارند به‌نتایج جنگ جهانی دوم تن دردند هند اکنون بوسیله سیاستمداران ، وزراء وژنرالهای خود ازنومرزهای اروپارا تحت سئوال قرارمیدهند وبزرگترین نیروهای نظامی کشورها ی سرمایه داری اروپارا بوجود میآورند ۰

سیاست "Roll Back" یعنی سیاست تعرضی عقب راندن سوسیالیسم بکمك نیروی نظامی که تئوری انرا جان فوستر دالس درحیات خود ابداع کرده بود ودراروپا اجرای ان را ادناثر وارهارد صدر اعظم های المان غربی بعهده گرفته بودند به شکست محکوم گردید ۰ تحکیم کشورهای سوسیالیستی وازانجمله جمهوری دموکراتیك المان نقشه سیاستمداران تجاوزکاررا عقیم ساخت ۰ این نقشه ها درنتیجه اختلافاتی که درهمین زمینه میان امپریالیستها بروزکرد ونیز درنتیجه مشکلات اقتصادی که عامل عمده ان دامنه عظیم‌تسلیحات المان غربی است عقیم ماند ودراثر ان دراواخر سال ۱۹٦٦ بحران عمیقی درحزب دموکرات‌مسیحی که حزب حاکم المان غربی است بروزکرد ۰

لحظه تفکرنو وابداعات نو فرارسیده بود ۰ خیلی‌ها انتظارداشتند وامیدوار بودند که حزب بزرگ دیگر ، یعنی حزب سوسیال دموکرات بایك برنامه الترناتیوزمام حکومت را بدست خواهد گرفت ۰ درواقع هم دراوائل سپتامبر ۱۹٦٦ بی کم وکاست نه‌وزیر سوسیال‌دموکرات وارد کابینه جمهوری فدراتیو المان شدند ، اما نه بایك برنامه نوین ونه باین‌منظور که‌کشتی سیاست المان غربی را به‌آبهای آرام رهبری کنند ، بلکه بعنوان شرکای صغیر حزب دموکرات‌مسیحی که باوجود ازدست دادن اعتبارخود درنتیجه‌موضعگیری جناح وزارتی حزب سوسیال دموکرات توانست تمام قدرت را دردستخود نگاهدارد ۰

خصیصه‌ممیزه سال ۱۹٦۷ درآلمان‌غربی پیدایش‌یك‌سیاست نوین نبود ، بلکه اصطلاح

نوینی بود که میبایست بسیاستکهنه جلوه نوید هد وآنرا قابل اعتماد کند ۰ علاوه براین می بایست بکمك مانورهای پسیکولوژیك فریبکرانه نظیر اتخاذ باصطلاح " سیاست جدید در قبال شرق " سیاستکهنه شکست‌خورده اجرا شود ۰ در این رهگذر ازبکاربرد ن الفاظ مودتآمیز مانند " پل زدن " و " تخفیف وخامت وتشنج " و " نزدیکی ملل اروپای غربی وشرقی " مضایقه‌نمیکنند وحتی ازانصراف ازتوسل بزور دمیزنند ۰ فقط (تمام سیاست خبث نیت در همین " فقط " مستتراست) ــ فقط باجمهوری دموکراتیك آلمان نمیخواهند قرارداد انصراف ازتوسل بزورمنعقد سازند ۰ در لفافه آن ملاحظات زیر نهان است : بموجب قرارداد انصراف ازتوسل بزورکه مثلا بااتحاد شوروی امضا میشود ، اتحاد شوروی بزعم هیئت‌حاکمه آلمان‌غربی باید متعهد گردد که اگر بن به جمهوری دموکراتیك آلمان تجاوزکند ازدخالت خود داری ورزد ۰ براندت وزیرامورخارجه‌آلمان غربی اخیرا گفته است که حاضراست بااتحاد شوروی قرارداد انصراف ازتوسل بزورمنعقد سازد و " آلمان شرقی راهم وارد آن کند " ۰ بااین تمهید میخواهند جمهوری دموکراتیك آلمان راکشوری اعلام کنند که ازنقطه‌نظرحقوق بین المللی وجود خارجی ندارد بلکه " منطقه اشغالی شوروی " است ۰ بن باینطریق میخواهد بطورغیرمستقیم به هدف خود یعنی شناسائی جمهوری فدرال آلمان بمثابه تنها کشورآلمان ، نائل شود ۰ این‌همان‌مشی است که در اظهارات کیزینگرنیزمنعکس‌است ۰ کیزینگرگفته است که میل دارد سهم خود را در سیستم امنیت اروپا ادا کند ۰ ولی دعوی خود را درمورد حق انحصاری نمایندگی تمام مردم آلمان حفظ مینماید ۰ شیوه هیتلری در اینجا محسوس‌است : ازیك سو دعوی صلحدوستی و از سوی دیگراعلان جنگ بصورت دعوی حق انحصاری نمایندگی تمام مردم آلمان ۰

" برنامه‌مند ریحی " کیزینگرصدراعظم آلمان غربی را نیز باید باهمین مفهوم درك کرد ۰ چون زورشان‌نمیرسد که به تمام اردوگاه سوسیالیستی حمله‌کنند میخواهند اینکاررا مرحله بمرحله انجام دهند ۰ واین ازهرجهت بااستراتژی جهانی امریکا مطابقت دارد ۰ ز ۰ بژه زینسکی که تا اخر سال ۱۹۶۷ یکی ازرایزنان محرم جانسون درمسائل سیاست خارجی ورئیس‌کمیته برنامه وزارت خارجه ایالات متحده امریکا بود دراینمورد درکتاب خود بنام " آلترناتیف تفرقه وانشعاب " مینویسد : " برای آنکه غرب بتواند علاقمندی اروپای شرقی را به آلمان شرقی متزلزل کند ، باید میان روش‌خود درقبال آلمان شرقی وروش‌خود درقبال سایرملل شرق اروپا تمایز بین قائل گردد ۰ درقبال آلمان شرقی باید سیاست منفرد ساختن ان بکار رود ۰ باید ملل اروپای شرقی رامتقاعد ساخت که وجود آلمان شرقی ، آزادی آنهارا محدود میکند " ۰ تمام استراتژی دولت ائتلاف بزرگ که نطفه‌آن درواشنگتن بسته شده ودربن چشم بجهان گشوده درهمین عبارات مستتراست ۰ بن می پندارد که اگر به‌کشورهای سوسیالیستی تبسم کند انها متوجه اقداماتی که همزمان آن ازطرف محافل امپریالیستی علیه جمهوری دموکراتیك آلمان انجام میگیرد ــ نخواهند شد ۰ سلسله جنایتکاران بن برآنند که درنوبت اول باید این دژمقدم باختری اردوگاه سوسیالیستی را درهم بشکنند وسپس‌درمورد چگونگی اقدامات بعدی تصمیم بگیرند ۰ این همان روحیه‌وتاکتیکی است که هیتلررا وامیداشت هنگام تصرف هرکشور (ازالحاق

اتریش گرفته به بعد) کشورهای همسایه دیگررا بااعلام اینکه علیه آنها هیچ سوء قصد ی ندارد آرام نگاهدارد ، درحالیکه درهمان لحظه برای حمله بآن کشورها عملا تدارک دیده میشد ۰ هربار ، هنگام تصرف اتریش وسپس اشغال سودت وتصرف بعدی تمام خاك چکوسلواکی وآنگاه تدارك برای تصرف لهستان ــ دعوی میشد که این دیگر بدون شك آخرین ادعای ارضی خواهد بود ۰ همیشه قوا دریك نقطه متمرکز میگردید وبعد ازآنکه ان نقطه به تصرف میامد برای اقدام بعدی تدارك دیده میشد ۰

امروزهم وضع برهمین منوال است ۰ کرد اردولت بن باگفتارش تضاد فاحش دارد ۰ دولت بن ازدکترین هالشتین که بنیاد آن بردعوی حق انحصاری نمایندگی تمام مردم آلمان و " جنگ سرد " مداوم علیه جمهوری دموکراتیك آلمان استوار است دست برنداشته است ۰ خود کیزینگر باتایید تمام وزرای کابینه خود روز ۲۳ مه ۱۹۶۷ درکنگره حزب دموکراتسیحی تمام بنای دعاوی صلحدوستانه را ویران کرد واعلام داشت که شناسائی مرزهای موجود درحکم " تسلیم بی قید وشرط " است کههیچکس نخواهد توانست آلمان غربی را به قبول ازواد ارد ۰ هنگام تحویل سال ۱۹۶۸ صدراعظم هم شفاها وهم کتبادعوی " حق انحصاری نمایندگی " را برای تمام آلمان، یعنی ایضا برای جمهوری دموکراتیك آلمان نیز تایید کرد ۰

حزب دموکراتسیحی درآغازسال ۱۹۶۸ برنامه عمل خودرا منتشرکرد که درآن گفته میشود : " نظام دولتی واجتماعی موجود درجمهوری فدرال آلمان باید بمثابه هدفی برای تمام آلمان تلقی شود " ۰ بدینسان حزب دولتی رهبر جمهوری فدرال آلمان اشغال جمهوری دموکراتیك آلمان را هدف خود اعلام میکند تا بدینوسیله دیکتاتوری سرمایه انحصاری راجایگزین دموکراسی سوسیالیستی نماید ۰ باین جهت سیاستمداران متجاوز بن همیشه امتناع دارند ازاینکه جمهوری دموکراتیك آلمان را ازنقطه نظرحقوق بین المللی برسمیت بشناسند ۰ آنها میخواهند جمهوری دموکراتیك آلمان را ازنظرحقوق بین المللی خلاء جلوه دهند وچنین وانمود کنند که متجاوزین آلمان غربی میتوانند بدون آنکه ازنظر بین المللی عواقب ومسئولیتی دامنگیر انها گردد هرطور بخواهند دراین خلاء عمل کنند وباهیچ مانعی روبرونشوند ۰ بعبارت دیگر سخن برسر همان برنامه جنگی امپریالیسم آلمان علیه جمهوری دموکراتیك آلمان است که فقط درگفتارتغییرکرده است ۰ اگر دولت آلمان غربی جمهوری دموکراتیك آلمان را برسمیت بشناسد معنایش انستکه باید ازسیاست بداخله مسلحانه دست بکشد ۰

دولت بن مایل است ــ واین معرف تفرعن علاج ناپذیر امپریالیسم آلمان است ــ کشورهای دیگررا بهمجری وهمدست سیاست استیلاگرانه خود بدل نماید ۰ این دولت برای عملی ساختن دکترین هالشتین قطعنامه هائی را بکمیسیون شورای وزیران " بازار مشترك " پیشنهاد کرد که بموجب انهابازرگانی کشورهای عضو " بازار مشترك " باجمهوری دموکراتیك آلمان باید منع شود واین کشورها دراین مسئله تابع نظر بن باشند ۰ دولت آلمان غربی اصرارد ارد که بازرگانی کشورهای عضو " بازار مشترك " باجمهوری دموکراتیك آلمان درسطح نازل نگاهداشته شود ، تابه جمهوری دموکراتیك آلمان اعتبارات درازمدت داده نشود وانعقاد کلیه موافقت نامه های بازرگانی کشورهای عضو " بازار مشترك " باجمهوری دموکراتیك آلمان مشروط به اطلاع وتصویب دولت بن باشد ۰ معنای این سخن آنستکه بن راساخود راقیم

هم پیمانان خود معین میکند .

در سال ۱۹۶۷ که ویلی براندت به انگلستان وسوئد رفته بود ازوزرای امورخارجه ونخست‌وزیران این‌کشورها وکشورهای دیگر " منطقه بازرگانی آزاد " خواست که این کشورها بازرگانی خود را باجمهوری دموکراتیک آلمان کاهش دهند .

ما هم اکنون از وزیرامورخارجه ومعاون صدراعظم دولت آلمان غربی نام بردیم که بطوری که دیدانیم رئیس‌حزب سوسیال دموکرات نیز هست . واقعیتی که بهیچوجه نمیتوان آنرا ازلوح تاریخ زدود آنستکه وزرای سوسیال دموکرات درهمان حال که ازتخفیف وخاتمه دمی زنند باتمام قوا درتشدید وخاتمه‌میکوشند . رهبری حزب حاکمهٔ علنا سرمایه داری ازرهبران حزب سوسیال دموکرات بمثابه مجری سیاست‌خود استفاده‌میکند تااعتماد کشورهای خارجی را بسوی این حزب جلب نماید وچنین جلوه دهد که این حزب برای سازش‌آمادگی دارد . ضمنا درپایان سال ۱۹۶۶ بحرانی که دامنگیرحزب دموکرات مسیحی بود اکنون به حزب سوسیال دموکرات سرایت‌میکند واین " محصول فرعی " بسیارمطلوب برای سیاست حزب دموکرات‌مسیحی است . علت بحران در حزب سوسیال دموکرات آنستکه جمع کثیری ازاعضا وکادرهاورای دهندگان ان ازحزب سوسیال دموکراتها امیدوروگردان شده اند زیرا دیگر سیاست این حزب ازسیاست حزب دموکرات مسیحی قابل تمیز نیست .

کیزینگر وبراندت دراوتسال ۱۹۶۷ هنگام مذاکرات خود درواشنگتن با جانسون‌رئیس جمهور امریکا استراتژی جهانی امریکا راتایید کردند . برنامه ای که درانجا بتصویب رسید نکات‌زیررا دربرداشت : جمهوری فدرال آلمان درحدود توانائی خود ازجنگ خانمانسوز علیه ویتنام پشتیبانی معنوی وسیاسی ومادی ومالی بعمل میاورد . جمهوری فدرال آلمان تجاوز به‌کشورهای عربی ومتصرفات اسرائیل را تایید میکند وبرای حفظ دیکتاتوری های‌فاشیستی متزلزل درپرتغال ، اسپانیا وپرتقال بانها اسلحه خواهد داد وکمکهای مادی مذول خواهد داشت . جانسون هم بعنوان خدمتقابل پشتیبانی خود را ازسیاست بن علیه جمهوری دموکراتیک آلمان وازتلاش‌آلمان‌غربی برای احراز سردرگی دراروپای غربی اعلام داشت .

تبلیغات علیه جمهوری دموکراتیک آلمان را نمیتوان مجزا ازمجموعه سیاست خارجی جمهوری فدرال آلمان درنظرگرفت . همین‌چندی پیش‌دولت بن معادل ۴۰ میلیون‌مارک تکنیک جنگی مدرن دراختیار دیکتاتوری فاشیستی نظامی یونان گذاشت ودرست ازهمان زمان کودتای نظامی است که روابط اقتصادی میان‌آلمان غربی ویونان توسعه میابد .

دولت بن‌در ائمابسود تجاوزامریکا به ویتنام تبلیغ میکند وتا بحال برای این‌جنگ کثیف دست کم ۷۵۰ میلیون مارک پرداخته است .

دولت بن درسال ۱۹۶۷ لوبکه رئیس‌جمهور آلمان غربی را به‌کره جنوبی فرستاد . این دولت به‌رژیم سفاک سئول ۱۰۰ میلیون دلار کمک کرده است .

دولت بن ازرژیم دیکتاتوری سالازارپشتیبانی سیاسی ومالی بعمل میاورد وباین رژیم که علیه ملل مستعمرات‌پرتقالی مبارزراه‌آزادی میجنگند اسلحه تحویل میدهد .

خلاصه‌آنکه هرقدر دولتی ازسیاست خارجی ودا خلی فاشیستی تروتجاوزکارانه تری پیروی کند ، دولت بن روابط خود را باآن محکمتر میسازد . فاشیسم بین المللی وعاطین تجاوز

جهانی د روجود بن همدست وحامی مطمئنی دارند ۰

بدینطریق مبارزه دولت ائتلاف بزرگ آلمان غربی علیه جمهوری دموکراتیك آلمان حلقه‌ای ازسیاست جهانی پشتیبانی ازکلیه متجاوزان وغاصبان را تشکیل میدهد ۰

ویلی براندت درماه ۱۹۶۷ کنفرانس ازسفرای آلمان غربی درکشورهای آسیائی د ر توکیو تشکیل داد وبه آنها توضیح داد که براند اختن رژیم "حزب سوسیالیست متحده آلمان" همچنان هدف استراتژیك سیاست بن را د رمسئله آلمان تشکیل میدهد ۰ سخن برسرتغییر سیستم سیاسی جمهوری دموکراتیك آلمان است ۰ البته درمقابل محافل اجتماعی جهان باید خود را اماده برای گذشتشان داد ۰ اما دردعوی انحصارنمایندگی تمام مردم آلمان تخفیفی داد منخواهد شد ۰ هردوطرف ائتلاف یعنی هم حزب دموکرات مسیحی وهم حزب سوسیال دموکرات برآنند که بااین تاکتیك میتوانند ازبالارفتن اعتبارجمهوری دموکراتیك المان جلوگیری کنند ۰ ویلی براندت ازصحبت خود چنین نتیجه گرفت که دیپلمات های بن برای حصول این مقصود باید درکشورهای محل ماموریت خود باتمام قوا بکوشند تا ازشناسائی جمهوری دموکراتیك آلمان توسط این کشورها جلوگیری کنند ۰

درهرگوشه کره زمین که کشوری جراتکند نمایندگی خود را درجمهوری دموکراتیك آلمان دائرنماید یا یك هیئت نمایندگی پارلمانی بهانجا بفرستد ، سفیر مربوطه بن مثل مارگزیده بخود می پیچد ۰ تبلیغات بین المللی دولت جمهوری فدرال آلمان علیه جمهوری دموکراتیك آلمان هیچگاه به شدت دوران پس ازائتلاف بزرگ دوحزب دموکرات مسیحی وحزب سوسیال دموکرات المان نبوده است ۰

امپریالیسم آلمان غربی برای پرده پوشی هدفهای الحاق طلبانه خود درتبلیغات خارجیش ادعا میکند که تقسیم آلمان علت وخامت وضع دراروپا است ۰ درمقابل این ادعا باید گفت که آلمان درقرن ۱۹ ازیکسلسله کشورهای مستقل ازیکدیگر تشکیل میشد واین وضع بهیچوجه مخاطرات جهانی بوجود نمیآورد وبرعکس همینکه درسال ۱۸۷۱ کشورهای آلمان متحد شدند وحکومتنیمه مطلقه قیصری را که بورژوازی بزرگ برآن مسلط بود بوجود آوردند دوران سیاست بین المللی قدرت طلبی این حکومت آغازگردید واتفاقا همین سیاست بود که کاررا به نخستین جنگ جهانی منجرساخت ۰ پس علت عدم آرامش در مرکزاروپا وجود وکشور المان نیست (ناگفتنماند که ناله وندبه برای تقسیم المان باوضع کسانی که درسال ۱۹۴۸ ــ ۱۹۴۹ آلمان راتقسیم کردند تاازاجرای تعهدات پتسدام سرباززنند خیلی جورنمیآید !)

برقراری وضع عادی در اروپارا درگرو احیای وحدت المانی ها نگاهداشتن ، انسان را بیاد تبلیغات هیتلر میاندازد که مدعی بود برای برقراری آرامش دراروپا نخست باید تمام افراد المانی زبان دریك کشور واحد آلمان متحد شوند ۰ وبرهمین اساس بود که اتریش تصرف شد ، چکوسلواکی قطعه قطعه شد ، به لهستان حمله شد والزاس ولورن به تصرف حکومت هیتلری درآمد ۰ میدانیم که این اعمال به کجا ختم شد ۰ واینك معجبین زندهمانده آن اعمال ودست پروردگان انها دعاوی گستاخانه خود را ازسرگرفته اند ومیخواهند تمام المانها را درشرایط تسلط رژیمی که نظام اجتماعی ــ اقتصادی ان بانظام اجتماعی ــ اقتصادی حکومت هیتلری مطابقت دارد ــ متحد سازند ۰ سخن برسر ایجاد یك "المان بزرگ" جدید است ۰ ومبالغه نمیکنیم ۰

امروز محافل اجتماعی جهان بحق ازوجود خطر نئوفاشیسم در آلمان غربی سخن میگویند . حزب نئو فاشیست بیشك طوری در حال رشد است که نمیتواند موجب نگرانی نباشد . ولی این حزب فقط بعلت تشویق منظم دولت ائتلاف بزرك بن میتواند رشد کند . در یاد داشت ۸ دسامبر دولت شوروی بنحو متقن ومقنع به این خطر اشاره شده است . سال گذشته در انتخابات ایالت بایرن حزب حاکمه تحت رهبری فرانس ژوزف اشتراوس وزیر دارائی که وضعش معلوم است (حزب سوسیال مسیحی) باحزب نئوفاشیسم قرارادی بست که بموجب آن طرفین متعهد شدند مانع یکدیگر نشوند . این حزب بدینسان بحزب نئوفاشیست کمك کرد که بمجلس محلی بایرن راه یابد . صاحبان سرمایه بزرك وازجمله کنسرن های وارث تراست " ای . گ . فارپن " وبویژه کارخانه "انیلین وسودا باد " هزینه حزب ناسیونال دموکرات راتامین میکنند . دستگاه دولتی ازنازی های سابق این حزب وارث هیتلر مملواست .

بیش از دوسوم هسته رهبری وزارت امورخارجه آلمان غربی عملا ازکسانی است که در دستگاه دیپلماتیك هیتلر خدمت کرده اند . ومقام حساس معاونت وزارتخانه ،بازرس نمایندگی های آلمان غربی درخارجه ، روسای شعب " سیاست توسعه " ، کارگزینی نمایندگی های آلمان غربی درخارجه وغیره را نازی های متعصبی بعهده دارند که هرگز ازگذشته خود تبری نجسته اند . سفرای آلمان غربی درامریکای لاتین ، اسپانیا یونان ، افریقای جنوبی وکشورهای دیگرورسای نمایندگی های آلمان غربی درتمام موسسات بین المللی نظیرسازمان ملل متحد ، ناتو ، بازار مشترك اروپا ، سازمان همکاری اقتصادی وتوسعه ، اتحادیه اروپای غربی ــ همه درزمان حکومت هیتلرو پیمان ترور نیز نقش پرده ساترسیاست توسعه طلبی ازطریق مانورهای دیپلماتیك را بازی میکردند وازتخفیف وخامت اوضاع جلوگیری میکردند وراه را برای تجاوز نظامی هموارمیساختند .

روسای سه شعبه عمده باصطلاح " وزارت امورخارجه آلمان " که برراس آن هربرت ونر معاون حزب سوسیال دموکرات قرارارد ، هنگام جنگ دوم جهانی ــ دراجرای سیاست تروریسم آلمانی کردن که هیتلر وهیملرد رلهستان تعقیب میکردند فعالانه شرکت داشتند . این افراد درحال حاضر اره کنندگان اصلی جنگ سرد علیه جمهوری دموکراتیك آلمان هستند وبااین عمل وفاداری خود را به گذشته خویش حفظ میکنند .

فئودال بزرك بارون فون اوند سو گوتنبرگ ،معاون اداری صدراعظم ومشاور سیاسی کیزینگر که درمنشآت خود خواستار پس گرفتن نواحی سابقا آلمانی نشین اروپای شرقی است درانتخابات اخیر مجلس درحوزه انتخابی خود باحزب ناسیونال دموکرات قرارگذاشت که بکمك این حزب اعتبارنامه نمایندگی خود را تامین کند .

آدولف فون تاون رهبر حزب ناسیونال دموکرات متاسفانه کاملا حق داشت وقتی در ۱۲ نوامبر ۱۹۶۷ ضمن پایان سخن خود درکنگره حزب که باموافقت دولت بن تشکیل شده بود گفت : " به رشد حزب ناسیونال دموکرات بمیزان بسیارزیادی ائتلاف بزرك بن کمك کرده است " .

این کمك همه جانبه است وجوانب زیرین را دربرمیگیرد :

ـ کمك عملی به حزب ناسیونال دموکرات ؛
ـ پیش‌کشیدن فاشیستهای قدیم وجدید در دستگاه دولتی ؛
ـ غیرقانونی کردن حزب کمونیست المان وبدینسان جلوگیری ازاعلام علنی یك آلترناتیف دموکراتیك برای سیاست دولت . درنتیجه این امررای دهندگان مایوس‌دسته دسته به‌حزب نئونازی که یك آلترناتیف کاذب پیشنهاد میکند ، رومیاورند ؛

جانب دیگر این کمك بویژه انستکه خود دولت نه‌تنها ازلحاظ ترکیب رجال رهبری (کیزینگراولین صدراعظم المان‌غربی است که گذشته فعال فاشیستی دارد) ـ وترکیب کارمندانعالیرتبه خود ، بلکه درسیاست خود نیز دارای سمت‌گیری تلافیجویانه استو باین جهت بوسیله هزارها رشته بافاشیستهای اشکار تماس‌دارد .

برای نمونه ارتش المان غربی راکه افزار قاطع قدرت کشوراست درنظرمیگیریم : بخش بزرگی ازافسران باحزب ناسیونال دموکرات همدردی میکنند ، سربازان را به جرگه های نئو فاشیستی میفرستند ، کتابخانه های سربازخانه هارا ازکتابهائی پرمیکنند که تبهکاریهای دوران جنگ جهانی دوم را میستایند . به سربازخانه ها وکشتی های جنگی آلمان غربی نام ژنرالهای هیتلری داده میشود ، پرچم های ارتش نازی را درواحد های ارتش المان غربی بعنوان‌مقدسات تجلیل میکنند . علائم راهنمائی که درمدخل شهرهای بزرك المان غربی بدستور دولت وبه‌هزینه دولت نصب شده است فاصله کیلومتری محل را تاشهرهائی که زمانی آلمانی بوده ولی امروزبه لهستان ، اتحاد شوروی وچکوسلواکی تعلق دارند ،معین میکند . بازار آن بنگاههای نشر کتاب که وضع مشکوك ولی بنیه‌مالی محکمی دارند رواج است. این بنگاهها میلیونها کتاب منتشر میکنند که درآنها گذشته خونین هیتلری تجلیل میشود . کتابهای درسی جوانان وقایع تاریخی را طوری توصیف میکنند که درآن تبهکاریهای هیتلر عملا حذف شده وحتی توجیه گردیده است . جوانان وسربازان رامصرانه ومجدانه با روح " Irredentisme " (۱) بارمیآورند تاحس‌اندوه بخاطرسرزمین‌های " آزاد نشده " راکه گویاباید بهرنحوشده ازنو " آزاد شوند " به این‌نسل تلقین‌کنند . رهبران حزب دموکرات‌مسیحی آشکارا فکر تشکیل یك دولت ائتلافی باحزب فاشیستی ناسیونال دموکرات را درسر میپرورانند ـ همانطورکه درسال ۱۹۳۲ حزب خلق ناسیونال آلمان میخواست با هیتلرمشترکا حکومت کند .

باوجود این واقعیات چه‌کسی میتواند منکر شود که بسیاری ازکارهائی که اکنون در آلمان غربی انجام‌میگیرد انسان را بطوروحشتناك بیازمانی‌میاندازد که هیتلر باکمك مالی صاحبان کارخانه های اسلحه سازی دارودسته خود را براه انداخت وراه‌تجاوزرا درداخل و خارج درپیش‌گرفت .

---

(۱) ـ ایرونتیسم (مشتق ازواژه ایتالیائی Irredento یعنی سرزمین ازاد نشده) ـ این به جنبشهای ناسیونالیستی وشوینیستی کشورهای امپریالیستی اطلاق میشود . هدف این‌جنبشها آنستکه تمام افراد ملیت‌معین که درخاك‌کشورهای دیگر بسرمیبرند باکشور متروپول متحد شوند .

اشتباهی فاحش‌تر ازاین‌نیست که حزب نئوفاشیست را پدیده ای مستقل تصورکنیم ° پیدایش‌این‌حزب ورشد آن ره آورد ۲۰ سال سیاست تلافیجویانه احزاب حاکم آلمان غربی است ° ازآنجا که این احزاب وازجمله سران‌سوسیال دموکرات خواستاراحیای مرزهای‌دوران حکومت هیتلری سال ۱۹۳۷ (یعنی خواستاراالحاق جمهوری دموکراتیک المان ، لهستان غربی وبعضی نواحی اتحاد شوروی) هستند ونمیخواهند اعلام کنند که قرارد اُدونیخ که چکوسلواکی را قطعه قطعه کرد ازهمان اغازفاقد هرگونه اعتبار قانونی بوده است ونیز ازآنجا که شووینیسم باذات سیاست خارجی آلمان غربی‌عجین گردید ، بذری پاشیده شد که ناگزیر ازان‌میبایست دندانهای اژدرفاشیسم بی حجاب وحزب ان بیرون بیاید ° وقتی دولت بن براساس‌شعار: " دولت‌واقع در مرزشرقی من قانونی نیست " عمل میکند ، ناچارتئوری و عمل آن آب به‌آسیای نئونازیست ها میریزد °

درسال ۱۹۶۷ حزب وارثان هیتلربه پارلمان چند ایالت جمهوری فدرال المان راه یافت وکسی شک ندارد که اینگرایش‌درسال ۱۹۶۸ هم دوام خواهد داشت ° همه جا سازمان های محلی این حزب‌متعلق به نازی های قدیم وجدید تشکیل میشود ° هرجا که‌مردم شهرهای آلمان غربی درپروی اجتماعات نئونازی می بندند ،بدستور مقامات دادگستری درها به زورباز‌میشود ° همه بخاطردارند که قضاتنازی درشکست جمهوری ویمارورقراری دیکتاتوری نازی چه گناه عظیمی بدوش‌دارند ° امروزهم آنها بهمان سیاهکاریها‌مشغولند ° کمونیست هاراکه قاطعترین‌وازمودترین مبارزان ضد نازیسم هستند به فعالیتمخفی مجبور کرده اند وبزند انهارا‌وانه میسازند وضمناد‌رموارد بسیاری قضات عضو حزب ناسیونال دموکرات رای محکومیت انهارا صادرمیکنند وحتی بسیاری اززندانبانهای آنهانیز ازاعضای همین‌حزب هستند °

واقعیات گواهبرآنست که نئونازیسم بحزب ناسیونال دموکرات محدود نمیشود وایدئولوژی این‌حزب دراحزاب دولتی ودربخش‌بزرگی ازجرائد رسوخ دارد ومبنای کار دستگاه دولت ومملکت قرارمیگیرد °

بدینطریق جمهوری فدرال المان وضع واقعا خطرناکی بخود میگیرد ° رئیس‌جمهور ان شخصی استکه اردوگاه مرگ هیتلری را ساخته است ° صدراعظم ان تبلیغات خارجی شووینیستی رادیوی نازی را رهبری میکرد ، ژنرالهاورهبران دستگاه اداری کنونی دست افزار های حکومت‌هیتلری بودند و ۱۱۲ نفر ازرهبران تندرست وسالم اقتصاد نظامی دوران‌هیتلر حالاهم مقامات رهبری را در دستگاه اقتصادی واجتماعی جمهوری فدرال آلمان بعهده دارند ° نازیسم سابق ولاحق باهم جوش‌خورده اند واین خطر وجود دارد که کمیت سیاست ارتجاعی تجاوزکارانه‌بکیفیت جدید بدل گردد °

سیاست‌خارجی دولت بن که درجهت تجدید نظر درمرزهای مرکز اروپا وحمایت ازتمام دیکتاتوری های فاشیستی نظامی جهان سیرمیکند ، جمهوری فدرال المان را به کانون خطر عمده دراروپا تبدیل میکند ° مطلب فقط اینست‌که دولتی هدف خود را تغییرمرزهای موجود اعلام‌میکند ، بلکه دراینجا پای نیرومندترین امپریالیسم (بعد ازامریکای شمالی) درمیان است وهمین امراست که شدت خاصی به خطر موجود میدهد ° رهبران جمهوری‌فدرال

آلمان تنها به اظهارات خصمانه اکتفا نمیکنند ۰ نه تنها روح تعلیمات ارتش المان غربی بلکه شیوه های این تعلیمات نیز بمنظور اقدام به تجاوز تنظیم شده است ۰

در طرحی که همین چندی پیش ستاد ارتش المان غربی (این طرح در پائیز ۱۹۶۷ تحت تاثیر جنگ برق آسای اسرائیل بوجود آمده است) تنظیم کرده است ، عملیات ناگهانی پیش بینی شده است ۰ بموجب این طرح در نتیجه این عملیات مناطق واقع در سمت مرزهای شرقی آلمان غربی باید در عرض ۴۸ ساعت در عمق ۱۲۰ کیلومتر اشغال شود ۰ بدین طریق بن امیدوار است که در زیر پوشش ناتو وضع موجود در اروپای مرکزی را یکروزه بنفع المان غربی تغییر دهد ۰ کسانی که بدون احساس هیچ مسئولیتی این نقشه های ماجراجویانه را در سر دارند افراد حاشیه نشین نیستند بلکه مقامات بسیار پرمسئولیتی را بعهده دارند ۰ بهمین جهت تصادفی نیست که بجای تقلیل بودجه نظامی که در آغاز زمامداری ائتلاف بزرگ برای ارام کردن هواداران سوسیال دموکراتها وعده داده شده بود این بودجه عملا افزایش بیشتری یافت ۰ همزمان با تبدیل ارتش المان غربی به قوی ترین نیروی نظامی ناتو در اروپا افسران تلافی جوی بن بیش از پیش به ستاد های عمده ناتو رسوخ مییابند وفشارانها برای تجهیز ارتش آلمان غربی به سلاح اتمی روبه افزایش است ۰

مجموعه این عوامل نشان میدهد که تخفیف وخامت در خط مرزی ۱۴۰۰ کیلومتری میان دو کشور آلمان (که با خط جبهه میان امپریالیسم وسوسیالیسم منطبق است) به مشکل اساسی امنیت اروپا بدل میگردد ۰ هرکس بخواهد به حل واقعی این مسئله کمک کند ، باید در درجه اول خطری راکه از جانب المان غربی ناشی میشود برطرف سازد ۰ بنابراین عادی کردن مناسبات میان دو کشور المان وشناسائی متقابل مرزهای آنان مسئله " داخلی المان " نیست بلکه مسئله ایست که در درجه اول صلح اروپا ومنافع ملل جهان حل آنرا ایجاب میکند ۰ نباید اجازه داد که قربانیهای جنگ جهانی دوم قربانیهای بیهوده ازکار درآید وبنابراین ملل نباید درقبال تدارکات امپریالیسم المان غربی برای استقرار مجدد تسلط خود بر اروپا ساکت بمانند ۰

چون دولت جمهوری فدرال المان باخودداری از شناسائی مرزهای میان دو کشور المان صلح اروپا را تهدید میکند لذا شناسائی جمهوری دموکراتیک المان ازطرف تمام کشورها اهمیت فراوان دارد ، زیرا هر شناسائی این جمهوری مانع تازه ای در راه تلافیجوئی المان غربی بوجود میاورد وخشت جدیدی در بنای امنیت اروپا وصلح جهانی بکار میگذارد ۰

جمهوری دموکراتیک المان در آینده مثل سابق ازهیچ ابتکار وپیشنهادی برای ایجاد چرخش در سیاست آلمان غربی وسوق ان به مسیر جدید کوتاهی نخواهد کرد ۰ پیشنهاد رفیق والتر اولبریشت دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده المان ورئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک المان در استانه سال ۱۹۶۸ در همین جهت سیر میکند ۰ والتر اولبریشت در این پیشنهاد بار دیگر دعوت کرده است که میان دولتین هردو کشور المان قرارداد ی درباره امتناع از توسل بزور امضاء شود ۰ وی اهمیت برقراری وحفظ مناسبات متساوی الحقوق میان دو کشور المان را خاطرنشان ساخت وپیشنهاد کرد مذاکرات برای خلع سلاح کامل هردو کشور المان وایجاد منطقه خلاء اتمی در اروپای مرکزی وخودداری بی قید وشرط از تولید و

شرکت در داشتن وبکاربردن وانبارکردن سلاح هسته ای وبارهسته ای موشک ها اغازگردد و نیزازدولت بن دعوت کرد ازدعاوی تجاوزکارانه نمایندگی سراسرالمان وازسیاست تلافیجوئی دست بکشد وبجای ان مرزهای موجود اروپاوازجمله مرزمیان جمهوری دموکراتیک المان وجمهوری فدرال را برسمیت بشناسد وسرانجام تعهداتی راکه هردوکشورالمان براساس قرارداد پتسدام برای براندا ختن میلیتاریسم ونازیسم والغاء تسلط سرمایه انحصاری بر عهده دارند ــ خاطرنشان ساخت ۰

کاملا طبیعی استکه اینبرنامه خردمندانه ازطرف بسیاری ازافراد درالمان غربی که برخلاف دولتخود به تخفیف وخامت اوضاع علاقمند ند باتفاهم روبرو میشود ۰

وقتی ما ازخطرسیاست رسمی آلمان غربی برای صلح صحبتمیکنیم ، درعین حال باید انصاف بدهیم که درخود آلمان غربی نیروهای مقاوم چنان فزونی میبذیرد وفعال میشوند که کیزینگرصدراعظم آلمان غربی باعصبانیت از " حزب شناسائی " سخن میگوید ومنظورش از این سخن آنعده ازمردم المان غربی است که طرفدار شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان ومخالف سیاست جنگ سرد هستند ۰ این نیروها رشد میکنند وهرچه فعال تر درمبارزه شرکتمیکنند ، وعلت عمده آن اینستکه سیاستبن درزمینه تشدید وخامت در درجه اول بهمردم زحمتکش جمهوری فدرال آلمان غربی آسیب خواهد رساند ۰

مشی تجاوزکارانه سیاستخارجی سرمایه بزرگ آلمان غربی چنان بارتوانفرسائی بدوش اقتصاد آنکشور تحمیل میکند که انحصارات ودولت آنهافقط درصورتی میتوانند این سیاستزا ادامه دهند که فشار اقتصادی را تشدید کنند ، حقوق اجتماعی را محدود سازند ، مالیات هاوقیمتهارا افزایش دهند وکارگران را دسته دسته اخراج کنند ۰ دراینجازمینه تضادهائی آماده میشود که خطر انفجار اجتماعی را دربرداردوشدت این تضادمات بحدی است که تمام تضادمات دوره های پیشین راتحت الشعاع قرارمیدهد ۰ محافل حاکمه کوشش میکنند با ایجاد تغییرات دردستگاه دولتی وتدارک برای تصویب قانون فوق العاده ومحدود ساختن حقوق انتخاباتی ازهم اکنون جلوی وقوع این تضادمات را بگیرند ۰ اما نتیجه ایکه ازاین تلاشها ممکنست عاید شود اینستکه پیدایش عوامل جدید انفجارسیاسی نیز برعوامل انفجار اجتماعی مزید گردد ۰

محافل وسیع کادرها واعضاء سندیکاها وسازمانهای بزرگ جوانان کارگر ودانشجو و حتی بسیاری ازهواداران سوسیال دموکراسی بهمبارزه علیه سیاست خارجی ودا خلی دولت ائتلاف بزرگ برمیخیزند ۰ انهادرک میکنند که باید عللی راکه درحال حاضرسبب موفقیت نئونازیسم میشود ودرگذشته دیکتاتوری هیتلررا پدید آورد ، ازبین برد ۰

پیشرفتهای جمهوری دموکراتیک آلمان ، تحکیم دائم اینجمهوری درزمینه های اقتصادی سیاسی وفرهنگی ، ترفیع سطح زندگی مردم ومبارزه قاطع روزمره جمهوری دموکراتیک المان علیه سیاست دولت کیزینگر ــ اشتراوس وعلیه عناصر فاشیستی ونئونازیستی این دولت ، موضع گیری اصولی جمهوری دموکراتیک آلمان درقبال سیاست عوامفریبانه بن موسوم به " سیاست جدید درقبال شرق " ، ارزیابی صریح درباره نقش حقیقی وزرای سوسیال دموکرات بعنوان شریک ومجری سیاست سرمایه داری انحصاری دولتی ، پیشنهاد های سازنده جمهوری دموکراتیک

آلمان‌برای عادی کردن روابط میان دوکشور آلمان ومساعی ما درزمینه زنده کردن اندیشه مارکسیستی درجنبش‌کارگری آلمان غربی ــ اینها هستند منابعی که اپوزیسیون‌دموکراتیک وسوسیالیستی درآلمان غربی ازآنها نیرو میگیرد .

اعتصابات در سال ۱۹۶۷

افسانه برقراری " اشتی طبقاتی " یا " صلح اجتماعی " میان بهره کشان وبهره دهان هواد ارامن ومبلغینی برای خود دارد ۰ مثلا روزنامه اقتصادی ومالی " هاندلس بلات " منتشره در آلمان غربی معتقد است که " برخی گمراهیهای جامعه سرمایه داری که تاچندی پیش بمبارزات اجتماعی منجر میشد ، اکنون دیگر ازمیان رفته است " ۰ مجله " آنترپریز " ارگان سرمایه داران فرانسه نیز بنوبه خود مینویسد : " آنزمان هاکه حق باماركس بود ، جامعه به طبقات اجتماعی تقسیم شده بود ، ولی حالا جامعه به طبقات سنّی تقسیم شده است ۰۰ " واما نتیجه گیریهای روزنامه ژاپونی " مای نیتی " باخوش بینی بیشتر توام است ، زیرا " دوران روابط نوین یعنی روابط حسنه میان کار وسرمایه فرارسیده است " ۰

ولی درواقع ، اختلافات وتضاد های اجتماعی زائیده جامعه سرمایه داری بیش ازپیش گروه های تازه زحمتکشان را وارد میدان نبرد طبقاتی میسازد ۰ وطبقه کارگرجهان ، این نیروی سترگ جامعه معاصر درپیشاپیش این مبارزه قرارگرفته است ۰

تعداد روزافزون شرکت کنندگان دراعتصابات دلیل برتوسعه دامنه مبارزات زحمتکشان کشورهای سرمایه داری است ۰ چنانکه درسال ۱۹۶۵ درکشورهای صنعتی پیشرفته غرب در حدود ۲۰ میلیون نفر دراعتصابات شرکت کرده بودند ، ولی تعداد آنان درسال ۱۹۶۶ به ۲۸ میلیون نفر بالغ گردید ۰ درسراسرجهان سرمایه داری نیزطی سالهای ۱۹۶۶ ــ ۱۹۶۵ ارتش اعتصاب کنندگان از ۳۷ میلیون به ۴۵ میلیون نفر افزایش یافت ۰ گرایشی که درافزایش تعداد اعتصاب کنندگان وجود دارد ، درسال ۱۹۶۷ نیز باقی بود ۰

آمارهای کشورهای مختلف سرمایه داری دراینمورد شایان توجه است ۰ مطابق آمارهای وزارتکار ایالات متحده تعداد اعتصابات دراین کشور درسال گذشته به ۴۵۰۰ یعنی بمبالاترین رقم طی ۱۵ سال اخیر بالغ گردید ۰ دراین اعتصابات ۲٫۹ میلیون نفر شرکت داشتند ودرنتیجه ان ۴۱ میلیون ساعت کار تلف شد ۰ درایتالیا درنتیجه اختلافات ناشی ازکار بیش از ۱۰۰ میلیون ساعت کار بهدر رفت ۰ درفرانسه درنتیجه اعتصابات سال گذشته ۴ میلیون روزکار ازبین رفت ، (درسال ۱۹۶۶ درحدود ۲٫۵ میلیون روزکار) ۰ درانگلستان بیش از ۱٫۵ هزاراعتصاب انجام گرفت که درآن صدها هزار زحمتکش شرکت داشتند ۰ درژاپن " مبارزات بهاره " حالا دیگریکنوع سنت شده است ۰ دراین مبارزات زحمتکشان رشته های مختلف اقتصاد ژاپن باشرکت دراعتصابات عمومی درجبهه متحدی ازمنافع خود دفاع مینمایند ۰ درسال ۱۹۶۶ ــ ۷ میلیون نفر ودرسال ۱۹۶۷ ــ ۷٫۵ میلیون نفردر " مبارزات بهاره " شرکت کردند ۰

تعداد کسانیکه دراعتصابات شرکت میکنند البته شاخص بسیارمهمی است برای نشان دادن درجه شدت تضاد میان کار وسرمایه ، ولی این شاخص نمیتواند خصلت وهدف اعتصابات رانشان دهد ۰

اعتصابات کارگران بمنظور افزایش میزان دستمزد ، انواع مدد معاش و حقوق بازنشستگی بطور عمده معلول افزایش مداوم هزینه زندگی است ؛ وافزایش هزینه زندگی خود نتیجه میلیتاریزاسیون اقتصاد کشور وسیاست نقشه پردازی دولت بسود الیگارشی مالی میباشد .

اگرچه سرمایه انحصاری زیر فشار مبارزات طبقه کارگر ناگزیر است برخی مطالبات پرولتاریا را ارضاء نماید ، ولی بدیهی است که این عقب نشینی نمیتواند منافع طبقاتی را در جهان سرمایه داری اشتی دهد .

سرمایه داری حتی در غنی ترین کشور سرمایه داری یعنی در امریکا زحمتکشان را دچار محرومیت میسازد . هنفری ، معاون ریاست جمهوری امریکا ناگزیر بود اعتراف کند که یک پنجم مردم امریکا یعنی ۳۶ میلیون نفر در فقر بسر میبرند ودرآمدشان کمتر از میزانی است که رسما بعنوان حداقل لازم برای تامین هزینه زندگی پذیرفته شده است . بنا باظهارجانسون ۲۰ میلیون نفر از هم میهنان وی در رزاقه ها زندگی میکنند واین واقعیتی است که رئیس جمهور امریکا انرا " مایه ننگ امریکا " میخواند .

مطالبات سنتی زحمتکشان درباره افزایش دستمزد درسالهای اخیر محتوی تازه ای کسب کرده است . دولتهای بورژوازی در اختلافات میان کارگران وکارفرمایان بیش از پیش آشکارا بسود کارفرمایان دخالت میکنند ومیکوشند با استفاده از قدرت خود افزایش دستمزدها را محدود یا متوقف سازند . سیاست درآمدها که دولت لیبوریست ها بزمامداری ویلسون در انگلستان اجرا میکند وموجبات نارضائی شدید زحمتکشان را فراهم ساخته است ، نمونه ای از آنست . این سیاست بمثابه وسیله ای اعلام شده است که باید اقتصاد انگلستان را از بیماریهای عارض برآن نجات دهد ، ولی در واقع وسیله ایست برای تعرض بسطح زندگی مردم وحقوق زحمتکشان . هدف این سیاست کمک موجب افزایش سریع بیکاری در کشور گردید ، حفظ منافع انحصارات مالی بزرگ است . کاهش ارزش لیره استرلینگ در پائیز سال ۱۹۶۷ گواه بر ورشکستگی این سیاست میباشد .

دولت جانسون نیز در بهار وتابستان سال ۱۹۶۷ پاتوسل بقوه مقننه ازاعتصابات صدها هزارتن ازکارکنان راه آهن وکارگران صنایع هواپیماسازی امریکا جلوگیری کرد وبدینسان منافع زحمتکشان را زیر پاگذارد .

دریکسلسله ازکشورهای سرمایه داری دولتها به " شیوه آزمود " " فشاروتضییقات متوسل میشوند . چنانکه اعتصاب کارگران صنایع قند ارژانتین در سال ۱۹۶۷ بحوادث خونین پایان یافت وکارگرانیکه در اعتصاب ماه مارس رشته حمل ونقل شرکت کرده بودند ، دچار تضییقات بیرحمانه شدند . در اعتصاب عمومی ۲۳ نوامبر در شیلی پلیس بسوی اعتصاب کنندگان آتش گشود واعتصاب زحمتکشان را بخون کشید .

درچنین شرایطی است که مطالبات اقتصادی اعتصاب کنندگان باشعار تعویض سیاست دولت بورژوازی توام میگردد .

اعتراض جدی به اخراج دستجمعی وافزایش بیکاری که نتیجه مستقیم اتوماسیون وتمرکز وبهسازی تولید سرمایه داری است ، درمبارزات اجتماعی واقتصادی اعتصاب کنندگان جای مهمی اشغال میکند . بیکاری پدیده ایست که پیوسته زحمتکشان را دچار نگرانی میسازد .

تعداد بیکاران سال ۱۹۶۷ وسعت دامنه این پدیده را نشان میدهد . در اروپا خرسال ۱۹۶۷ تعداد بیکاران در امریکا ۳ میلیون نفر ، در انگلستان بیش از ۶۰۰ هزار نفر ، در ایتالیا یك میلیون نفر ، در آلمان فدرال ۵۲۶ هزار نفر و در آرژانتین ۱٫۵ میلیون نفر بود . تعداد بیکاران در فرانسه طی یکسال گذشته ۱٫۵ برابر شد و به ۴۵۰ هزار نفر بالغ گردید . میلیون ها زحمتکش مشغول بکار پیوسته در معرض خطر اخراج و بیکاری و محرومیت های ناشی از آن هستند . طبق آمار اتحادیه سندیکاهای کارگری امریکا (فدراسیون کار امریکا و کنگره سندیکا های تولیدی) بیش از ۱۶ میلیون کارگر امریکائی در صورت از دست دادن کار حتی حق دریافت مساعده موقت زمان بیکاری را ندارند .

کنسرن های بزرگ آلمان غربی پیشنهاد میکنند که در آلمان نیز باید از " تجربه امریکا " استفاده شود و حداقل میزان بیکاری به ۴٪ افزایش یابد ، یعنی بدینسان لااقل ۸۰۰ هزار نفر زحمتکش از کار اخراج گردند .

سازمانهای کارگری نیز بنوبه خود طرحهای دموکراتیك و پیشنهاد های مشخصی مطرح میسازند که اجرای آنها میتواند بیکاری را بمیزان زیاد کاهش دهد و زحمتکشان و خانواده های آنان را از خطر مخوف بیکاری نجات بخشد .

در سال گذشته یکسلسله از اعتصابات با پیروزی معین کارگران پایان یافت . چنانکه اعتصاب ۱۶۰ هزار کارگر کارخانه های " فورد " پس از ۴۹ روز مبارزه سرسخت به پیروزی انجامید این بزرگترین اعتصاب در تاریخ این کارخانه بود . کارگران با افزایش میزان دستمزد و بهبود وضع حقوق بازنشستگی خود نائل آمدند . کارگران و کارمندان معادن معوشیلی نیز که خواهان افزایش دستمزد خود بودند ، پس از مبارزات ۳۴ روزه پیروز شدند .

در ایتالیا در نتیجه اعتصابات سال گذشته ، ۶۴ قرارداد دستجمعی که شامل سراسر کشور میشد و تقریبا ۳ میلیون کارگر را در بر میگرفت ، منعقد گردید . در این قراردادها افزایش دستمزد ، کاهش ساعات کار و برخی اصلاحات دیگر پیش بینی شده است .

اعتصابات سال گذشته خلل ناپذیری گرایشی را که ذاتی جنبش کارگری است تایید نمود و نشان داد که طبقه کارگر در مبارزه خود از سلاح نیرومندی چون اعتصابات عمومی که در جریان آن رشته های جداگانه اقتصاد و یا حتی مجموعه اقتصاد کشور فلج میشود ــ استفاده میکند .

در طی این اعتصابات صدها هزار و حتی میلیونها تن از زحمتکشان در آن واحد بمبارزه جلب میشوند . اعتصابات عمومی بزرگ در فرانسه (اول فوریه و ۱۷ مه و ۱۳ دسامبر) ، " مبارزات بهاره " در ژاپن ، اعتصابات ۲۳ نوامبر در شیلی و ۲۰ ژوئیه در اوروگوئه نمونه هائی از این اعتصابات هستند . ایتالیا کشوری است که در آن جنبش اعتصاباتی توسعه فراوان یافته است و از لحاظ تعداد اعتصابات مقام اول را در اروپای غربی اشغال مینماید . دامنه اعتصابات بزرگ مکرر زحمتکشان رشته های بزرگ اقتصادی این کشور سراسر ایتالیا را فراگرفت . مطالبات اقتصادی در یکسلسله از اعتصابات زحمتکشان ایتالیا ، فرانسه ، انگلستان ، کشورهای امریکای لاتین و ژاپن به مطالبات سیاسی منجر میشود . از این نظر اعتصابات زحمتکشان اسپانیا شایان توجه است . در آوریل سال گذشته در این کشور موج

نیرومندی از اعتصابات سراسر کشور را در برگرفت . در این اعتصابات هزاران کارگر اسپانیائی که بخاطر مطالبات اقتصادی وعلیه دیکتاتوری فرانکو بمبارزه برخاسته بودند ، شرکت داشتند . این مبارزه بخصوص در اواخر ماه اکتبر که " کمیته های کارگری " یك هفته را بنام " هفته مبارزه " اعلام کردند ، شدت یافت . " هفته مبارزه " در ۲۷ اکتبر به اعتصابات ودمونستراسیون های نیرومند انجامید . سانتیاگو کارپلیو ، دبیر کل حزب کمونیست اسپانیا در ارزیابی این مبارزه زحمتکشان اسپانیا خاطرنشان ساخت که حوادث ۲۷ اکتبر سال ۱۹۶۷ " موثرترین ونیرومند ترین مبارزات علیه فرانکیسم " بود .

بزرگترین اعتصابات کشورهای سرمایه داری در سال گذشته درعین حال در محیط وحدت روزافزون صفوف طبقه کارگر انجام گرفت . در ایتالیا تمام اعتصابات بزرگ مشترکا بوسیله سه اتحادیه بزرگ کارگری (کنفدراسیون کل کار ایتالیا ، کنفدراسیون سندیکاهای زحمتکشان ایتالیا واتحادیه کار ایتالیا) سازمان داده شد . در فرانسه اعتصابات سرتاسری کشور در محیط وحدت عمل کنفدراسیون کل کار فرانسه وکنفدراسیون دموکراتیك کار فرانسه انجام گرفت . خصوصیت مبارزات طبقاتی اسپانیا این است که کمونیست ها وکاتولیك های ترقیخواه وناسیونالیست ها ومهمتر از همه زحمتکشانیکه در شرایط دیکتاتوری فرانکو هنوز نتوانسته اند مشی سیاسی خود را بطور قطعی انتخاب کنند ــ همگی در جبهه متحدی در این مبارزات شرکت میکنند . اتحادیه های کارگران ژاپن وبرخی کشورهای امریکای لاتین نیز از خود روح وحدت نشان داده اند .

فشار توده ها به رهبران رفورمیست اتحادیه ها که اشکارا از سیاست " همکاری طبقاتی " پیروی میکنند ، شدت میابد . در اینمورد بحرانی که در آغاز سال گذشته در اتحادیه سندیکاهای کارگری امریکا پیش آمد ، شایان توجه است . این بحران بخروج گروه رهبران متنفذ سندیکای کارگران صنایع اتومبیل سازی امریکا از اتحادیه سندیکاهای کارگری منجر شد . رهبری این گروه با رویتر ، لیدر سندیکاهای صنایع اتومبیل سازی امریکا بود . این بحران نتیجه طبیعی سیاستی است که رهبری اتحادیه سندیکاهای کارگری امریکا که مینی برادر آنست تعقیب میکند . این سیاست مخالفت ونارضائی توده های وسیع اتحادیه های کارگری امریکا را برانگیخته است . رهبری اتحادیه سندیکاهای کارگری امریکا با استفاده از موقعیت خود نیروی این اتحادیه را فلج میسازد ووجود شرایط آنست که این اتحادیه در مسائل مربوط به افزایش دستمزدها وانعقاد قرارداد های دسته جمعی به نتایج مثبت برسند . در تمام مسائل داخلی روح ابتکار را در کارگران خفه میکند .

اعتصابات زحمتکشان کشورهای سرمایه داری در سال گذشته ومبارزات انها بخاطر دفاع از حقوق خود وعلیه قدرت انحصارگران نشان داد که برای تامین وحدت واتحاد صفوف طبقه کارگر وتمام نیروهای دموکراتیك باید کوششهای بیشتری بعمل اید . تجربه سالهای گذشته حاکی است که فقط اقدام اعتصابی مشترك طبقه کارگر میتواند بتحولات اجتماعی دموکراتیك منجر شود .

علم و سوسیالیسم

آکسل برگ

(دانشمند شوروی ، آکادمیسین)

اکتبر بزرگ با شالوده ریزی اجتماع فارغ از بهره‌کشان و بهره دهان در تمام شئون زندگی جامعه بشری تاثیری عظیم بخشید . تجربه پنجاه‌سال ایجاد نظام نوین کمونیستی ، برتریهای سیستم سوسیالیستی را بر سرمایه داری در زمینه فرهنگ و علم نشان داده است . انقلاب پرولتری موانع اجتماعی و سیاسی را از سر راه علم برداشت و بدین‌سبب برای پیشرفت همه‌جانبه علم و رسوخ سریع دستاوردهای آن در عرصه تولید و معیشت بوجود آورد . علم در جامعه سوسیالیستی به زحمتکشان و به صلح و ترقی خدمت میکند .

از همان نخستین ماههای پیدایش حکومت شوروی علم در کشور شوروی به مرحله نوین تکامل خویش گام نهاد و طی مدت بالنسبه کوتاهی یکی از جاهای اول را در جهان بدست آورد . پژوهشهای دانشمندان شوروی در زمینه ریاضیات ، مکانیک ، فیزیک ، شیمی ، زیست شناسی و پزشکی به سطح عالی رسیده است . اکنون علوم طبیعی ما در بسیاری از رشته های مهم و از جمله در رشته پژوهش کیهان ، فیزیک هسته ای ، فیزیک پلاسم در ارای درجه حرارت زیاد ، برخی از رشته های تئوریک و عملی رادیو الکترونیک و فیزیک اجسام سخت در مواضع مقدم قرار دارند .

سوسیالیسم بما امکان میدهد ساختمان جامعه را بر پایه علمی استوار سازیم و از قوانین عینی تکامل جامعه آگاهانه استفاده کنیم . بهمین جهت نقش و اهمیت علوم اجتماعی در دوران ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم بالا میرود و وظائف مهم تازه ای در برابر ما مطرح میگردد .

بنیاد تئوریک رهبری جامعه سوسیالیستی مارکسیسم ــ لنینیسم است . مارکسیسم ــ لنینیسم افزار شناخت و دگرگونی انقلابی واقعیت و تکیه گاه حل علمی غوامض و مشکلات زندگی جامعه و تنظیم سیاست حزب و تعیین دورنمای تکامل جامعه است . تئوری مارکسیستی ــ لنینیستی پایه‌عمومی تئوریک و متدولوژیک علوم طبیعی و اجتماعی است . کامیابیهای مردم شوروی در طول پنجاه‌سال گذشته نشان میدهد که حل خلاق مسائل مطروحه زندگی با اتکاء به مارکسیسم ــ لنینیسم و تکمیل و تکامل مداوم اجزاء ترکیبی مارکسیسم ــ لنینیسم یعنی فلسفه و اقتصاد سیاسی و کمونیسم علمی شرط ضروری ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم است .

نمایندگان سایر علوم اجتماعی نیز در دستاوردهای کشور ما سهم مهمی دارند . متخصصین علوم اجتماعی و حقوق و تاریخ و سایر رشته های جامعه شناسی پژوهشهای بزرگی انجام داده اند که اهمیت تئوریک و ایدئولوژیک و فرهنگی فراوان دارد .

در قرارا خیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی " درباره تکامل بیش از پیش علوم اجتماعی و بالا بردن نقش این علوم در ساختمان کمونیسم " تصریح شده است که مرحله کنونی ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی ، گذار جامعه بشری از سرمایه داری به سوسیالیسم ،

جنبش نیرومند آزادیبخش ملی ، انقلاب علمی وفنی ، مبارزه حاد ایدئولوژیک وپروسه های دیگر تکامل جهانی تجزیه وتحلیل جامع ودائم ونتیجه گیری های تئوریک پیرامون را ایجاب میکند ۰ درچنین شرایطی تئوری مارکسیستی ــ لنینیستی اهمیت روزافزون کسب میکند ونقش علوم اجتماعی بالاتر میرود ۰ مسامی دانشمندان جامعه شناس شوروی باید به حل معضلاتی معطوف باشد که درجریان ایجاد بنیاد مادی وفنی کمونیسم وتکمیل مناسبات اجتماعی وتربیت کمونیستی زحمتکشان پدید میگردد ۰ این دانشمندان درمبارزه علیه ایدئولوژی امپریالیستی وعلیه هرگونه قصد تحریف وتجدید نظر درمارکسیسم ــ لنینیسم نقش مهم ایفامیکنند ۰

یکی ازشاخص‌های سرعت اهنگ رشد علم درکشورما طی سالهای حکومت شوروی این است که اکنون درتمام جمهوریهای شوروی آکادمی علوم وجود دارد ۰

درسال ۱۹۶۶ دراین آکادمی ها بیش‌از ۲۷ هزارد انشوروازانجمله بیش‌از ۸۰۰ آکژه وقریب ۹ هزارد کترعلوم کارمیکردند ۰ درسیستم آکادمی علوم اتحاد شوروی کبزرگترین موسسه علمی کشوراست بیش‌از ۱۷۰۰ آکژه وقریب ده هزارد کترفعالیت‌میکنند ۰ یک چهارم تمام دانشوران جهان اکنون به اتحاد شوروی تعلق دارد ۰

ارقام زیرکه معرف پیشرفت یکی ازمهمترین رشته های علوم معاصریعنی زیست شناسی است دامنه رشد علوم را دراتحاد شوروی مجسم میسازد ۰ قبل ازانقلاب پژوهشهای زیست شناسی بطورعمده درشعب مربوطه دانشگاهها انجام‌میگرفت ۰ درآکادمی علوم آنزمان سه آزمایشگاه ودوموزه ویک استامپون دائربود که جمعا با ۲۸ کارمند مسائل زیست شناسی را بررسی میکردند ۰ ولی درسال ۱۹۶۶ درسیستم آکادمی علوم ۱۲۱ موسسه علمی زیست شناسی وازآنجمله ۷۴ انستیتود ائربود ۰ اکنون جمعا درکشور ۲۲۲ پژوهشگاه زیست‌شناسی (بدون احتساب پژوهشگاههای کشاورزی وپزشکی) دائراست که بیش‌از ۳۲ هزارکارمند دارند ۰

علت این توجه حزب کمونیست ودولت شوروی به علم آنستکه‌علم مهمترین عامل تجدید ساختمان جامعه برمبانی سوسیالیستی است ۰ نیل به سطح عالیتربازده اجتماعی کاردر سوسیالیسم که بنوبه خود پیروزی سوسیالیسم را درمسابقه باسرمایه داری تامین میکند فقط درصورتی میسراست که تکامل نیروهای مولده باتکیه برعلم وتکنیک پیشتازوخدمتگذار خلق صورت گیرد ۰

الغای مالکیت خصوصی بروسائل تولید وپیدایش مناسبات نوین درجامعه فارغ ازتضاد های آنتاگونیستی سمت اجتماعی علم را تغییر میدهد ودستاوردهای ان راهمانطورکه لنین میگفت نصیب عموم خلق میسازد ۰ ترقیخواهی ، انسانودستی ، خدمت بیشائبه به انسان برای تامین نیکبختی او ازخصائص اساسی علم سوسیالیستی است که درعقول دانشمند ان ترقیخواه سراسرجهان تاثیرعمیق می بخشد ۰

□

ازلحظه انجام انقلاب اکتبر رشد همه‌جانبه علم بیکی ازوظائف درجه اول حکومت شوروی

بدل شده است . لنین بارها اهمیت استفاده جامع وکامل از دستاوردهای علم وتکنیک رابرای ایجاد بنیاد مادی وفنی سوسیالیسم خاطرنشان ساخته است . " طرح برنامه کارهای علمی و فنی " که لنین درسال ۱۹۱۸ تنظیم کرد گواه این امراست . لنین بااستفاده ازارامش کوتاهی که درجبهه های جنگ داخلی پدید آمده بود به مسائل درجه اول زندگی اجتماعی واقتصادی کشوروا زجمله به مسائل پیشرفت علم واستفاده ازان درساختمان سوسیالیسم پرداخت .

در " طرح برنامه " وظائف علم شوروی بانهایت صراحت وروشنی تعریف شده است . لنین مهمترین وظیفه علم را دراین زمینه بررسی ووارسی نیروهای مولده طبیعی کشور ، تدوین برنامه تجدید سازمان صنایع واعتلای اقتصادی روسیه ، شرکت فعال درتجدید ساختمان جامعه برمبانی سوسیالیستی وارتباط نزدیک آن با کارساختمان سوسیالیسم میدانست وتاکید میکرد که " علم نباید درنزد مابصورت کلمات بیروح یا جملات مد روزباقی بماند " بلکه باید " واقعا باگوشت وخون ما درآمیزد وبطورکامل وواقعی به عنصرمتشکله هستی مابدل گردد " (لنین آثارمنتخبه ، جلد دوم ، قسمت ۲ ، ترجمه فارسی ، ص ۸۸۸ ـ ۸۸۹) .

توجه لنین به آزمایشگاه رادیوتکنیک نیژه گورود نمونه ایست ازعلاقمندی اوبه پیشرفت مهمترین رشته های علم وتکنیک . این پژوهشگاه علمی که بدستورشخص لنین تاسیس شد مورد توجه وپشتیبانی دائم او بود . لنین یکی ازنخستین کسانی بود که درنمای سخن پراکنی رادیوئی واهمیت عظیم اجتماعی آنرا تشخیص داد . لنین درنامه ای به بونچ بروویچ یکی از مدیران آزمایشگاه که برای طرح ریزی فنی سخن پراکنی رادیوئی زحمت فراوان کشیده بود رادیوزرا " روزنامه بدون کاغذ " و " فارغ ازقید مسافت " توصیف میکند وآنرا " شاهکاربزرگ " مینامد . بونچ بروویچ بعدها نوشت که فقط دیرتوکمک لنین بود که " ساختمان فرستنده رادیوئی نیرومند بنام رادیوی کمینترن دردوران جنگ داخلی وقحطی وویرانی میسرگردید " .

نباید تصورکرد که فقط علومی مرجح شمرده میشدند که تنها دارکارعملی مورد استفاده بودند دولت شوروی وحزب برخورد خود را به علم بسیجوجه بربایه سودمندی پراتیک آن مبتنی نمیکردند بلکه ارزش ان رشته هائی ازعلم راکه درآینده نزدیک هیچگونه نفع پراتیک نداشتند درک میکردند وازآن پشتیبانی مینمودند . درسالهای سخت جنگ داخلی وویرانی انستیتوهای نوروارد پیوم تشکیل میکردند ، شورای کمیسرهای خلق قرارداد صادر میکند که به پژوهشهای علمی آکادمیسین پاولوف کمک شود ، برای توسعه کار . انستیتوی فیزیک وتکنیک پتروگراد اعتبارلازم تخصیص داده میشود وبه کارهای پژوهشی درزمینه علوم اجتماعی کمک میکردند .

بدینسان حزب وحکومت شوروی ازهمان آغاز نقش برجستهوراقتخاری راکه تاریخ درجامعه سوسیالیستی به علم محول کرده بود بدرستی تشخیص دادند . کوشش خستگی ناپذیرانها برای توسعه دامنه پژوهشهای علمی درکشور پایه استواری برای بنای باعظمت علم شوروی بوجود آورد .

ملاک حزب درتعیین اهمیت علم برای پیشرفت اقتصاد سوسیالیسم عبارتبود ازپیوند طبیعی میان علم وتولید که مارکسیسم کاشف آن بود . بموجب این قانون افزایش تاثیرعلم بر تولید بادرجه اجتماعی شدن تولید تناسب مستقیم دارد وبازده کاربه چگونگی اختراعاتی وابسته است که " علم بکمک آنها نیروهای طبیعت را به خدمت کار میگمارد وخصلت اجتماعی پیدا

کئوپراتیوی کار در ریرتوآنهاتقویت میگردد " (مارکس ـ انگلس ، کلیات آثار ، جلد ۱۶ ، ص ۱۲۸) ۰

روشن است که برای تامین تولید بزرگ مدرن وکشاورزی رشد یافته که ساختمان سوسیالیسم بدون آنها امکان پذیر نیست وظیفه درجه اولی که باید انجام گیرد عبارتست ازد رامیختن علم با اقتصاد وتبدیل آن بنیروی مولده بلاواسطه جامعه ۰ این وظیفه ازخود خصلت تکامل اجتماعی ناشی میشود ۰ تبدیل علم بنیروی مولده بلاواسطه نتیجه طبیعی پروسه اجتماعی شدن فعالیت انسانی است ۰

■

پس ازانقلاب اکتبرعلم درکشورما بیکی ازعوامل اساسی ساختمان سوسیالیسم بدل گردید وباسیستم تاسیسات اجتماعی آفریده انقلاب درآمیخت واین امرخصائصی بآن بخشید که علم جامعه سرمایه داری ازآن بیخبراست ۰

سرمایه داری باکلیه مبانی های حاصله درزمینه تکنیك ماشینی سطح عمومی فرهنگ تولید را بالابرد وازآنجاکه تولید بزرگ ماشینی فقط درصورتی میتواند بااحرازموفقیت پیشرفت کند که دستاوردهای علوم طبیعی را بکار بندد سرمایه داری ناچارشد علم وتولید را باهم درآمیزد وبدینسان درراه تبدیل علم بنیروی مولده بلاواسطه گام برداشت ۰ ولی شیوه تولید سرمایه داری درعین حال همانطورکه مارکس خاطرنشان ساخته است علم را ازکار جدا میکند واورا بخدمت سرمایه وامیدارد ۰

انقلاب علمی وفنی نیروهای مولده را بشیوه ای بیسابقه پیشرفت داده است ۰ نیازمندی های درونی رشد علم وتولید بخودی خود خواستهای جدیدی را دربرابرسازمان جامعه من حیث المجموع مطرح میسازد که ازحدود ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان یا بهبود شرایط کار موسسات مختلف فراتر میرود ۰ ازآنجمله است شکفتگی همه جانبه شخصیت انسان ، ارتقاء سطح معلومات وفرهنگ زحمتکشان وجمع کردن وظائف اجرائی وخلاقه درروجود یك فرد ۰ خواست دیگر عبارتست ازبرنامه ریزی مهمترین جوانب زندگی جامعه درمقیاس سراسرکشور ۰ طی دهسال اخیر کشورهای دارای سطح بالای رشد میکوشند تمرکزشدید تولید اجتماعی رابطور عمده ازطریق ارتقاء روزافزون سطح معلوماتی که برای تولید لازم است افزایش دهند واین امر تحقق خواستهای پیش گفته را بخصوص غیرقابل تعویق میسازد ۰

ولی سرمایه داری بنا بماهیت خود قادرنیست این مسائل را بنحواثربخش وبسود تمام جامعه حل کند ۰ حل این مسائل درجریان ساختمان سوسیالیسم وکمونیسم میسرخواهد بود ۰

درسوسیالیسم علم درخدمت جامعه است واستفاده ازانهم درتولید بسود جامعه من حیث المجموع انجام میگیرد ـ برخورد علمی درتمام شئون زندگی جامعه سوسیالیستی حاکم میشود وبالنتیجه اهمیت اجتماعی علم فوق العاده بالا میرود ومسئولیت دانشمندان درقبال مردم بیشترمیشود ۰ ازسوی دیگروسعت دامنه پژوهشها وطرحریزی های علمی وفنی دوران کنونی که منابع مادی وانسانی عظیمی راایجاب میکند وابستگی علم را به جامعه تشدید مینماید ۰

مجموعه این عوامل ترکیب ودرآمیختگی وهمکاری کاملا نزدیك علوم طبیعی واجتماعی

رابایکدیگرضروری میسازد ۰ این همکاری متقابل قبل ازهرچیزبرای آن لازم است که علم من حیث المجموع بتواند خود ونیزقوانین وگرایشهای رشد خود را بشناسد ۰ بدینوسیله میتوان اصول علمی لازم را برای سازمان وبرنامه ریزی علم وهدایت ان طرحریزی کرد وسمت های اساسی پیشرفت علمی وفنی را پیشبینی نمود ۰

علاوه برآن باتوجه به اثربخشی اجتماعی روزافزون نتایج ودورنماهای علم وتکنیک بخصوص باید مجموعه شرایط اجتماعی ـ اقتصادی استفاده عملی ازاین یاآن کشف وطرح را بررسی کرد وعواقب اجتماعی انرا به حد اکثرممکن پیشبینی نمود ۰

علم وتکنیک معاصرطرحهای فراوانی راعرضه میدارند که اجرای انهانتایج اجتماعی دامنه داری رانوید میدهد ۰ ازآنجمله است مثلا کار درزمینه حل مسئله انرژی ، طرحهای دگرگونی شرایط اقلیمی ، آبادی کویرهاوتسخیر فضاوکرات سماوی ۰ خود کارکردن کامل پروسه های تولیدی واستفاده هرچه بیشتر ازماشینهای حساب الکترونی دراداره امورموسسات امکانات عظیمی برای صرفهجوئی کارانسان بوجود میآورد ۰ بهبود شیوه های زراعت وکودریزی وابیاری زمینهای زراعتی موجود ازطریق استفاده ازدستاوردهای علم معاصروتکنیک کشاورزی موجبات تغذیه عالی وکافی را برای سکنه کنونی کرهزمین فراهم خواهد ساخت ۰ طبق محاسبه اکادمیسین س۱۰ ولفکوویچ فقط بااستفاده از " هربی سیدها " (مایع شیمیائی مخصوصی که درزراعت برای براند اختن علف های هرزبکار میرود) میتوان بازده کاررا درکشتزارهای غله ۲۰ ـ ۳۰ برابر کرد ۰ اگر اینکار باتغییرات مربوطه درزمینه اجتماعی همراه شود مشکل فقرازحیات جامعه بشری رخت برمی بندد ۰

ازجمله مسائلی که حل انهاترکیب وآمیختگی (سنتز) علوم اجتماعی وطبیعی راایجاب میکند مسئله تکمیل پروسه ها واسلوب های آموزش وپرورش است ۰ طی سالهای اخیرحجم برنامه های آموزشی بموازات انقلاب علمی وفنی بسرعت افزایش مییابد وتضاد روزافزون میان حجم این برنامه ها ومهلت های کنونی واشکال سازمانی موجود اموزش وپرورش بیش ازپیش نمایان میگردد ۰ دراین شرایط جامعه باید برای اموزش وپرورش اسلوب هاووسائلی را بکار برد که انواع مختلف موسسات اموزشی بتوانند حد اکثرحجم ممکن ولازم اطلاعات علمی وعملی را درحد اقل مدتی که ازنظر تعلیم وتربیت وروانشناسی واقتصادی معقول باشد دراختیاردانش اموزان ودانشجویان قراردهند ۰

دراین زمینه به آموزش " برنامه بندی شده " (۱) که سیستم تعلیم وتربیتی جدید مبتنی براسلوبها واشکال جدید اموزش وپرورش است ودران ازوسائل فنی مخصوص دارای بغرنجی های متفاوت استفاده میشود ـ امید فراوان میرود ۰ خصائص اساسی اموزش "برنامه بندی شده" عبارتست از : تجزیه وتحلیل دقیق مواد درسی وتقسیم بندی ان به درسهائی که پیگیری منطقی کامل درانها مراعات شده باشد ، بالابردن درجه استقلال وفعالیت محصل درجریان

---

(۱) ـ " برنامه بندی " اصطلاح ریاضی وسیبرنتیک است که درسالهای اخیرمتداول شده است ۰ دراموزشی " برنامه بندی شده " ازماشینهای حساب الکترونی برای تنظیم برنامه ها استفاده میشود ۰ (مترجم) ۰

علم آموزی ، هدایت صحیح معلم ودخالت‌محصل درامور اموزش‌یکمک فعالیت معرفتی ، استفاد ازوسائل فنی مدرن برای بهبود وبهره افزائی فعالیت محصلین وکاهش‌میزان کارغیرتولیدی محصلین‌برای حل مسائل تئوریک آموزش‌برنامه بندی شده ازبسیاری ازعلوم وازجمله ازسیبرنتیک فیزیولوژی ، منطق ، روانشناسی وتعلیم وتربیت استفاده میشود ° درپرتوتشریک مساعی دانشمندان رشته های مختلف ومهندسین درکشورماودرخارجه کامیابی های معینی درزمینه اموزش‌برنامه بندی شده بدست امده است °

خصلت انساندوستانه هدف این قبیل طرحهای علم وتکنیک معاصرکه هنوزاجرانشده ولی کاملا قابل اجرااست مورد تردید نیست ° بااجرای این طرحهاحیات جامعه دستخوش‌تغییرات اساسی خواهد شد ° روشن ساختن خصلت وشرایط این تغییرات نیاز به کوشش‌نمایندگان رشته های مختلف علوم اجتماعی ودردرجه اول اقتصاددانان وجامعه شناسان وفلاسفه وروانشناسان دارد °

درجامعه سوسیالیستی برای استفاده وسیع ازدستاوردهای علم امکانات فراوان‌فراهم میگردد ° سوسیالیسم باالغاء مالکیت خصوصی بروسائل تولید وبراندا ختن تضاد ناشی ازاین مالکیت یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید وتصاحب انفرادی نتایج تولید وضعی راکه برای سرمایه داری عادیست ودران محصول فعالیت دانشمند به تصاحب انحصارات درمیاید وبنفع انها وازجمله برای مقاصد میلیتاریستی مورد استفاده قرارمیگیرد ــ ازبین میبرد °

محافل حاکمه کشورهای سرمایه داری رشد یافته باتوجه به نقش‌روزافزون علم واهمیت آن برای پیشرفت فنی شیوه های تازه ای بکار میبرند تادردانشمندان تاثیر کنند وآنهارا تحتنفوذ خود درآورند °

خود پروسه رشد وتکامل علم موجب میشود که فعالیتعلمی خصلت جمعی وعام کسب کند ° علم معاصردرپرتوسعای گروههای بزرگی ازدانشمندان ومهندسان ودستیاران آنان به پیش میرود ° سیمای دانشمند منفرد ازصحنه علم بزرگ حذف میشود وکلکتیوکارشناسانی که برای حل مسئله تئوریک عمومی یاانجام‌وظیفه پراتیک تشکیل شده اند جای اورا میگیرند °

این پروسه عینی درجامعه سرمایه داری به شکل ویژه ای صورت‌میگیرد °بوروکراسی‌وبرخورد اداری خشک که ازخصائص‌سازمان رهبری امورااقتصاد وموسسات دولتی دوران سرمایه داری انحصاری دولتی است درموسسات علمی نیز رسوخ میکند ° باآنکه دانشمندان درظاهرازآزادی واستقلال برخوردارند درعمل نظریاهیچ امکانی برای نظارت برچگونگی استفاده ازنتایج کسار خود ندارند ° جمع روزافزونی ازدانشمندان غرب به جنبه ضد دموکراتیک وغیرانسانی استفاده سرمایه داری ازعلم پی میبرند و به جستجوی راه دیگری‌میروند ° این راه دیگرراسوسیالیسم نشان میدهد ° لنین میگفت : " فقط سوسیالیسم‌میتواند علم را ازقیود بورژوائی وازاسارت درچنگ سرمایه وبردگی درقبال سود ورزی پلید سرمایه داری نجات بخشد " °

سازمان‌سوسیالیستی جامعه امکانات وسیعی برای خلاقیت علمی وفنی واستفاده عملی‌از دستاوردهای علمی بسود مردم فراهم میسازد ° چگونگی برخورد علم جامعه سوسیالیستی به مسئله صلح که‌مهمترین مسئله دوران کنونی است خصلت انساندوستانه علم جامعه سوسیالیستی راکه ازهرانگیزه ای جزتمایل به پیشرفت تمام جامعه بشری فارغ‌است به بهترین نحوی نمودارمیسازد °

علم آموزی ، هدایت صحیح معلم ودخالت محصل درامور آموزش بکمك فعالیت معرفتی ، استفاده ازوسائل فنی مدرن برای بهبود وبهره افزائی فعالیت محصلین وکاهش میزان کارغیرتولیدی معلمین برای حل مسائل تئوریك آموزش برنامه بندی شده ازبسیاری ازعلوم وازجمله ازسیبرنتیك فیزیولوژی ، منطق ، روانشناسی وتعلیم وتربیت استفاده میشود . درپروتوتیپ مساعی دانشمندان رشته های مختلف ومهندسین درکشورماودرخارجه کامیابی های معینی درزمینه آموزش برنامه بندی شده بدست آمده است .

خصلت انسانوستانه هدف این قبیل طرحهای علم وتکنیك معاصرکه هنوزاجرانشده ولی کاملا قابل اجرااست مورد تردید نیست . بااجرای این طرحهاحیات جامعه دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد . روشن ساختن خصلت وشرایط این تغییرات نیاز به کوشش نمایندگان رشته های مختلف علوم اجتماعی ودردرجه اول اقتصاددانان وجامعه شناسان وفلاسفه وروانشناسان دارد .

درجامعه سوسیالیستی برای استفاده وسیع ازدستاوردهای علم امکانات فراوان فراهم میگردد . سوسیالیسم باالغاء مالکیت خصوصی بروسائل تولید وبراندا ختن تضاد ناشی ازاین مالکیت یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید وتصاحب انفرادی نتایج تولید وضعی راه برای سرمایه داری عاد یست ودران محصول فعالیت دانشمند به تصاحب انحصارات درمیاید وبنفع انها وازجمله برای مقاصد میلیتاریستی مورد استفاده قرارمیگیرد ــ ازبین میبرد .

محافل حاکمه کشورهای سرمایه داری رشد یافته باتوجه به نقش روزافزون علم واهمیت آن برای پیشرفت فنی شیوه های تازه ای بکار میبرند تادردانشمندان تاثیر کنند وآنهارا تحتنفوذ خود درآورند .

خود پروسه رشد وتکامل علم موجب میشود که فعالیتعلمی خصلت جمعی وعام کسب کند . علم معاصردرپروسه ای گروههای بزرگی ازدانشمندان ومهندسان ودستیاران آنان به پیش میرود . سیمای دانشمند منفرد ازصحنه علم بزرگ حذف میشود وکلکتیوکارشناسانی که برای حل مسئله تئوریك عمومی یاانجام وظیفه پراتیك تشکیل شده اند جای اورا میگیرند .

این پروسه عینی درجامعه سرمایه داری به شکل ویژه ای صورتمیگیرد . بوروکراسی وبرخورد اداری خشك که ازخصائص سازمان رهبری امورواقتصاد وموسسات دولتی دوران سرمایه داری انحصاری دولتی است درموسسات علمی نیز رسوخ میکند . باآنکه دانشمند ان درظاهرازآزادی واستقلال برخوردارند درعمل نظریاهیچ امکانی برای نظارت برچگونگی استفاده ازنتایج کار خود ندارند . جمع روزافزونی ازدانشمندان غرب به جنبه ضد دموکراتیك وغیرانسانی استفاده سرمایه داری ازعلم پی میبرند و به جستجوی راه دیگری میروند . این راه دیگرراسوسیالیسم نشان میدهد . لنین میگفت : " فقط سوسیالیسمیتواند علم را ازقیود بورژوائی وازاسارت درچنگ سرمایه وبردگی درقبال سود ورزی پلید سرمایه داری نجات بخشد " .

سازمان سوسیالیستی جامعه امکانات وسیعی برای خلاقیت علمی وفنی واستفاده علمی از دستاوردهای علمی بسود مردم فراهم میسازد . چگونگی برخورد علم جامعه سوسیالیستی به مسئله صلح که مهمترین مسئله دوران کنونی است خصلت انسانوستانه علم جامعه سوسیالیستی راکه ازهرانگیزه ای جزتمایل به پیشرفت تمام جامعه بشری فارغ است به بهترین نحوی نمودار میسازد .

دانشمندان شوروی همراه با تمام صلحدوستان جهان جنگ جهانی را درقرن سلاح هسته‌ای بکلی مردود میدانند . دانشمندان که خود خالق تازه ترین انواع سلاحها وتکنیک جنگی هستند خیلی خوب میدانند که بکاربردن این سلاحها چه عواقب موحشی ببار خواهد آورد . بهمین جهت بانگ دانشمندان در دفاع ازصلح طنین خاصی دارد .

دانشمندان مترقی کشورهای سرمایه داری نیز باوضوحی بیش‌ازپیش درک میکنند که بکاربردن سلاح هسته ای جائزنیست وبهمین جهت سیاست شانتاژاتمی رامحکوم میکنند . هراندازه که علم درغرب بیشتر تحت کنترل نظامیان درمیآید پشتیبانی دانشمندان ازصلح وازضرورت استفاده ازعلم وتکنیک برای هدفهای انسانی وستانه وضد میلیتاریستی جدی ترمیشود .

تماس دانشمندان کشورهای مختلف بایکدیگر به امرحفظ صلح کمک میکند . دانشمندان شوروی درکلیه اشکال همکاری علمی بین المللی شرکت‌میکنند وبدینسان سهم خود رادرمبارزه برای صلح وترقی ادامیدهند . تنها درسال ۱۹۶۶ درمسکو چندین کنگره وکنفرانس‌جهانی تشکیل شدکه ازآنجمله است : بیستمین کنگره جهانی ریاضی دانان ، دهمین کنفرانس جهانی فیزیک حرارت نازل ، هفتمین کنگره جهانی کریستال شناسان ، دومین کنگره جهانی اقیانوس‌شناسی وهجدهمین کنگره جهانی روانشناسان . درهمان سال تنها بنا بدعوت آکادمی علوم اتحاد شوروی بیش‌از ۹ هزار دانشمند خارجی ازاتحاد شوروی‌دیدن کردند .

دانشمندان شوروی همواره به پیشرفت پژوهشهای علمی وتربیت کادرعلمی کشورهای درحال رشد کمکهای بیشائبه مبذول میدارند .

مادامکه امپریالیسم وجود دارد نیروهای تجاوزکارهم وجود خواهند داشت وخطرجنگ باقی خواهد بود . تهاجم امریکا بهویتنام باردیگر اینمطلب را بما گوشزدکرده است . بسیاری ازدانشمندان که باکمونیست هاهمعقیده نیستند وازنظریات کمونیستی پیروی نمیکنند جنگ‌ویتنام رامحکوم میسازند . ملاک انسانها دراین زمینه اصول انسانی وعدالت وترقی است که محتوی معنوی علم راتشکیل میدهد . ولی محکوم ساختن به تنهائی برای مبارزه‌کردن متجاوزکافی نیست . عامل مهم حفظ صلح درسراسرجهان قدرت دفاعی روزافزون اردوگاه سوسیالیستی است که دانشمندان درتحکیم ان سهم بزرگی دارند .

■

خصیصه مرحله کنونی پیشرفت علمی وفنی دگرگونیهای واقعاانقلابی است که درباره آنها مطلب زیادگفته ونوشته شده است . ازنمودارهای این دگرگونیهاانستکه مهمترین بخش‌های علم که درمجموع خود مسیرتکامل علم رامعین میکنند (یعنی مکانیک کوآنتا ، شیمی پولیمرها بیولوژی مولکولار ، فیزیک هسته وسیبرنتیک) طی چند دهسال اخیر پدیدامده ومهمترین‌کامیابی هارا بدست اورده اند ونیزپیدایش‌وپیشرفت این‌علوم با تغییرات اساسی که درخزانه مفاهیم علم ودرشیوه هاواصلوبهای شناخت علمی روی داده ارتباط داشته است . نمودار دیگر این دگرگونیهاانستکه درسکنه کشورهای صنعتی رشد یافته نه تنها درتولید بلکه درعرصه معیشت‌نیز احساس‌روانی وابستگی به علم پدیدآمده است .

استروکتورخود علم نیز دگرگون میشود . علوم دقیقه ودرمیان انهاریاضیات وسیبرنتیک

وزن واهمیت روزبروزبیشتری کسب میکنند ۰ " ماتماتیزاسیون " وبویژه " سیبرنتیزاسیون " از خصائص ویژه علم د رطول چند د هسال اخیراست ۰ اصول واسالیب علوم ریاض وسیبرنتیک د رتمام رشته های علم وازجمله د رعلوم جامعه شناسی رسوخ کرد ه است ۰ استفاد ه صنعتی ازد ستاورد های سیبرنتیک والکترونیک سیمای تولید صنعتی را بکلی د گرگون میسازد وانراخود- کارمیکند ۰ ماشینهای حساب وماشینهای انفورماسیون ومنطق نقش بیش ازپیش موثری د ر عرصه مد یریت وامورد فتری بازی میکنند ۰

مهمترین نکته د رتمام این گرایشها وپد ید ه ها پروسه افزایش نقش اجتماعی علم وتبد یل ان به نیروی مولد ه بلاواسطه جامعه است ۰ این نقش نوین علم هم خصلت کارانسان راتغییر مید هد وهم خود کار علمی را ۰ برخی ازخصائص جد ید کارعلمی را د راینجا بیان میکنیم ۰

تولید معاصر که ازماشین افزارهای اتوماتیک وتله مکانیک والکترونی اشباع استوازپروسه های تکنولوژیک نوینی که میزان مصرف کار زند ه د رآنها ناچیزاست استفاد ه میکند به کارکنان طرازنوینی نیازمند است که ازنظر معلومات بامهند سین یا د انشمند تفاوت زیادی ند اشته باشند ۰ علم مستقیما به عرصه کارزند ه رسوخ میکند وبآن جنبه خلاق ود انشورانه مید هد ۰

سوسیالیسم اشکالی را بوجود میاورد که به رشد جانب فکری کارکمک میکنند ۰ یکی ازاین اشکال فعالیت علمی وفنی زحمتکشان است که طی سالهای اخیر د رکشورما د امنه وسیع بخود گرفته است ۰ د راد ارات وموسسات ود فاتر فنی وازمایشگاههای کارخانه ها وغیره انجمن های علمی وفنی وجود د ارد ۰ جنبش راسیونالیزاتورها ومخترعین شوروی د امنه هرچه وسیعتری بخود میگیرد ۰ ارقام زیر نشانه هائی ازانست ؛ د رسال ۱۹۵۰ تعد اد اختراعات وپیشنهاد های اصلاحی یك میلیون و ۲۴۰ هزاربود ولی د رسال ۱۹۶۵ این رقم به بیش از ۴ میلیون رسید ۰

پژوهشها وطرحریزیهای علمی چنان د امنه وسیعی بخود گرفته است که تحقق عملی انها منابع مادی وانسانی بزرگی راایجاب میکند وضمنا گرایش پایداری د رجهت توسعه روزبروزمیبابد این منابع وجود د ارد ۰ مثلا د راتحاد شوروی طی د هسال اخیرمیزان اعتبارات مخصوص علم شش برابر شد ه است ۰ د رمورد جریان افزایش منابع انسانی باید گفت که اگر گرایش کنونی د ر جهت تبد یل تد ریجی کارمهند سین وتکنیسین ها ود انشمند ان به شکل حاکم کاراد امه یابد جامعه د رطول صد سال اینده مجبور خواهد بود ۲۰ تا ۵۰ د رصد تمام جمعیت بزرگسال خود را به د انشمند بدل کند ۰

ازاینجاست ضرورت عینی توسعه آگاهانه ومبتنی بربرنامه پژوهشهای علمی ۰ د رشرایط سوسیالیسم که آگاهی وتشکل روزافزون ازخصائص انست برنامه ریزی علم د رمقیاس سراسرجامعه انجام میگیرد ۰

فکر برنامه ریزی پژوهشهای علمی وتمرکزنیرو ووسائل برای حل مهمترین معضلات علمی و اقتصاد به لنین تعلق د ارد واثر پیشگفته لنین یعنی " طرح برنامه کارهای علمی وفنی " کمد ر نخستین سالهای حکومت شوروی تالیف شد ه نمود ار عملی انست ۰

کامیابیهای عظیمی که د انشمند ان شوروی د رمهمترین رشته های علم معاصر بد ست اورد ه اند گواه قنعی است برصحت اند یشه لنین د رباره برنامه ریزی پژوهشهای علمی ۰ ملاك عمد ه

برای انتخاب سمت اساسی پژوهشها قبل ازهرچیز نیازمندی اقتصاد ملی است که پیشرفتآن به پیشرفت رشته های معین علم بستگی دارد ۰ ولی علم تنها انجام دهنده "سفارشهای" اقتصاد ملی نیست ۰ درسالهای اخیرعلم بیش ازپیش در اقتصاد ملی بطورفعال تاثیرمتقابلی می بخشد وبرخی جهات جدید را درتولید نشان میدهد ۰

مثلا صنایع اتمی ورادیو الکترونیك نخست دربطن خود علم پدید آمد وسپس به رشته های مستقل بدل شد ۰

پس برنامه ریزی علم باید طوری انجام گیرد که بتواند ازطریق تجزیه وتحلیل امکانات پیشرفت رشته های جدید علم دربرنامه های اقتصادی تاثیربخشد ۰

ما دیدیم که برای پیشرفت های آینده علم وتکنیك چه منابع انسانی عظیمی ضروراست ۰ کامیابی هرکشور درکلیه شئون اقتصاد وفرهنگ وعلم منوط به درجه کامیابی ان درحل مسئله تهیه کادرعلمی وفنی دارای سطح عالی تخصص است ۰ تجربه اتحاد شوروی نشان میدهد که سوسیالیسم باموفقیتی بمراتب بیش ازسرمایه داری برای علم وتکنیك پایه توده ای بوجود میآورد ۰ اثربخشی اقتصادی تولید اجتماعی به تهیه کادرعلمی وفنی بستگی اساسی دارد ۰ درآمد جامعه ازمحل ارتقا سطح تخصص کارکنان خود خیلی بیش ازمصارف اینکاراست ۰ طبق محاسبه آکادمیسین استرومیلین میزان بارآوری کار در انشکده دیده ها ودانشگاه دیده ها یازده برابر هزینه تحصیل آنهاست ۰ نسبت هزینه آموزش عمومی به نتیجه اقتصادی آن یك بر شش است ۰

اتحاد شوروی ازلحاظ تعداد دانشجو مدتهاست جای اول را درجهان دارد ۰ عده مهندسینی که سالانه دراتحاد شوروی ازدانشکده ها خارج میشوند چهاربرابر امریکااست اکنون دراتحاد شوروی ازهر ۱۰ هزارنفر تقریبا ۱۷۰ نفر دانشجو هستند ۰ برای مقایسه یاد آورمیشویم که درسالهای ۱۹۱۴ ــ ۱۹۱۵ درروسیه از هر ۱۰ هزارنفر ۸ نفر دانشجوبودند ۰

تبدیل علم بعامل نیرومند پیشرفت اقتصادی واجتماعی بررسی قوانین حرکت خود علم واستروکتور واشکال سازمانی وغیره علم را ضروری میسازد ۰ باآگاهی ازچگونگی این قوانین میتوان گرایشهای اساسی را درتکامل علم پیش بینی کرد وپژوهشهای علمی را بنحوثمربخش تر برنامه ریزی کرد وبهترین اشکال سازمان را برای آن یافت ۰ مجموعه رشته هائی که جوانب معین علم وخلاقیت علمی وسازمان کارعلمی را پژوهش میکنند درسالهای اخیر به یك علم مستقل بدل میگردند که "علم شناسی" نامیده میشود ۰ درطرح وحل مسائل علم شناسی علاوه برنمایندگان علوم دقیقه اقتصاد دانان وجامعه شناسان ومنطقیون وروانشناسان وآمار شناسان وفلاسفه وحقوق دانان نیز شرکت دارند ۰ بررسی مجموع علوم بعنوان یك علم اجتماعی مستقل فوائد عملی فراوانی رانوید میدهد ۰

■

بدینسان سیستم سوسیالیستی دردوران انقلاب علمی وفنی بیش ازسرمایه داری برای پیشرفت علم واستفاده ازدستاوردهای آن بصود صلح وترقی امکان بوجود میآورد ۰ درجامعه

سوسیالیستی دستاورد های علم وتکنیك برای ترفیع سطح زندگی ورشد همه جانبه زحمتکشان بکار میرود ۰

مناسبات سرمایه داری علم وتکنیك معاصررا درتنگنا میگذارد ۰ نمود ار بارزاین امر پیدایش مشکلات اجتماعی جدید یست که انقلاب علمی وفنی برای سرمایه داری بوجود آورده وسرمایه داری توان حل آنهارا ندارد ۰

ایدئولوژی بورژوائی در خدمت استعمارنو

هانری آلگ
(نویسنده - از الجزیره)

امروز اکثریت عظیم ملل استعمارزده دولتهای مستقل خود را بوجود آورده اند ° ولی این ملل نیک میدانند که مبارزه هنوز بهیچوجه پایان نیافته است ° علیرغم پرچمهای ملی که برفراز پایتخت های جدید در اهتزاز است امپریالیستها در بسیاری موارد هنوز در کشورهای نوبنیاد باقی مانده اند وهمچنان بخط اخله در امور آنها ادامه میدهند تا این کشورها را در حیطه نفوذ خود نگاهدارند ° امپریالیستها این کار را هرجا امکان داشته باشد آشکار وبکمک اسلحه ویا بطور غیرمستقیم یعنی باپشتیبانی نظامی وسیاسی از نیروهای ارتجاعی داخلی وابسته بخود انجام میدهند ومیکوشند ملل این کشورها را ازطریق اعمال فشار سیاسی در بند اسارت خود نگاهدارند °

ولی ملل که دولتهای خود را بوجود اورده اند میخواهند از آزادی ملی کامل وواقعی برخوردار باشند ° این ملل باتب وتاب واضطراب راه نیل به آینده تابناکی را که آرزوی نسل های گذشته بوده جستجو میکنند وبرای تامین پیشرفت اجتماعی وفرهنگی خویش مجاهدت میورزند ° روزبروز عده بیشتری باین حقیقت پی میبرند که برای حصول این مقصود باید تمام اثار گذشته برده وارپعنی عقب ماندگی اقتصادی وگرسنگی و بیسوادی وتمام عیوبی را که تسلط استعمار ازخود به ارث گذاشته است ، براند ازند ° این ارزوهای بزرگ الهام بخش وشوق مبارزه انقلابی وضد امپریالیستی ازادیبخش است که تنها سرنوشت کشورهای نواستقلال بلکه تاحدود زیادی سرنوشت تمام جامعه بشری بنتایج ان بستگی دارد °

بسته باینکه کشورهای مزبور چه راهی را درپیش گیرند ومیلیونها زحمتکش ساکن این کشورها درمبارزه برای ساختمان زندگی نوین فارغ از استثمار استعماری وسرمایه داری بچه کامیابیهائی نائل آیند پیروزی جهانی سوسیالیسم که به حکم انقلاب اکتبر رد ستور روز تاریخ قرارگرفته است نزدیکتر یا دورتر ونیل بان اسانتر یا دشوارتر خواهد شد °

امپریالیستها که میدانند شکست درمبارزه برسر نفوذ درکشورهای ازبند رسته چه عواقبی برایشان ببارخواهد آورد باتب وتاب تمام میکوشند درهرجاکه ممکن باشد راه را برجنبش ازادیبخش ملل سد کنند ° امپریالیستهای امریکا که باچنین لجاجی میکوشند مقاومت خلق قهرمان ویتنام را درهم شکنند حسابشان آنستکه تمام ملل " جهان سوم " را ازتمایل به گام نهادن درراه سوسیالیسم برحذر دارند ° میلیاردها دلاری که درامریکای لاتین برای پشتیبانی از دیکتاتورهای ضد ملی خرج میشود نمودار دیگریست ازسیاستی که هدفش سد راه مللی است که هم وابستگی به امپریالیسم خارجی وهم استثمار سرمایه داری را مردود میشمارند °

ولی دورانی که محافل قدرتمند ن ، نیویورک ، پاریس یا بروکسل میتوانستند سرنوشت قاره ها وشیوه زندگی صدها میلیون نفررا درهندوستان یا درافریقا بدلخواه خود معین کنند ــ سپری شده است . نیروهای اعزامی دیگر برای مقابله با قدرتطلل قیام کننده حجت کافی نیستند . مدافعان امپریالیسم که تاهمین چندی پیش بی اعتنابه ستمگری‌های بیرحمانه برملل مستعمرات درستایش‌رسالت " تمدن آفرین " استعمارگران سخن میگفتند واز " سنگینی بارانسان سفید پوست " دمیزدند بناچاربزبان درکام کشیده اند .

امروزامپریالیستهابرای توجیه سیاست ددمنشانه خود ومبارزه بااندیشه های‌پیروزی آفرین سوسیالیسم مجبورند وسائل دیگری را جستجوکنند . حالادیگرآنها نمیتوانند به‌اعلام ساده حق " خدائی " خود برای تسلط واستثماراکتفاکنند وناچارند تناسب جدید قوا واعتلای نیرومند ملل مستعمرات سابق راکه ازاندیشه های والای سوسیالیسم ملهم اند وبا شوقی مفرط میکوشند بهترین شیوه هارا برای تامین آینده خود بیابند وبکار بندند ــ درنظر بگیرند . باینجهت " جبهه ایدئولوژیك " درمبارزه امپریالیستهاعلیه ملل نواستقلال اهمیت روزافزون کسب میکند . بهمین‌جهت است که ایدئولوك های بورژوائی به " جهان سوم " که سالها بانظر بی اعتنائی وتحقیرآن‌مینگریستند وفقط به بررسی فرهنگ گذشته وباستانی کشورهای آن بسنده میکردند اکنون توجه وعلاقه فوق العاده ای نشان میدهند . جامعه شناسان‌بورژوائی باحرارت بتیزکردن سلاح ایدئولوژیك خود پرداختند تا به کمك آن بتوانند اشکال ظریف وامتنارشده ای ازاستعمار نورا که تکیه اش‌تنها برنیروی خارجی نباشد، بلکه درمیان بخشی ازنیروهای داخلی کشورهای نوبنیاد نیز تکیه گاه داشته باشد باسهولت بیشتری رواج دهند . امپریالیستهابرای اینکه بتوانند هرقدرممکن باشد افراد بیشتری را درکشورهای نواستقلال بسوی خود بکشند ظاهرفریب ترین براهین را بکار میبرند تئوریهای آنها غالباصبغه " علمی " دارد تا بهتر بتواند براهین دشمن عمده یعنی سوسیالیسم علمی را " دفع کند " . باوجود تنوع فراوان تزهای ایدئولوك های بورژواهمه آنها باهم یك وجه مشترك حتمی دارند بدینمعنی که همه‌میخواهند مارکسیسم را ردکنند ، بران فائق آیند ویا درآن تجدید نظرکنند . درعمل هم‌همه آنها دریك‌موضع بهم میرسند وآن آنتی کمونیسم وآنتی سویتیسم است .

ولی کار ایدئولوگهای بورژوادرزمان‌ما روزبروزدشوارتر میشود . مارکسیسم ــ لنینیسم ونفوذ آن درمیان توده ها بحدی اشاعه یافته است که حالا برای مبارزه باآن براهین‌شبه علمی لازم امده و دیگر باتکفیرساده آن بنام مخالفت با مذهب ونظم موجود ویا با ازادی کار فرمائی دار ازپیش‌نمیرود . حالاباید بمردمی که شوق براندا ختن فقر ومسکنت میراث بردگی سابق سراپای وجودشان را فراگرفته است توصیه های علمی کاذب کرد تاشاید بتوان انهارا ازسوسیالیسم علمی درساخت . خرابکاریهای ایدئولوژیك امپریالیسم علاوه براینکه انواع جریانهای غیرعقلائی ونابخردانه را رواج میدهد درزیر نقاب " علمیت " نیزمیتواند امروز زیان فراوان برساند .

برخی ازجامعه شناسان بورژواکه وظیفه عقیم دفاع ازنظام منسوخ نصیبشان شده است برای آنکه خود را نوآور جلوه دهند اصولا هرنوع ایدئولوژی را بی چون وچرامحکوم میکنند

ولی منظورشان در درجه اول مارکسیسم است ۰ کسانی نظیرآ ۰ شلزینگر ، و ۰ روستو و آرون ایدئولوژی هارا " کهنه شده " میشمارند و " اندیشه ها " را دربرابران عَلَم میکنند ۰ مثلا آرون عنوان یکی از " رسالات سه گانه درباره قرن صنعتی " خود را " پایان ایدئولوژی ها ــ احیاء اندیشه ها " انتخاب کرده است ۰ شلزینگرمدعی است که " جهان دوران ایدئولوژی های کهنه شده را پشت سر گذارده وبدوران استراتژی اجتماعی انعطاف پذیرتروجاندارتر گام نهاده است " (مجله " امریکا " شماره ٤٦ سپتامبر ١٩٦٤) ۰ ایدئولوگ های بورژوآبرای آنکه " ایدئولوژی " را کاملترمحکوم سازند (البته صاحبان این تئوری ایدئولوژی طبقه‌کارگررا درنظر دارند) آنرا درسیستمی از دگم های جامد که تاب مقابله با واقعیت را ندارد خلاصه میکنند وسپس خود مارکسیسم ویا بعبارت بهتر کاریکاتوری راکه ازمارکسیسم ساخته اند تا مبارزه باآنرا آسان کنند " مردود " اعلام میدارند ۰

قائل شدن این فرق میان " اندیشه ها " و " ایدئولوژی ها " وتحاشی کاذب ازدومی به جامعه شناسان بورژوآامکان میدهد خود را درچارچوب یك سیستم جامع نظریات محدود نسازند ودروقت ضرورت هردلیل وبرهانی راکه‌مناسب تر بدانند ازهرجاباشد برای مبارزه با مارکسیسم بکار برند ۰

مارکسیستهاایدئولوژی را جهان بینی این یاآن طبقه اجتماعی میدانند ۰ همانگونه که ایدئولوژی طبقه‌کارگر سلاح مبارزه این طبقه درراه‌آزادی خویش است ایدئولوژی بورژوازی نیز ، صرفنظر ازاشکال آن (حتی وقتی که ایدئولوگ های بورژوادرمخالفت با " هرگونه ایدئولوژی "سخن‌میگویند) سلاح حفظ تسلط استثمارگران است ۰

تئوریسین های بورژواعم ازاینکه به هرمکتبی تعلق داشته باشند ، اعم ازاینکه‌تاریخ رامجموعه درهم برهمی ازرویدادهای تصادفی بدانند یا برای آن‌هدف معینی قائل باشند همه درنفی نکته عمده باهم توافق دارند بدینمعنی که همه‌انها مبارزه طبقاتی ونقش‌عمده‌آنرا درزمینه تبدیل یك صورتبندی اجتماعی ــ اقتصادی به صورتبندی دیگر نفی میکنند وبالنتیجه ناگزیری انقلاب اجتماعی تحت رهبری طبقه‌کارگررا منکر میشوند ۰ بدینسان درلفافه " نفی " ایدئولوژی ها وتئوریهای بدلِ علمی که‌مارکسیسم را " رد میکنند " یا برآن " فائق میآیند " ویا با اوضاع واحوال " دمسازمیکنند " هدف واقعی تمام این تلاشهایعنی توجیه استثمار سرمایه داری نهان است ۰

مولفین بورژوآغالبا دعوی میکنند که فقط درعرصه‌علم خالص‌فعالیت میکنند وکمتر دربند استفاده عملی ازتئوریهای‌خویش هستند واگرهم اینکار ضرورتی پیدا کند استفاده ازاین تئوریهارا درکار وسیاست روزمره بدیگران واگذار مینمایند ۰ ولی بسهولت میتوان دریافت که پژوهشهای انها تجریدی نیست ۰ روستو اینمطلب را منکر نیست ودرکتاب خود بنام " مراحل رشد اقتصادی " یکی ازهدفهای خود را بالصراحه معین‌میکند ومینویسد ۰

" مابایدنشان دهیم که‌کشورهای کمرشد ۰۰۰ باایجاد مقدمات لازم‌میتوانند به تحولات عیان‌نائل آیند ودرهمانحال درمدار جهان دموکراتیك باقی بمانند ودرقبال تهدیدات ووسوسه های‌کمونیسم مقاومت‌کنند ۰ من برآنم که‌کوشش‌برای حصول اینمقصود درفهرست

وظائف مهم غرب مهمترین وظیفه بشمار میآید " .

تز رستوجوابگوی نیازمند یهای مبارزه علیه " وسوسه های " کمونیسم است . رستو و رجالی نظیر او میان پروسه تکامل جامعه ومناسبات تولیدی ، اجتماعی ـ اقتصادی اد وارتاریخی مختلف هیچگونه رابطه ای قائل نیستند واینتکامل را سلسله تغییراتی مید انند که بطورتدریجی (ازطریق اولوسیون) ازمرحله پائین تکامل جامعهٔ فاقد هرگونه تولید مکانیکی (باین‌جامعه‌عنوان " جامعه سنتی " اطلاق شده است) بمرحله عالیتر یعنی به جامعهٔ دارای سطح عالی مصرف عمومی " که بزعم انهانیازمند یهای تمام اهالی را ارضاء میکند ـ صورتمیگیرد . دارندگان اینظریات باتکیه روی اهمیت اختلاف سطح پیشرفت فنی درکشورهای مختلف که بنیاد تمام این " نظریه تکامل تاریخ " راتشکیل مید هد وبا " بی اعتنائی " به بررسی مناسبات تولیدی که‌منعکس‌کننده اشکال مالکیت است بروی اشتی ناپذیری مناسبات‌تولیدی سوسیالیستی وسرمایه داری پرده‌میکشند وشباهت های ظاهری را درزمینه تکنیك پیشرفت صنعتی عرضه‌مید ارند .

این برخورد رو اورن را بهنتیجه‌گیری زیرین میرساند : " امکان آن‌هست که جوامع صنعتی درآینده بیش‌از پیش‌بهم شباهت پید اکنند " . بد ینسان آرون برآنستکه سطح عالی رشد صنعتی کشورهای سرمایه داری وسوسیالیستی پس‌ازرسید ن به " مرحله پنجم رشد " (یعنی مرحله باصطلاح جامعه دارای سطح عالی مصرف‌عمومی) میتواند در اینده تمایزاتمیان سیستم های اجتماعی را براند ازد وحتی کاررا به تلاقی آنهابکشاند . دستگاه تبلیغات امپریالیستی سعی دارد این فکررا تلقین کند که چون دراین شرایط هر دوسیستم درآخرین‌تحلیل بسوی هدف واحد یعنی بسوی جامعه صنعتی رشد یافته ایبه پیش‌میروند که برای تمام اعضای خود امکان ارضای کامل نیازمند یهایشان را فراهم میسازد لذ اد یگر صحبت ازانقلاب یابحرانهای اجتماعی که امکان احتراز ازانهاهست لزومی ند ارد .

واضعین تئوری " تلاقی " که رشد نیروهای تولیدی معاصررا (که تمام کشورهای کمرشد برای نیل بآن‌میکوشند) مسئله صرفافنی مید انند سعی دارند مسئله سیاسی عمده ای راکه حل تمامیمسائل دیگر منوط به حل انست ومصلحت مبارزه انقلابی وضد امپریالیستی طرح کاملا صریح آنرا ایجاب میکند مشکوك جلوه دهند . این‌مسئله استروکتوراجتماعی وبه بیان دیگر مسئله انتخاب راه سوسیالیستی یا سرمایه داری است .

ایدئولوگ های امپریالیسم بااستفاده ازکوشش‌ملل کشورهای نواستقلال برای براند اختن عقب ماندگی دیرین که یکی ازعواقب تسلط وحشیانه استعمارگران است ازتئوری مراحل رشد اقتصادی نتایجی گرفته اند که اکنون چند سال استتوجه‌معینی بآن‌معطوف میشود . سخن برسرتزمشهوریست که " شمال ثروتمند " را درجبهه مخالف " جنوب فقیر " وبعبارت دیگر " کشورهای صنعتی" وازجمله دربرخی موارد " کشورهای بورژوائی " را درجبهه مخالف کشورهای " کمر شد " یا " پرولتر " قرارمید هد .

بد ینمناسبت نقل قول ازگفته های‌مورد ال اقتصاد دان موثدی جالب خواهد بود .

وی در کتاب خود بنام " اقتصاد جهان " فکرخود را چنین بیان میکند : " اگر طبقات را بهمانسان که قبلا وجود داشتند یعنی بصورت قبل ازاغازرزد ودگی سریع تمایزات میان آنها که نتیجه پروسه ایجاد وحد تطلی در کشورهای مرفه کنونی ما است در نظر بگیریم خواهیم دید که تمایزات کنونی میان کشورها نیز در اساس خود باتمایزات میان طبقات درون یك ملت وجوه مشترك دارد . ازاین نقطه نظر بخش اعظم بقیه جامعه بشری طبقه پائین ملتها را تشکیل میدهند ووضع یکسلسله ازملت ها باوضع طبقات متوسط شباهت دارد . باتوجه به سطح زندگی افراد دراین کشورها میتوان گفت که اصطلاح " پرولتاریا " درماهیت امربیشتر در مقیاس بین المللی صادق است تا درمورد وضعی که زمانی یا بنهرحال اکنون در داخل هر یك ازکشورهای رشد یافته وجود داشته ودارد ... واما درمورد نظرخود م باید بگویم که حاضر نیستم تضمین کنم که پیشگوئی مارکس در باره کاتاکلیسم (دگرگونیهای ویرانی اور) که درمورد کشورها صادق ازکار درنیامد درمقیاس بین المللی نیز صادق ازکار درنخواهد آمد " .

البته تقسیم بندی جهان به کشورهای " فقیر " و " غنی " باتمام جنبه مشروط آن ، وجود دارد . کشورهائی که قریب ١٦٪ جمعیت جهان را دربرمیگیرند سه چهارم ثروت جهان را در تملك خود دارند . ولی بااین تقسیم بندی میخواهند مرزبندیهای جغرافیائی وقومی را جایگزین آن مرزبندیهای بزرگ اجتماعی نمایند که افرادی راکه باکار خود زندگی میکنند ازافرادی که باکار دیگران زندگی میکنند جدا میسازد . این تقسیم بندی خطربزرگی را دربرد ارد . بدینمعنی که بروی عوامل اصلی پیشرفت تاریخ پرده میکشد ومنظره عمومی روابط حقیقی میان نیروهای طبقاتی مبارزرا درجهان کنونی بکلی تحریف میکند .

ایدئولوگهای بورژوا وجود مبارزه طبقاتی را در کشورهای غرب منکرند ودربهترین حالت میگویند که مبارزه طبقاتی درگذشته ودرجوامع سنتی " وجود داشته است ولی بافرارسیدن مرحله صنعتی تضادهای طبقاتی قدیمی به عرصه روایات تحویل میگردند . بدینسان زحمتکشان " کشورهای صنعتی " اززمره پرولتاریا خارج میشوند وقبل ازهمه به " جامعه ملی " خویش که گویا دائما درحال شکفتگی است میپیوندند نه به " جهان تجریدی باصطلاح استثمارشوندگان زحمتکشان صنعتی تمام کشورها " . این دعوی ایدئولوگ های بورژوا تازگی ندارد . آنها همیشه کوشیده اند " انطباق " منافع بورژوازی را با منافع پرولتاریای تحت استثمار آن ونیز فقدان یا عدم لزوم همبستگی طبقاتی بین المللی زحمتکشان را به ثبوت رسانند . آنها که دوران مبارزه طبقاتی را در کشورهای سرمایه داری رشد یافته سپری شده میشمارند ادعا میکنند که در کشورهای عقب مانده نیز طبقات اجتماعی یا وجود ندارند ویا تقسیم بندی آنها بسیار ضعیف است وبنابراین در آنجا نیز مبارزه طبقاتی نمیتواند مصداق داشته باشد .

برخی ازایدئولوگ های بورژوا باتوجه به کشورهای کمرشد نزخود راکه " ملت های بورژوا " را در نقطه مقابل " ملتهای پرولتر " میگذارد بعنوان انطباق " انقلابی " نظریه مارکسیستی مبارزه طبقاتی برمقیاس بین المللی جلوه میدهند (همان مبارزه طبقاتی که وجود آنرا در داخل هرکشور با چنین لجاجی منکرند) .

تئوری تقسیم بندی ملل " فقیر " و " غنی " خرابکاری ایدئولوژیك خطرناکی است که در اذهان آشفتگی بوجود میآورد ودر نتیجه علمی وحتی " انقلابی " به مبارزه علیه نظریات صحیح مارکسیستی ـ لنینیستی برمیخیزد . سازندگان این تئوری هدف عملی مستقیمی را تعقیب میکنند . اینان باتکیه روی تقسیم بندی کذائی خود میکوشند ازتحقق اتحاد طبیعی جهانی برای مبارزه علیه امپریالیسم ودر راه منافع جامعه بشری فارغ ازهرگونه استثمارجلوگیری کنند ویا لااقل تحقق این اتحادرا بتاخیر اندازند وهمکاری سیاسی واقتصادی میان کشورهای " جهان سوم " وکشورهای سوسیالیستی رشد یافته را باین بهانه که کشورهای سوسیالیستی نیزهمانند کشورهای امپریالیستی درزمره کشورهای " غنی " هستند ـ تضعیف کنند .

این نظریات درجریان کارکنفرانس بازرگانی وتوسعه وعمران سازمان ملل متحد که در بهار سال ١٩٦٤ درژنو تشکیل شد ونیز دربرخی ازکنفرانسهای بعدی منعکس گردید .

ایدئولوگهای سرمایه داری بااین ادعاکه اصطلاح " پرولتاریا " و " بورژوازی " مفهوم خودرا ازدست داده وسطح زندگی طبقه کارگر کشورهای غنی این طبقه را به " بورژوازی نوین " که هیچ وجه مشترکی با پرولتاریای گرسنه " جهان سوم " ندارد بدل کرده است ، میکوشند میان زحمتکشان کشورهای رشد یافته وبرادران انها در " جهان سوم " نیز جدائی بیاندازند . انها درهمانحال که تمام توجه را منحصراری سطح زندگی کشورها متمرکز میسازند که طبعاً روضح کنونی اختلاف عظیمی باهم دارند ودرخود آگاهی اجتماعی وسیاسی تاثیرات متفاوت می بخشند ـ این نکته را پنهان میکنند که دربرابرزحمتکشان تمام کشورها (اعم از " غنی " و " فقیر ") استثمارگران قرار دارند وباینجهت اتحاد انها برای مبارزه علیه این استثمارگران امریست طبیعی وضروری .

هدف تز " شما ل ثروتمند " و " جنوب فقیر " درعین حال اینستکه جبر جغرافیائی درمسئله رشد اجتماعی ـ اقتصادی جای خودرا محکم کند وبعبارت دیگر عقب ماندگی کنونی کشورهای " جهان سوم " ناشی ازعوامل جغرافیائی وانمود گردد وبدینسان این عقب ماندگی توجیه شود وبقاء آن درکشورهای " جهان سوم " صورت ظاهر مشروع بخود بگیرد . صاحبان این تزمیخواهند مسئولیت امپریالیستهارا درمورد تاراج کشورهای مستعمره سابق وکشیدن اخرین رمق آنها پرده پوشی کنند . آنهامیخواهند چنین جلوه دهند که حالا دیگرتنها انحصارگران غرب مسئول تاراج وخانه خرابی وعقب ماندگی کشورهای " جهان سوم " نیستند بلکه تمام اهالی کشورهای صنعتی " نیز دراین مسئولیت شریکند .

بدینسان بامانور زیرکانه ای که دران خصلت طبقاتی جامعه بورژوائی کنونی نفی میگردد یا ادعامیشود که چنین جامعه ای دیگر دورانش بسر رسیده است میخواهند بایك تیر دو نشان بزنند : ازیك سوکشورهای سوسیالیستی با " کشورهای شمال " سرمایه داری غنی درزمره واحدی قلمداد میشوند وازسوی دیگر زحمتکشان کشورهای صنعتی را به توده های استثمارشونده " جهان سوم " دشمن معرفی میکنند . برخی ازمولفین باین نظریه بسط بیشتری میدهند وحتی ادعامیکنند که بدون پائین اوردن سطح زندگی زحمتکشان کشورهای صنعتی رشد یافته هیچگونه بهبودی درروضع زندگی کشورهای نواستقلال میسرنخواهد

بود ۰ این تبلیغات در اخیرین تحلیل بسود انحصارگران تمام میشود ۰ بیهوده نیست که برخی ازمبلغین غربی خطاب به پرولترهای کشورهای سرمایه داری مینویسند اگر سطح زندگی شما با سرعت کافی بالا نمیرود ویا راکد است ویا پائین میاید علتش آنستکه " جهان سوم بر ما گران تمام میشود " ۰

براین زمینه تزهای مختلفی پدید امده است : جامعه شناسان بورژوآ کاررا بجائی رسانده اند که فلاکت خانمانسوز یعنی مبارزه خونین وبی امان " شمال بورژوائی مرفه " راعلیه " جنوب انقلابی فقیر " پیشگوئی میکنند ۰ این مبارزه بزعم انها جنبه تصادم نژادی خواهد داشت زیرا تقریبا تمام کشورهای صنعتی سفید پوستند وسکنه کشورهای کم رشد رنگین پوست ۰ برای ایجاد گ مراهی در شعور طبقاتی زحمتکشان غرب لولوی جدید یعنی " خطر ناشی ازجهان سوم " راعلم کرده اند که گویا تلاش ان برای نیل به زندگی بهتر دستاوردهای طبقه کارگررا که نتیجه مبارزات شاق علیه سرمایه داران است تهدید میکند ۰ بورژوازی کشورهای سرمایه داری با این شیوه ها میکوشد استثمارشوندگان راعلیه یکدیگر تحریک کند وهمبستگی بین المللی زحمتکشان را که هم برای کارگران غرب وهم برای ملل کشورهای نوبنیاد ضرورت حیاتی دارد ــ مختل سازد ۰

کوشش ملل " جهان سوم برای نیل به زندگی بهتر وپیشرفت اجتماعی ــ اقتصادی یکی ازخصیصه های طبیعی وناگزیر اوضاع واحوال کنونی جهان است ۰ حصول این مقصود بذل مساعی عظیم وفداکاری وسرسختی ملل را در راه براندا ختن عقب ماندگی وایجاد استروکتور اقتصادی وسیاسی قادر به استفاده صحیح ازتمام منابع داخلی وخارجی کشور ایجاب میکند ۰

درزمینه روابط خارجی هریک ازاین کشورها باید در درجه اول مناسبات خود را با کشورهای سوسیالیستی در تمام جهات تحکیم بخشند زیرا کلیه کشورهای سوسیالیستی برای تشدید وابستگی اسارتاور کشورهای نوبنیاد به بازارجهانی سرمایه داری که موجب تشدید عقب ماندگی است انجام نمیگیرد بلکه هدف این کمک آنستکه با ایجاد موسسات جدید جوابگوی نیازمندیهای رشد واعتلای سطح عمومی تکنیک کشورهای جوان وتهیه کادرهای لازم وغیره استروکتور اقتصادی مستقل وهماهنگی را جایگزین استروکتور اقتصادی ناهنجار یکجانبه استعماری ونواستعماری کنند ۰

کشورهای نوبنیاد به اشکال معین ازهمکاری باکشورهای سرمایه داری رشد یافته نیز نیازمندند ولی این همکاری نباید شکل تحکم نواستعماری بخود بگیرد بلکه باید برپایه برابری حقوق وحاکمیت کامل ملل که امپریالیسم طبعا بحکم طبیعت وماهیت خود بکلی باآن مخالف است استوار باشد ۰ براندا ختن خصلت تقسیم کار جهانی سابق که برای عده ای استثمارگرانه وطفیلی گرانه وبرای دیگران اسارت اور است وسرمایه داری انحصاری ازآن پشتیبانی میکند ونیز تغییر استروکتور روابط اقتصادی خارجی که تابع منافع الیگارشی مسالی غرب است پروسه ایست دشوار ، طولانی وبسیار متضاد ۰

پیشرفت کشورهای جوان درشرایط کنونی بین المللی شدن روزافزون جهان بیش از هرزمانی همکاری نزدیک ملل " جهان سوم " را باکشورهای سوسیالیستی وباجنبش کارگری

ود موکراتیك کشورهای سرمایه داری رشد یافته ایجاب میکند ۰

بنیادگذاران تعالیمهارکسیستی ازهمان لحظه پیدایش این تعالیم وظیفه انترناسیونالیستی طبقه کارگررا در زمینه پشتیبانی ازمبارزمتمام استثمارشوندگان ومحرومان جهان جد اخاطر نشان ساخته اند ۰ پرولتاریای جهانی ازطلی " جهان سوم " پشتیبانی کرده ومیکند ۰ بدون ضرباتدیرومند پرولتاریا ی جهانی براسپریالیسم جهانی وبدون پیروزیهای بزرگ کشور های سوسیالیستی (وازآنجمله پیروزیهای نظامی آنان) ودر درجه اول اتحاد شوروی بر- اند اختن ستم استعماری واستقلال دهها کشورجوان ممکن نبود ۰

کشورهای سوسیالیستی میلیارد ها روبل کمکهای موثر بهکشورهای نواستقلال مید و ل داشته اند که درصورت استفاده کامل وصحیح ازان شرایط خارجی ودا خلی برای رشد اقتصادی این کشورها بمیزان زیادی بهبود خواهد یافت ۰ این کمك درشرایطی انجام میگیرد که بلوك اسپریالیستی بیرحم وهنوزنیرومند وجود دارد ۰ مبالغ هنگفتی که ارد وگاه سوسیالیستی مجبوراست برای دفاع خویش صرف کند آنچنان قدرت نظامی بوجود میآورد که دربرتوآن اسپریالیستها دیگر نمیتوانند مثل سابق خود سرانه درعرصه جهانی عمل کنند ۰

باینجهت تز اسپریالیستی قرارادن دوستودشمن دریك کفه (هم بهکشورهای صنعتی سوسیالیستی وهم بهکشورهای صنعتی سرمایه داری صفت مشترك " غنی " اطلاق میشود ، همکارفرمایان وهم زحمتکشان غرب هردو " بورژوا " شمرده میشوند) برای کشور های " جهان سوم " بسیارخطرناك است ۰

بااین تز نه تنهاتمایز اساسی میان سیستم های اجتماعی نفی میگردد بلکه تمایز اصولی خصلت مناسبات سیاسی و اقتصادی کشورهای کمرشد با استعمارنو اسپریالیستی وبا جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز نادیده انگاشته میشود ۰

این تز کار نفوذ اقتصادی وسیاسی عناصر نواستعمارراآسان میکند زیرااین عناصر درمیان بورژوازی صنعتی وتجاری و " بورژوازی اداری " افرادی را پیدا میکنند که آماده اند نظریات انهارا به پذیرند وبه بازی انها کمك کنند تا بتوانند امتیازاتخود راحفظ کنند وآنرا توسعه دهند ۰

هدف خرابکار یهای ایدئولوژیك اسپریالیستها درجه اول عبارتست ازمنفرد ساختن کشورهای جوان وجدا کردن انها ازمتحد نیرومند شان یعنی اتحاد شوروی وسایرکشورهای سوسیالیستی وایجاد تفرقه درجبهه جهانی ضد اسپریالیستی برای نگاهداشتن " جهان سوم " درقید تبعیت خود ۰ آنها میکوشند ازعقب ماندگی اقتصادی کشورهای کمرشد وا ز دشواریهای آنان درزمینه سازندگی زندگی نوین وازخرافاتی که درمیان برخی ازاقشار کشورهای نواستقلال باقی مانده است وآنهارا درقبال فشار ایدئولوژی بورژوائی گزند پذیر میسازد بسود خود بهره برداری کنند ۰

دورانها دوران اوج بیسابقه مبارزه طبقاتی درعرصه بین المللی است ۰ آرمان سوسیالیستی هیچگاه مثل این دوران ازچنین نفوذ ونیروی جاذبه ایکه پیوسته متحد میشود وهواداران تازه ای را بسوی خود میکشد برخوردار نبوده است ۰ باینجهت جای شگفتی نیست که چرا این دوران درعین حال دوران تعرض متقابل خونین وشدید ، محیلانه ورزیرانه

امپریالیسم علیه‌نیروهای ترقیخواه وهواداران رستاخیزملی نیزهست ۰ تمام خرابکاریهای گستاخانه‌وزورانه ایدئولوگ های امپریالیسم درزمینه‌تخریب وحدت جبهه ضد امپریالیستی باید ازهمین‌زاویه مورد بررسی قرارگیرد ۰

مجموعه این‌عوامل به عناصرترقیخواه کشورهای کمرشد بروشنی نشان‌میدهد که کوشش برای اتحاد پاید اروهرچه محکمترتمام‌نیروهای اصیل ضد امپریالیسم چقدرضرورت دارد ۰ مارکسیست ــ لنینیستهاباتوجه به اوضاع واحوال کنونی وظیفه‌خود میدانند مبارزه بـــرای تامین وحدت جنبش‌جهانی کارگری برپایه اصول مارکسیسم ــ لنینیسم بیش‌ازپیش‌تشدید کنند ۰

چرا پوند استرلینگ ارزان شد

ویکتورا یسو یوف

نیمه دوم نوامبرماه د سامبرعنوان مرحله بحرانی شد ید تمام سیستم ارزی ومالی سرمایه د اری معاصرد رتاریخ ثبت خواهد شد ۰ پس‌ازسال ۱۹۴۹ ، که تمام کشورهای سرمایه د اری باستثنا ۵ چند کشورمجبورشد ند ارزش‌پول خود را کاهش‌د هند ، این نخستین باراست‌که بحران پولی چنین حد تی بخودگرفته است ۰ این بحران تمام تضاد ها وتمام ضعف سیستم اجتماعی سرمایه د اری را آشکارساخت ۰

گرد اب حوادث هرد وارزعمد ه جهان سرمایه د اری ــ د لارامریکا وپوند استرلینگ رابه کام خود کشید ۰ انگلستان د رزیر ضربات بحران ارزی مجبورشد به کاهش‌ارزش‌پوند تن د ر د هد ۰ روز ۱۸ نوامبر ۱۹۶۷ کاهش ۱۴٫۳ %نرخ تسعیرپوند اعلام شد وهرپوند از ۸ر ۲د لار به ۴٫۲ د لار تنزل یافت ۰ امریکا عجالتاتوانسته است موازنه طلائی د لاررا که درسال ۴۳۴ برای هر ۳۵ د لاریك اونس‌معین شد ه بود حفظ کند ۰ باوجود این هم موضع بین المللی پوند استرلینگ وهم موضع بین المللی د لارواعتبارونفوذ انها سخت متزلزل شد ه است ۰ پایه هائی که پس‌ازجنگ بازحمت فراوان برای نگاهد اری سیستم ارزی ومالی سرمایه د اری معاصر بوجود امد ه شکافهای عمیق برد اشته است ۰

علل کاهش‌ارزش‌پوند

علت‌مستقیم وضع بحرانی ماه نوامبرروزاختلال شد ید تازه د ر موازنه بازرگانی وپرد اخت انگلستان است ۰ طی د ه ماه سال ۴۶۷ کسری موازنه بازرگانی به ۲۹۷ میلیون پوند استرلینگ وازجمله تنها د رماه اکتبربه ۱۰۷ میلیون پوند رسید واین امر د رکاهش‌ذ خائر د ولتی طلا وارزهای خارجی موثر واقع شد ۰

این د عوی که عوامل تصاد فی نامساعد ی نظیر بستن کانال سوئزواعتصابات کارگران بناد رانگلستان ویا ۵ د سائس ۵ د وگل موجب چنین پیش‌امد ی شد ه ود ربازرگانی خارجی ود رکشتیرانی انگلستان ود روضع پوند استرلینگ تاثیرمنفی بخشید ه هیچگونه پایه جد ی‌ند ارد۰ علل واقعی خیلی عمیقتر ازاینهااست ۰ این تصاد فی نبود ه است‌که د رطول تمام د و ران پس‌ازجنگ هر ۳ ــ ۴ سال یکبار یك بحران پوند استرلینگ جایگزین بحران د یگر وآنهم بحرانی عمیقتر شد ه است ۰

مشکلات ارزی مزمن انگلستان انعکاسی است ازبحران عمومی عمیق امپریالیسم انگلستان ضربت حساسرا د رد رجه اول اضمحلال سیستم استعماری برانگلستان وارد ساخته است ۰ تغییر تناسب قوا د ربازار جهانی سرمایه د اری نیز بسود انگلستان انجام نگرفته است ۰

تشدید رقابت برسر بازار فروش در شرایط انقلاب فنی ایجاب میکند که در استروکتور اقتصاد تغییرات سریع وارد گردد و سطح فنی و سازمانی تولید بسرعت ارتقاء یابد ۰ این امر بخصوص برای انگلستان که پراکندگی تولید و سطح بالنسبه پائین مکانیزاسیون و بازده کار و بالنتیجه سطح بالای مصارف تولید در قیاس با رقبای خارجی ، از خصائص اقتصاد آنست ضرورت مبرم دارد ۰ دشواریهای داخلی انگلستان در زمینه توسعه صادرات و شکست های صادرکنندگان انگلیسی در میدان مبارزه با رقبای کامروا تر المان غربی ، فرانسوی ، ژاپنی ، امریکائی و ایتالیائی و افزایش کسری موازنه بازرگانی از همین جا ناشی میشود ۰ سهم انگلستان در بازرگانی جهانی که در سال ۱۹۶۱ ــ ٤ر١٥ درصد بود در سال ۱۹۶۶ به ۹ر١٢ درصد تنزل کرد ۰

ولی محافل حاکمه انگلستان نتوانستند از تغییر اوضاع و احوال جهانی نتایج لازم را بگیرند ۰ نه کابینه محافظه کار نخست وزیر سابق هیث که تا سال ۱۹٦٤ برسرکار بود و نه کابینه لیبوریست ویلسون که در واقع همان سیاست اقتصادی محافظه کاران را ادامه میدهد نتوانستند معضلات اقتصادی کشور را حل کنند ۰ اقدامات آنها ناپیگیر بود و علل اساسی دشواریهای اقتصادی را بجای خود میگذاشت ۰

کابینه های انگلستان بی آنکه بتوانند برای اجرای برنامه اثربخش بسود اقتصاد انگلستان و مدرنیزه کردن دستگاه تولیدی صنایع ــ وسائل وشیوه های مناسب پیدا کنند همچنان به صرف مبالغ هنگفت برای مقاصد نظامی ادامه دادند (هزینه های نظامی انگلستان در سال های ۱۹٦۱ ــ ۱۹٦٦ به بیش از ۱۲ میلیارد پوند استرلینگ بالغ گردید) ۰ ضمنا بخش بسیار بزرگی از آن برای نگاهداری نیروهای انگلیسی و پایگاههای نظامی در خارج مصرف میشد که نه تنها بر بودجه انگلستان بلکه بر موازنه پرداخت های آن نیز فشار سنگین وارد میساخت ۰ تلاش برای بدست آوردن سود مافوق عادی ــ انحصارات انگلستان را به افزایش میزان صدور سرمایه به خارج کشور وادار است و این امر مشکل دیگری بر مشکلات موازنه پرداختها میافزود و امکان استفاده تولیدی از سرمایه ها را در درون کشور محدود میساخت ۰

دولت انگلستان طی یک دوران طولانی سعی داشت سه مشکل را حل کند بدینمعنی که میکوشید در عین حال هم افزایش پاید ار میزان تولید و مصرف و هم اشتغال کامل اهالی و هم ثبات پول را تامین کند ۰ دولت انگلستان که میخواست مواضع عمده پوند را در جهان سرمایه داری بدون توجه به تغییر شرایط ثابت نگاهدارد مجبور بود مالیاتها را افزایش دهد و در زمینه اعتبارات و مصرف محدودیت هائی ایجاد کند ۰ این امر راه هنگ پیشرفت تولید صنعتی و اشتغال تاثیر نامساعدی بخشید ۰ کوشش برای بالابردن سطح اشتغال و افزایش میزان تولید و مصرف بدون کوشش برای رفع عوامل درونی نیرومندی که موجب ناپایداری موقعیت پول کشور شده بود ناگزیر به بروز بحران جدیدی در موازنه بازرگانی و پرداخت های کشور منجر گردید ۰

خروج از این دور متسلسل علیرغم تمام تلاشها میسر نشد و حتی یکی از مشکلات پیش گفته نیز برطرف نگردید ۰ تولید در سال ۱۹٦۷ در حالت رکود بود و برخی از رشته ها با تنزل بحرانی تولید مواجه شدند ۰ تعداد بیکاران در اکتبر ۱۹٦۷ به ٦۰۰ هزار نفر رسید که برای این موقع سال حد نصاب تمام دوران پس از جنگ بود ۰ تلاش برای جلوگیری از کاهش ارزش پوند استرلینگ عقیم ماند ۰ بدینسان بار دیگر باوضوح کامل مشاهده شد که سرمایه داری انحصاری دولتی قادر

نیست مشکلات بزرگ اقتصادی واجتماعی را بطور رضایت بخش حل کند ۰

بهروازی انگلستان باین امید دل بسته است که کاهش ارزش پوند بوی کمک خواهد کرد تا میزان صادرات را افزایش دهد وواردات را محدود کند وبدینسان موازنه بازرگانی وبهره اخت هارا بهبود بخشد ۰ درواقع هم صادرکنندگان انگلیسی درنتیجه کاهش ارزش پوند امکان یافتند نرخ کالاهای خود را درحدود ۱۰٪ تنزل دهند واین امر طبعا شانس آنهارا در بازار های خارجی بالا میبرد ۰ ولی فقط آیند نشان خواهد داد که تاچه اندازه موفق خواهند شد مزایای کوتاه مدت ناشی ازکاهش ارزش پوند را حفظ کنند وبسود خود ازآن استفاده نمایند ۰ بهرتقدیر برمبارزه برای رقابت در بازارجهانی سرمایه داری حدت میبابد وبهمراه آن تضاد های میان کشورهای سرمایه داری نیزحاد ترمیشود ۰

بهای "کمک"

بحرانی که بنیاد سیستم پولی انگلستان را بلرزه انداخته باندازه ای عمیق وحاد است که دیگرخروج ازآن تنها بکمک منابع داخلی کشور میسرنیست ۰ انگلستان مجبورشد از سرمایه مالی بین المللی کمک بگیرد وازاین محل جمعا ۳ میلیارد دلاراعتبارد ریافت نماید ۰ ولی این کمک برای انگلستان گران تمام میشود ۰ دولت انگلستان مجبورشد برنامه اقدامات اقتصادی خود را درزمینه بهبود وضع پولی کشور برای بررسی به وام دهندگان که درمیان آنها نفوذ فرانسه وآلمان غربی بخصوص شدت یافته است تسلیم کند ۰ دراین برنامه اقدامات شدیدی پیش بینی شده که ازانجمله است بالابردن نرخ بهره "بانک انگلستان" ورساندن ان بمیزان ۸٪ که درطول نیمقرن اخیرسابقه نداشته است ؛ برقراری محدودیت های تازه درزمینه اعتبارات والغای مزایای مالی که سابقا بمنظورتشویق وتوسعه تولید برای صاحبان صنایع درنظرگرفته میشود ونیز کاهش سرمایه گذاریهای دولتی درزشته های ملی شده صنایع ۰

به وام دهندگان حق داده شده است وضع اقتصاد انگلستان رامرتبا وارسی کنند و اقدامات لازم وسمت سیاستی راکه انگلستان بمنظورتشخیص آنها باید درزمینه های اقتصادی ومالی وارزی اتخاذ نماید توصیه کنند ۰ سرمایه مالی بین المللی تاکنون فقط باکشورهای ضعیف وعقب مانده با این زبان صحبت میکرد ۰

واکنش زنجیری

کاهش ارزش پوند موجب کاهش ارزش پول یکسلسله ازکشورهای دیگرشد ۰ البته واکنش زنجیری اینکاهش ها این بارمثل سال ۱۹۴۹ دامنه دار نبود وعلت ان هم روشن است ۰ درسال ۱۹۴۹ تمام کشورهای سرمایه داری کاهش ارزش پول خود را شرط ضروری ترمیم وتوسعه اقتصاد ملی دردوران پس ازجنگ وتعدیل کسری موازنه پرداختی خود تلقی میکردند ۰ ولی درسال ۱۹۶۷ وضع بکلی برمنوال دیگری بود ۰ ترمیم پس ازجنگ مدتها پیش پایان یافت و دوران تثبیت نسبی اقتصاد سرمایه داری فرارسید ۰ مع الوصف بیش از ۲۰ کشورو رویهمان انها کشورهائی مانند اسپانیا ، دانمارک ، ایرلند ، زلند جدید ، ایسلند وسیلان

ازنمونه انگلستان پیروی کردند ۰ اقتصاد اکثریت این کشورها به فروش کالا در بازار انگلستان وابسته است وبهمین جهت میخواهند باکاهش ارزش پول خود مواضع خود را در بازار انگلستان حفظ کنند وحتی درصورت امکان این مواضع را بزیان کشورهائی که نرخ پول خود را تغییر نداده اند تحکیم بخشند ۰

ولی تاثیرکاهش ارزش پوند استرلینگ در پول سایرکشورها بهمین جا محدود نمیشود ۰ بحران پوند استرلینگ ارزعمده جهان سرمایه داری یعنی دلارامریکائی را زیر ضربت قرار داده است ۰واین تعجبی هم ندارد زیرا سرنوشت پوند استرلینگ ودلارکه درسیستم ارزی ـ مالی جهان سرمایه داری مواضع کلیدی را در دست دارند کاملا بیکدیگروابسته است ۰ مواضع پوند را برسبیل قیاس میتوان نخستین خط دفاعی دژعمده ارزی جهان سرمایه داری یعنی دلار نامید ۰ پیدایش رخنه دراین خط ضعف دلاررا آشکار میسازد ۰

دلار زیر ضربت

کاهش ارزش پوند استرلینگ وشایعات سخت درباره اینکه دلارناگزیربه سرنوشت پوند دچارخواهد شد گریز دامنه داری را ازجبهه دلارهمراه با تمایل تبدیل دلار به طلا موجب گردید ۰ تنها درلندن طی یك هفته ازماه نوامبر ۳۵۰ تن شمش طلا تقریبا معادل ۴۰۰ میلیون دلارخریداری شد ۰ تب عارض بازار بین المللی طلا ادامه دارد ۰ روز ۱۴ دسامبر احتکارطلا ضربت دیگری بربورس لندن وارد آورد ۰ دراین روز بطوری که تخمین زده شد نزدیك به ۱۲۰ تن طلا فروش رفت ۰

باید گفت که دارندگان دلاردلائل کافی دارند برای انکه ثبات دلاررا باتردید تلقی کنند ۰ دلار امریکا نیزمدتهاست بهمان بیماری پوند انگلیسی مبتلااست ۰

عاملی که بهثبات موازنه پرداختهای امریکا لطمه وارد میسازد دردرجه اول هزینه های هنگفت پایگاههای امریکائی درخارجه وبویژه هزینه روزافزون جنگ کثیف امریکاعلیه ویتنام است ۰ هزینه های ۸۰ میلیارد دلاری برای مقاصد نظامی هم اکنون بیش ازنیمی ازمجموع بودجه دولتی امریکارا می بلعد ۰

درنتیجه این امرموازنه پرداختی امریکا سال بسال کسری بیشتری میاورد وذخائر طلا بسرعت کاهش می پذیرد ۰ درسال ۱۹۵۷ ذخائر طلای امریکا ۲۲٫۹ میلیارد لاربود ؛ ولی حالابه ۱۲٫۴ میلیارد دلاررسیده است واین نازل ترین سطح ذخیره طلای امریکادرطول سی سال اخیراست ۰

خصوصیات بیماری دلارعلی الاصول همان خصوصیات بیماری پوند استرلینگ است ۰ ناتوانی وعدم تمایل به تشخیص وتصدیق تغییرات وارد درتناسب قوای جهانی وتلاش برای بازی کردن نقش ژاندارم جهانی برای ثروتمند ترین کشورجهان سرمایه داری گران تمام میشود۰ بیش ازپیش اشکار میشود که سیاست تجاوزکارانه امریکا باامکانات اقتصادی کشورهماهنگی ندارد ۰

آیا دلار قادر به حفظ ارزش خود هست

دلار عجالتاً هنوز توانسته است حملات علیه خود را دفع کند ۰ دولت بکمك بانکداران بین المللی که در سال ۱۹۶۱ برای تثبیت نرخ طلا در بازار، اتحادیه موسوم به "دیك طلا" (۱) را تشکیل دادند اگرچه بازحمت ولی بهرحال توانسته است در مقابل سرا سیمه‌ی بازار طلا مقاومت کند ۰ موازنه طلائی دلار هنوز بدون تغییر مانده است ۰ ولی حدت بحران پولی هنوز برطرف نگردیده زیرا مشکلات اساسی پول بهیچوجه حل نشده است ۰

کاملا روشن شده است که سیستم مالی ــ ارزی جهان سرمایه داری که در پرد اختتهای بین المللی " ارزهای احتیاط " یعنی دلار و پوند استرلینگ را جایگزین طلا میکند فقط در لحظاتی میتواند کم وبیش استوار بماند که بازرگانی جهانی ومحاسبات بین المللی جریان آرام داشته باشد ۰ ولی همینکه کار این ماشین مختل میشود عیوب ذاتی سیستم نمود ار میگردد ۰ تلاش همگانی برای بدست آوردن طلا در چنین لحظاتی بنحو بقچ نشان میدهد که " ارزهای احتیاط " اهمیت مستقل ندارند ونمیتوانند وظائف پول جهانی تمام عیاری راکه فقط طلا ازعهده آن برمیآید انجام دهند ۰

تجربه فراوانی که ازبحرانهای ارزی دوران پس ازجنگ بدست آمده است نشان میدهد که همینکه موازنه بازرگانی وپرد اختتهای کشورهای عمده سرمایه داری برای مدتکوتاهی مختل میشود وبا مشکلات سیاسی یا حتی عوامل کم اهمیت تری پدید میآید پوند استرلینگ ودلار وبه دنبال آنها تمام سیستم مالی ــ ارزی جهان سرمایه داری مجددا بنحوخطرناکی متزلزل میگردد ۰

هم اکنون دلار فقط باپشتیبانی مالی کشورهای دیگر میتواند نقش ارز احتیاط را بازی کند این کشورها در درجه اول کشورهای عضو " بازار مشترك " هستند که توانسته اند ذخائر بزرگی ازطلا وارزهای خارجی تلمبار کنند ۰ کمك عمده این کشورها به دلار اینستکه دلارهای موجود در بانکهای مرکزی خود را به طلا تبدیل نمیکنند ۰ میزان کل دارائی دلار وارد در حساب بانکهای مرکزی کشورهای سرمایه داری اکنون به ۱۳ ــ ۱۴ میلیارد دلار بالغ میگردد ۰ واین مبلغ خیلی بیش ازکل ذخیره طلای امریکا است ۰ اگر بانکهای خارجی حتی فقط مبادله نیمی ازاین مبلغ را ازخزانه داری امریکا که موظف است بدون ایجاد هیچ مانعی دلار را باطلا مبادله کند مطالبه نمایند سیستم پولی امریکا دچار ورشکستگی خواهد شد ۰ ولی کشورهای دارنده ذخائر دلار در تبدیل دلار به طلا شتابی ندارند واین عمل آنها هم البته ازانگیزه های نیکخواهانه ناشی نمیشود بلکه میترسند که ورشکستگی دلار به بروزهرج ومرج در اقتصاد سرمایه داری وتشدید فوق العاده تضاد های سرمایه داری وتضعیف جهان سرمایه داری منجرگردد ۰ پس می بینیم که مکانیسم ارزی جهان سرمایه داری تا حدود معینی برهمبستگی کشورهای عمده سرمایه داری مبتنی است ۰

---

(۱) ــ اتحادیه " دیك طلا " ــ (واژه انگلیسی " pool " بمعنای " دیگ عمومی " است) ۰ این قبیل اتحادیه ها را در کشورهای امریکا وانگلستان سرمایه داران انحصارگر تشکیل میدهند ۰ سود هریك ازاعضاء اتحادیه به صندوق عمومی ریخته میشود وسپس به نسبتی که ازپیش معین شده میان اعضاء تقسیم میگردد ۰ (توضیح مترجم)

مع‌الوصف وجود این منافع مشترك بمعنای آن نیست که وضع موجود الی الابد حفظ خواهد شد ۰ در جهان سرمایه داری هرکس در درجه اول بفکر خویش است ۰ مشکل بتوان گفت که اگر وضع دلار فلاکتبار شود طرفهای معامله امریکا بدون توجه به خسارات خود در مقام نجات آن برخواهند آمد ۰ وانگهی هم اکنون نیز کشوری نظیر فرانسه علیه سرکردگی دلار در عرصه روابط ارزی جهانی قیام کرده وعملا خود را از شرکت در فعالیت اتحادیه "دیگ طلا" کنار کشیده است ۰

جهان سرمایه داری در برابر انتخاب دشوار یکی از دو راه قرار گرفته است : یا باید طلا را بکلی از پیرداخت های بین المللی خارج کند که در چنین صورتی تزلزل مجموعه سیستم مالی ـ ارزی سرمایه داری به نهایت شدت خواهد رسید ویا مجبور است نقش طلا را بالا ببرد ۰ ولی برای اینکار باید میزان طلا را در دلار که تاکنون بطور مصنوعی برای هر ۳۵ دلار همان یك انس حفظ شده است بالا ببرد وبعبارت دیگر ارزش دلار را کاهش دهد واینکار هم ناگزیر ارزش سایر ارزهای سرمایه داری را پائین خواهد آورد وتورم را تشدید خواهد کرد ۰

مبارزه حادی که برسر انتخاب یکی از این دو راه درگرفته است تضاد های عمیق میان گروههای مختلف کشورهای سرمایه داری را منعکس میسازد ۰ اینده نشان خواهد داد که آیا سرمایه بین المللی میتواند از بن بست ارزی عمیق که اکنون بدان دچار شده است خارج گردد یا نه ؟

کاهش ارزش پول و طبقه کارگر

محافل حاکمه کشورهای سرمایه داری هر طریقه واسلوبی را برای رفع بحران پولی خود اختراع کنند یك مطلب روشن است وآن اینکه طبقه کارگر وتمام زحمتکشان کشورهای سرمایه داری باید هشیار باشند ۰ تجربه نشان میدهد که تمام آزمایشهای پولی دولتهای سرمایه داری برای قشرهای وسیع مردم گران تمام میشود ۰ کاهش ارزش پوند استرلینگ این نکته را بخوبی روشن ساخته است ۰

در نتیجه کاهش ارزش پوند قیمت کالاهای وارداتی در داخل کشور باید افزایش یابد ۰ طبق تخمین "انستیتوی ملی پژوهشهای اقتصادی واجتماعی بریتانیا" میزان این افزایش در اواسط سال ۱۹۶۸ به ۱۳٫۵ ٪ خواهد رسید ودر درجه اول دامنگیر اجناس خوار بار خواهد شد که انگلستان بمقادیر زیاد از خارج وارد میکند ۰ از آنجمله است : نان ، گوشت ، پنیر کره ، چای ، قهوه ، انواع کنسرو وتخم مرغ ۰ افزایش قیمت مواد خام وارداتی (نظیر پشم ، پنبه ، الیاف رنگین ، نفت وغیره) بنوبه خود قیمت کالاهای صنعتی پرمصرفی را که در خود انگلستان تولید میشود بالا خواهد برد ۰ مجموعه این عوامل همراه با اقدامات دیگر دولت نمیتواند جز به تشدید اعتصابات کارگران" راجع "وتعطیل موسسات غیرسود آور ... انجامیکبد ضربه سنگینی به وضع مادی زحمتکشان انگلیسی وارد خواهد ساخت ۰ بدینسان در اینجا نیز مردم باید جز سیاست امپریالیستی محافل حاکمه را بکشند وتمام بیمد التی های اجتماعی سیستم سرمایه داری را متحمل گردند ۰ ناگفته نماند که عواقب اجتماعی وخیم کاهش ارزش پوند را خود

کابینه لیبوریست هم پیش‌بینی کرده بود ° کالاگن وزیر ارائی وقت در ٢٤ ژوئیه سال ١٩٦٧ گفت : " کسانی که ازفکرکاهش ارزش پوند دفاع‌میکنند عملا خواستارانند که سطح دستمزد واقعی تمام طبقه کارگر پائین‌بیاید " °

زحمتکشان سایرکشورهای سرمایه داری نیزکه ظاهرا کاهش ارزش پوند مستقیما بانهـا ربطی ندارد عواقب حدت بحران پولی را احساس‌میکنند ° قشرهای وسیع مردم امریکا با تشویش در انتظارنتایج مذاکرات کنگره درباره پیشنهادهای جانسون درزمینه افزایش مالیاتها هستند° مالیاتهارا برای تامین هزینه های نظامی وجلوگیری ازتورم وحفظ ثبات موازنه ارزی کشـور افزایش‌میدهند ° محافل انحصارگرکشورهای اروپای غربی بااستناد به ضرورت افزایش استعداد رقابتی کالاهای خود خواستار دستبرد به سطح زندگی زحمتکشان ودستاوردهای اجتماعـی انهاهستند °

بدینسان درنتیجه کاهش ارزش پول کشورهای مختلف وتشنجات عمومی سیستم مالی ـ ارزی جهان سرمایه داری دستاوردهای مبارزات طبقاتی سرسخت پرولتاریا درراه افزایـش دستمزد واقعی بخطرافتاده است °درماهیت امر جریان تجدید تقسیم درآمد ملی بمـود سرمایه انحصاری انجامیگیرد ° طبیعی استکه بورژوازی انگلستان (وهر بورژوازی دیگری) میتوانستند وسائل لازم برای مدرنیزه کردن اقتصاد ملی وافزایش‌قدرت رقابت وپرداخت انرا ازطریق کاهش‌هزینه های نظامی واقدامات مترقی دیگری که کنگره سپتامبرترد ونیون هائیـز بخصوص‌خواستاران بود ـ تامین کند ° ولی طبقه حاکمه دست برد به جیب زحمتکشان را براقدامات دیگرترجیح میدهد °

کنگره سی ام حزب کمونیست انگلستان نظربخش‌پیشروطبقه‌کارگر را درباره کاهش‌ارزش پوند بیان داشت ودرقطعنامه فوق العاده خود درباره کاهش‌ارزش‌پوند خواستار شد که‌سیاست دولت‌مرد ودشمنده شود وبرای بهبود اقتصاد تدابیر موثر اتخاذ گردد °

سی امین کنگره حزب کمونیست انگلستان

گوردون مک لنان (عضو کمیته سیاسی کمیته اجرائی حزب کمونیست انگلستان)
(ومسئول کل تشکیلات حزب)

از ۲۵ تا ۲۸ نوامبر سال ۱۹۶۷ سی امین کنگره حزب کمونیست انگلستان در لندن برگزار شد . کمیته اجرائی حزب در جریان تدارک کنگره ، درباره مراسم برگزاری ودستورکار کنگره دو تصمیم مهم اتخاذ کرد . بمنظور تغییر شیوه ایکه در بیشتر کنگره های گذشته بکار میرفت وبطابق آن فقط یک گزارش سیاسی اصلی برای بحث بکنگره برده میشد ، تصمیم گرفته شد که کمیته اجرائی درباره مسائل مختلف پنج قطعنامه مطرح نماید وهریک ازاین قطعنامه ها جداگانه به بحث ورای گیری گذاشته شود .

بنابر تصمیم دوم ، میبایست در سی امین کنگره بررسی مجددی از برنامه حزب بعمل آید زیرا پس از آخرین تجدید نظری که در کنگره سال ۱۹۵۷ در برنامه حزب ("راه انگلستان به سوی سوسیالیسم") بعمل آمد ، در اوضاع سیاسی کشور ودر اوضاع بین المللی تغییرات بزرگ حاصل شده بود . بدینمناسبت در پایان سال ۱۹۶۶ کمیسیون برنامه با شرکت ۱۷ نفر از اعضاء کمیته اجرائی بریاست جان گولن دبیرکل حزب تشکیل گردید . ضمنا به تمام سازمان های حزبی توصیه شد که ملاحظات وپیشنهاد هائی راکه بعقیده آنها میبایست هنگام تجدید نظر در برنامه حزب مورد توجه قرارگیرد ، باین کمیسیون ارسال دارند . این کمیسیون در ماه مه سال ۱۹۶۷ طرح برنامه حزب را به کمیته اجرائی تقدیم کرد . این طرح سپس برای بحث واصلاح وتکمیل به تمام حوزه های حزبی ارسال گردید .

کمیته اجرائی همچنین برای کار کنگره ترتیب زیررا تصویب کرد : بحث درباره هر یک از پنج قطعنامه وبرنامه حزب را یکی از اعضاء کمیته اجرائی افتتاح میکند ویکی دیگر از اعضاء کمیته اجرائی نتایج بحث را درباره مسئله مربوطه ترازبندی مینماید . سایر اعضاء کمیته اجرائی میبایست ریاست جلسات وکمیسیون های کنگره را بعهده بگیرند ویا در جریان بحث صحبت کنند ووظائف مسئولیت دار دیگری را انجام دهند وبدینمنظور میتوان گفت که هر ۴۲ عضو کمیته اجرائی سابق در برگزاری کنگره شرکت فعال داشتند . این مطلب درباره سازمان های حزبی سراسر کشور وهمچنین درباره ۴۲۴ نماینده ای که این سازمانها به کنگره گسیل داشته بودند صادق است . تا نشایش کنگره ۶۶۷ پیشنهاد اصلاحی وتکمیلی درباره قطعنامه های کمیته اجرائی و ۶۸۹ پیشنهاد اصلاحی وتکمیلی درباره برنامه حزب ازطرف حوزه ها وکمیته های حزبی ونیز ۱۳۰ قطعنامه ازطرف سازمانهای محلی برای بررسی در کنگره ارسال شد . در کنگره بتمام این پیشنهادها وقطعنامه ها توجه کافی معطوف گردید واین حاکی ازکار جدی وفعال نمایندگان ومسئولین برگزاری کنگره بود .

بحث درباره قطعنامه ها وبرنامه حزب بطور فعال وبدون هرگونه قید والزام انجام گرفت . در کنگره جز اعضاء کمیته اجرائی ۱۰۵ نماینده سخنرانی کردند .

در برخی ازقطعنامه ها وپیشنهاد های اصلاحی باموضعگیری کمیته اجرائی در موارد مختلف فعالیت وسیاست حزب مخالفت شده بود ° ولی در تمام موارد نظریات مخالف با شکست جدی روبرو شد وتمام نمایندگان کنگره (جزگروه کاملا ناچیز) ازطرح قطعنامه ها وطرح برنامه حزب که ازطرف کمیته اجرائی پیشنهاد شده بود ، پس ازاصلاحات وارده ، پشتیبانی کردند °

بحران در انگلستان کنگره حزب زمانی تشکیل شد که بحران عمیق امپریالیسم انگلستان بشکل حاد واشکار بروزکرده بود ° یك هفته پیش ازتشکیل کنگره کاهش ارزش لیره استرلینگ ویك سلسله اقدامات ضد تورمی که هدف شپاشین آوردن سطح زندگی مردم بود ، ورشکستگی سیاست اقتصادی حکومت لیبوریست های راست را نشان داد °

کنگره در اغاز کارخود قطعنامه فوق العاده ای درباره کاهش ارزش لیره استرلینگ صادر نمود ودران تمام جنبش کارگری کشوررا به مخالفت باسیاست دولت که قادر به قطع ریشه های بحران اقتصادی انگلستان نیست ،فراخواند ° دراین قطعنامه مشی ضد انحصاری حزب که درصورت تحقق ان بحران به سود مردم برطرف میگردد ، تعیین شده است °

باآنکه پیدایش این حوادث جدید در حیات اقتصادی کشور افکارنمایندگان کنگره را بخود مشغول میداشت ، انها درهمان آغازکارکنگره باطرح قطعنامه فوق العاده درباره جنگ امریکا در ویتنام موافقت کردند ° قرارهای اخیرکنگره کنفدراسیون کار بریتانیاوکنفرانس حزب لیبوریست که درانها تغییرات جدی در سیاست کنونی انگلستان طلب شده است به جنبشی که برای محکوم ساختن تجاوزامریکا بهویتنام برپاشده وهدفش جدا ساختن انگلستان ازسیاست واقدامات امریکاست نیروی تازه ای بخشید ° کنگره حزب کمونیست انگلستان در قطعنامه فوق العاده خود دولت انگلستان را به علت تخلف ازاین قرارها محکوم ساخت ، و شهامت ودلاوری مردم ویتنام را ستود وپشتیبانی کامل کمونیست های انگلستان را ازمبارزه مردم ویتنام اعلام داشت ° دراین قطعنامه ازدولت انگلستان طلب میشود :

- ازجنگ امریکا در ویتنام دوری جوید ،
- قطع بید رنگ وبلاقید وشرط بمباران ویتنام شمالی را بخواهد ،
- خروج نیروهای نظامی امریکا ومتحدین ان ، اجرای موافقتنامه ژنو ، حق مردم ویتنام برای حل وفصل امورخود بدون دخالت ازخارج ونیزاستقرارصلح را درجنوب ویتنام براساس برنامه جبهه ازادیبخش ملی که نماینده واقعی مردم ویتنام جنوبی است ، خواستار شود °

هنگام کارکنگره هیئتی مرکب ازچهارنفر ازنمایندگان کنگره این قطعنامه راهمراه بانامه جان گولن ، دبیرکل حزب به مقرنخست وزیری برد ° دراین نامه ازویلسون طلب میشود که برای اجرای مفاد قطعنامه اقدامات فوری بعمل آورد °

همبستگی انترناسیونالیستی سخنرانیهای نمایندگان کنگره درباره اوضاع ویتنام واقداماتی که باید درانگلستان برای قطع تجاوز

امریکا بعمل آید ؛ نمود اری ازهمبستگی پرشور انترناسیونالیستی کمونیستهای انگلستان بود. این احساسات بهنگام طرح یکسلسله مسائل دیگر نیز در کنگره منعکس شد . ازانجمله است تصویب قطعنامه فوق العاده درباره قبرس که باتفاق آرا " انجام گرفت . کنگره در این قطعنامه اعلام داشت که " وضع خطرناك کنونی نتیجه طبیعی قرارداد لندن ـ زوریخ میباشد که امپریالیستهای انگلستان وامریکا بیاری دست نشاندگان خود بمنظور تبدیل قبرس به پایگاه ناتو بر مردم قبرس تحمیل کرده اند . کنگره ازمبارزه دولت قبرس ، حزب زحمتکشان قبرس و مردم قبرس برای برکنار داشتن جزیره خود ازپیمانهای نظامی و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خویش وتبدیل قبرس به کانون صلح در خاورنزدیك پشتیبانی کامل مینماید " .

پیامی که بمردم زیمبابوا وافریقای جنوبی ارسال گردید ، نمایشگر دیگری ازاین همبستگی بود . در این پیام گفته میشود : " ما به رهبران شما که بسیاری ازانان در زندان ها وتبعیدگاهها بسر میبرند ، تهنیت میگوئیم . ما به قهرمانان شما که سلاح بدست در راه آزادی مبارزه میکنند ، تهنیت میگوئیم . ما اهالی شهرها وروستاها ، کارگران معادن وروستائیان شما را که در کشورهای افریقای جنوبی به نبرد بزرگ علیه نژاد پرستی وستمگری برخاسته اند ، تهنیت میگوئیم .... ما گردآمدگان در این کنگره ازمردم انگلستان دعوت میکنیم که مانورهای ناشایست دولت انگلستان را تقبیح کنند وآزادی نلسون ماندل ، آبراهام فیشر ، جوشوا نکومو وهزاران زندانی دیگررا خواستار شوند وازکار سترك شما پشتیبانی فعال نمایند " .

پذیرائی گرم ورفیقانه ازنمایندگان ۱۸ حزب برادر ونیز استقبال پرشور ازپیامهای احزابی که نتوانسته بودند نمایندگان خودرا بکنگره اعزام دارند ، انعکاس دیگری ازاین همبستگی بود .

رفیق فرنك استنلی ، صدر کنگره هنگام سپاسگزاری ازنمایندگان احزاب برادر بمناسبت سخنرانیهای جالبشان اضافه نمود که : " در تمام طول تاریخ جامعه بشری جنبش واقعا جهانگیری نظیر جنبش جهانی کمونیستی ما وجود نداشته است ومفتخریم که باین جنبش تعلق داریم " . این سخنان رفیق استنلی درواقع زبان حال تمام نمایندگان کنگره بود . کنگره در عین حال در راستاد خود ازوضع جنبش جهانی کمونیستی اظهارنگرانی فوق العاده نمود . در قطعنامه ایکه بدینمناسبت صادر شد ، گفته میشود : " اعمال خرابکارانه مائوتسه ـ دون وپیروانش برای جنبش جهانی کمونیستی وبرای تمام کسانیکه علیه امپریالیسم مبارزه میکنند ، دشواری های جدی بوجود آورده است " . درقطعنامه سپس خاطرنشان میگردد که کنگره ازاعلامیه مشترك ۱۸ سپتامبر سال ۱۹۶۷ هیئت های نمایندگی حزب کمونیست انگلستان وحزب کمونیست اتحاد شوروی پشتیبانی مینماید . در اعلامیه مشترك گفته شده است که اعمال گروه مائوتسه ـ دون درچین باید بمثابه اعمالی که با اصول کمونیسم مغایرت کامل دارد ، تقبیح گردد .

کنگره ابتکار ۱۸ حزب کمونیست ، ازآنجمله حزب کمونیست انگلستان را برای برگزاری جلسه مشورتی درفوریه سال ۱۹۶۸ بمنظور تدارك جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری با شور فراوان تهنیت گفت .

بدینسان کنگره باوضوح تمام اعلام داشت که کمونیست های انگلستان عزم راسخ دارند برای احیاء وتحکیم وحدت کامل جنبش جهانی کمونیستی مبارزه کنند وبه سنن انترناسیونالیستی دیرین خود ادامه دهند .

سیاست درآمدها و فقر

بحث درباره سیاست دولت در زمینه قیمت‌ها و درآمدها اولین بحث اساسی در کنگره بود. یکی از پنج قطعنامه‌ای که از طرف کمیته اجرائی حزب در کنگره مطرح شد باین سیاست دولت تخصیص داده شده بود.

دولت لیبوریست‌ها مانند سلف محافظه کار خود میکوشد استروکتور اقتصاد سرمایه داری انگلستان را با فشار بر مردم حفظ کند. رکود اقتصادی، بیکاری روزافزون و پائین آمدن سطح زندگی اکثریت زحمتکشان کشورما ـ همگی از عوارض "انجماد" اجباری دستمزدها است. حزب کمونیست انگلستان از همان آغاز علیه این سیاست مبارزه جدی پرداخت. واکنون اکثریت کارگران متشکل کشور نیز علیه این سیاست مبارزه برخاسته اند. در ماههای اخیر مبارزه فعال علیه عوارض سیاست درآمدها در بسیاری از رشته های صنعتی انگلستان تشدید شده است. لیدرهای جناح راست حزب لیبوریست که از این امر نگران شده اند، میکوشند با توسل به اتهامات ضد کمونیستی و با ترساندن زحمتکشان از لولوی سرخ به وحدت کارگران و مبارزه قطعی آنان خلل وارد سازند. مباحثات کنگره باوضوح تمام نشان داد که کمونیستها ضمن انکار این اتهامات بشرکت موثر خود در این مبارزات معترفند. و از اینکه این مبارزه آنان را باعده کثیری از کارگران غیرکمونیست و از جمله کارگران عضو حزب لیبوریست پیوند میدهد، برخود میبالند.

در قطعنامه کنگره خاطرنشان شده است که کمونیستها در آینده نیز برای بسیج جنبش کارگری کشور و گسترش هرچه بیشتر دامنه مبارزه بخاطر افزایش دستمزد، اشتغال کامل، کنترل قیمتها، تحدید سود و تحکیم سازمان های کارگری با تمام نیرو اقدام خواهند کرد.

تمام این مسائل با مسئله حاد دیگر یعنی با مسئله فقر و ریشه های آن در کشور رابطه نزدیک دارد. یکی از قطعنامه های کنگره که درباره ان بحث انجام گرفت بهمین مسئله تخصیص داده شده بود.

علیرغم تمام ادعاهای دولتهائی که یکی پس از دیگری بر سر کار میآیند و انگلستان را بمثابه "جامعه وفور نعمت" معرفی میکنند، شکاف میان افراد ثروتمند و فقیر بیش از هر زمان عمیق شده است. در قطعنامه کنگره خاطرنشان میشود که در سال ۱۹۶۶ "نیم میلیون خانواده با ۱ ۲۵۰ ۰۰۰ فرزند خود دارای درآمدی کمتر از حد اقل ضرور برای تامین زندگی بوده اند" و "سالخوردگان و بیماران مزمن و بیکاران و خانواده های کم درآمد و کثیر الاولاد یکه فرزند انشان هنوز به سن کار نرسیده اند ـ از جمله یک هفتم اهالی انگلستان هستند که در فقر و فاقه بسر میبرند".

هنگامیکه نمایندگان کنگره از تجربیات مبارزه خود در راه حفظ منافع حیاتی مردان و زنان و کودکانی که از بیعدالتی و جنبه های غیرانسانی نظام سرمایه داری رنج بیشتر میبرند، سخن میراندند، این ارقام جاندارتر میشد. کنگره اعلام داشت که "برای نجات بخش بزرگی از خلق ما از کابوس فقر و عدم اطمینان به آینده باید در توزیع منابع کشور تجدید نظر اساسی بعمل آید. این خواستها فقط خواستهائی است که اصول ابتدائی عدالت اقتضاد دارد. مبارزه ما برای انجام این خواستها جزئی از مبارزه ما در راه نظام اجتماعی عادلانه تر یعنی مبارزه در راه سوسیالیسم است که برای همیشه به فقر پایان خواهد بخشید".

معضلات بین المللی

وضع بحرانی اقتصاد انگلستان تا درجه زیاد معلول آنست که دولت لیبوریست از امپریالیسم بریتانیا و امریکا پشتیبانی مینماید ۰

این سیاست امپریالیستی مستلزم نگهداری واحدهای زیادی از نیروهای نظامی انگلستان در خارج از کشور و صرف هزینه های عظیم نظامی است۰ این سیاست وضع موازنه پرداختهای کشورمارا وخیم ترمیکند ومانع بسط دوستی وتوسعه بازرگانی باکشورهای سوسیالیستی ومستعمرات سابق میگردد ۰

بدینجهت قطعنامه‌مهمی که تحت عنوان " نقش بریتانیا در امور بین المللی " در کنگره مطرح شد نه فقط موضع حزب مارا درباره اهم مسائل سیاست جهانی تشریح میکرد ، بلکه بابحث هائی هم که در اطراف سیاست درآمد ها ومسئله فقر در انگلستان پیش آمد ، پیوند ناگسستنی داشت ۰

در پیشگفتار این قطعنامه اوضاع بین المللی ووظائف مردم انگلستان که میخواهند از نفوذ واعتبار کشورما برای حفظ صلح استفاده شود تشریح گردیده است ۰ در این پیشگفتار خاطرنشان میشود که : " در سراسر جهان میان نیروهای تجاوزکار وجنگ طلب ونیروهای هواد ارصلح واستقلال ملی ودموکراسی وپیشرفت اجتماعی نبردی شدید در جریان است ۰ دول امپریالیستی بسرکردگی ایالات متحده برای دفاع از منافع انحصارگران وحفظ منافع استراتژیك خود مداخله خود را در امور سایرکشورها توسعه‌میدهند ، ازطریق کودتاهای نظامی دولتهارا سرنگون میسازند ، دموکراسی را خفه‌میکنند ومیکوشند مناطقی راکه مستقیما بوسیله انها اشغال نشده است ، تحت نفوذ خود درآورند ومبارزه خلق هارا در راه آزادی ملی عقیم گذارند وجامعه بشری را به گرداب جنگ جهانی سوم سوق دهند ۰ در چنین شرایطی موضعگیری انگلستان اهمیت خاص کسب میکند ۰ دولت لیبوریست بجای آنکه ازنفوذ انگلستان به نفع ترقی وپیشرفت استفاده کند ، در راه تخفیف وخامت اوضاع جهان ودفاع از صلح بکوشد وازد موکراسی واستقلال ملی پشتیبانی نماید ، ازهمان خط مشی اسلاف محافظه کارخود پیروی میکند " ۰

کنگره به نهضت های توده ای انگلستان که‌میخواهند دولت ازاتحاد باایالات متحده دست بکشد وازاهداف های امپریالیستی چشم بپوشد ، تهنیت گفت ۰ شعاری‌که در سال ۱۹۴۷ ازطرف کنفرانس حزب لیبوریست وکنگره کنفدراسیون کار بریتانیا مطرح شد وخواستار روی جستن انگلستان ازجنگ امریکا در ویتنام است ، یکی ازمظاهر توسعه روزافزون نهضت در انگلستان میباشد ۰ در عین حال کنگره حزب کمونیست باین‌نتیجه رسید که برای انکه بتوان در امور بین المللی ازسیاست امپریالیستی کنونی امتناع ورزید وسیاست نوینی را جانشین ان ساخت ، کوشش متحد و جدی نیروها ضروری است ۰ سیاست نوین باید نکات‌زیررا دربرگیرد :

- پایان دادن به پشتیبانی انگلستان ازتجاوزامریکا در ویتنام ؛
- خروج انگلستان ازناتو ؛
- پشتیبانی انگلستان ازتمام اقداماتی که بمنظور خلع سلاح عمومی وکامل انجام میگیرد ؛

ـ اعطای استقلال بتمام مناطقی که هنوز بوسیله انگلستان اداره میشوند ؛
ـ مخالفت با ورود انگلستان به " بازار مشترک " ؛
ـ دستکشیدن از سیاست " ازخاور سوئز بآنطرف " وخودداری از حمایت از دولت های ارتجاعی در خاورنزدیک ؛
ـ عقد قرارداد دوستی با اتحاد شوروی ؛
ـ احیاء مقام قانونی جمهوری توده ای چین در شورای امنیت ، مجمع عمومی و سایر ارگانهای سازمان ملل متحد .

این خواستها همراه با بسیاری خواستهای دیگر در سند جامعی راجع به سیاست حزب در زمینه مسائل بین المللی که برای تصویب به کنگره تقدیم شد ، تصریح گردیده است .

موضعگیری نمایندگان کنگره در برابر قطعنامه یکی از واحدهای حزبی درباره اوضاع خاورنزدیک از نکات اساسی بحث درباره مسائل بین المللی بود . در این قطعنامه با خط مشی حزبکه تجاوزات رژیم اسرائیل را تقبیح میکند واز مواضع جنبش آزادیبخش اعراب پشتیبانی مینماید ، مخالفت شده بود . شایان توجه است که پس از بحث در اینمورد فقط سه نفر از نمایندگان از این قطعنامه پشتیبانی کردند وعلیه موضعگیری کمیته اجرائی واقدامات آن در دوران حوادث خاورنزدیک رای دادند .

وحدت نیروهای چپ قطعنامه " وحدت نیروهای چپ در مبارزه بخاطر سیاست نوین " سند مهم دیگری بود که در کنگره بررسی شد .

این قطعنامه وضع سیاسی موجود کشور را ارزیابی میکند ووظیفه نیروهای چپ را بدین نحو معین مینماید : " باید کوشید تا نارضائی از دولت ومخالفت با آن رنگ پشتیبانی از سیاست دموکراتیک وضد امپریالیستی بخود بگیرد " .

مرحله نوین در تکامل اوضاع سیاسی انگلستان امکاناتی برای تغییر سیاست کشور به وجود آورده است . ولی فقط بشرطی میتوان از این امکانات استفاده کرد که دامنه مبارزات متحد بسط یابد وسوسیالیست ها وکمونیست ها وتمام نیروهای ترقیخواه وحدت خود را بپایه یک سیاست نوین در برابر سیاست لیبوریست های راست تحکیم بخشند .

در قطعنامه کنگره گفته میشود : " در مسائل سیاسی میتوان به توافق رسید . با گذشت زمان درباره چگونگی سیاستی که باید جایگزین سیاست دولت گردد ، توافق هرچه بیشتری مشاهده میشود . اصول اساسی این سیاست چنین است :

ـ افزایش دستمزدها بمثابه جزئی از سیاست رشد اقتصادی ، امتناع از سیاست درآمدها ، بسط دامنه ملی کردن وتوسعه اقدامات علیه انحصارگران ؛
ـ خودداری از هرگونه پشتیبانی از ورود انگلستان به " بازار مشترک " ؛
ـ مخالفت با سیاست امریکا در ویتنام ، امتناع از استراتژی انگلستان در مورد سلاح هسته ای وسیاست " ازخاور سوئز بآنطرف " ، پایان دادن به تسلط سفید پوستان در رودزیا ، کاهش ۵۰٪ از هزینه های نظامی ؛
ـ بسط دامنه اقدامات اجتماعی وخودداری از اجرای پیشنهاد مربوط به وارسی حدود

نیازمند بپردازد.

کنگره باین نتیجه رسید که در زمان حاضر برای انجام تحولات سیاسی و اقتصادی، نهضت توده ای نیرومندتری ضرورت دارد. بدینجهت وحدت روزافزون کنونی را باید تا سطح عالیتری ارتقا داد و دامنه مبارزات فعلی را توسعه بخشید و برای اقدامات تازه در زمینه مسائلی که درباره آنها توافق نظر وجود دارد، شرایط لازم را فراهم ساخت.

کنگره اعلام داشت که حزب کمونیست برای ایجاد وحدت نظر درباره مطالبی که نیروهای چپ مطرح مینمایند، از بذل مساعی دریغ نخواهد ورزید و از سایر نیروهای چپ دعوت بعمل آورد تا ضمن همکاری با حزب کمونیست در زمینه مسائلی که مردم با آن روبرو هستند برای پایان دادن به آنتی کمونیسم در جنبش کارگری نیز که جناح راست بمنظور ایجاد تفرقه وتضعیف نیروهای چپ به آن متوسل میشود، تدبیری بیاندیشند.

در قطعنامه کنگره گفته میشود که به تحولات سیاسی و اقتصادی لازم برای انگلستان فقط درصورتی میتوان تحقق بخشید که "تغییر تناسب نیروها در جنبش کارگری به تحکیم نیروهای چپ وتضعیف جناح راست این جنبش منجر گردد".

برای انجام تبلیغات سیاسی وبمنظور مبارزه ایدئولوژیک بسود سوسیالیسم وسیاست سوسیالیستی وجود یک روزنامه کاملا ضروری است. روزنامه "مورنینگ استار" چنین روزنامه ایست واز زمان انتشار خود در آوریل ۱۹۶۶ به صدن پراوج سلف خود "دیلی ورکر" وفادار بوده است. در شرایطی که کنترل انحصارگران بر مطبوعات روزبروز افزایش میابد، انتشار یک روزنامه کارگری مستقل در انگلستان کوششهای فراوانی را در زمینه های سیاسی ومالی ایجاب میکند. اینواقعیت که تیراژ "مورنینگ استار" از تیراژ "دیلی ورکر" تجاوز نکرده است، موجب نگرانی نمایندگان کنگره شد. درعین حال نمایندگان کنگره از پیشنهاد مطروحه در قطعنامه درباره اینکه کمیته اجرائی باید بکوشد تا خوانندگان تازه ای را برای یگانه روزنامه منعکس کننده آمال زحمتکشان ونمام افراد ترقیخواه جلب کند، پشتیبانی کردند. افزایش تیراژ "مورنینگ استار" نه فقط بمبارز نیروهای چپ یاری خواهد رساند، بلکه موجبات افزایش تعداد اعضاء حزب کمونیست را نیز فراهم خواهد ساخت. بطوریکه در کنگره باطلاع نمایندگان رسید، تعداد اعضاء حزب که هنگام آخرین کنگره حزب ۳۳ ۵۳۹ نفر بود به ۳۲ ۵۶۲ نفر کاهش یافته است. درحالیکه حوادث اشکارتر از هرزمان دیگر ضرورت تقویت یگانه حزب سیاسی راکه دارای بینش تئوریک سوسیالیستی دقیق بوده وسازمانهای خود را در موسسات وانشگاهها وشهرها وروستاهای سراسر کشور گسترش داده است، نشان میدهد.

در قطعنامه خاطر نشان شده است که بسط دامنه تبلیغات عمومی درباره نزدیک ترین هدف های حزب ونیز مبارزه باید ایدئولوژی های بورژوائی وعناصر راست بکلیه اندیشه های مارکسیستی برای افزایش محسوس تعداد اعضاء حزب اهمیت فراوان دارد. مبارزه برای تامین انتخاب نمایندگان کمونیست در پارلمان ودر شوراهای شهرداری جزئی از این مبارزه را تشکیل میدهد. چنین مبارزه ای البته بعلت سیستم انتخاباتی غیر دموکراتیک وغیرعادلانه کنونی انگلستان کار بسیار دشواری است. کنگره استراتژی انتخاباتی حزب را که در بیست وهفتمین کنگره حزب در سال ۱۹۶۱ تعیین شده بود، از نو تایید نمود. بنابراین در اینده باید بطور وسیعتر وفعال تر در انتخابات محلی وپارلمانی شرکت جست. البته این امر نباید موجب

تضعیف فعالیتها در میان زحمتکشان موسسات تولیدی گردد ." به کنگره گزارش داده شد که پس از بیست ونهمین کنگره حزب وبنا برتصمیماتی که در این کنگره درباره فعالیت حزب در موسسات صنعتی اتخاذ شده بود ، یک کنفرانس ملی تشکیل گردید . در نتیجه این اقدامات کمیتهای حزبی به حوزه های موجود در موسسات افزایش یافت و ۳۰ حوزه جدید تاسیس شد .

تشدید فعالیت تبلیغاتی سازمانهای حزب ، گسترش بیشتر مبارزات انتخاباتی ومبارزه قاطع تر در راه ایجاد وتحکیم سازمانهای حزبی در موسسات امکان خواهد داد که نه فقط بزرگسالان ، بلکه جوانان نیز از سیاست حزب آگاه گردند . واین امر اهمیت فراوان دارد . زیرا چنانکه در قطعنامه قید شده است " فاطمیت ومبارزه جوئی آگاه ترین بخش جوانان یکی ازجهات بسیار مثبت وضع سیاسی انگلستان است . در میان عده دیگری ازجوانان یاس و نارضائی دیده میشود . تمام این عوامل علاوه براینکه افزایش قابل ملاحظه تعداد اعضا سازمان جوانان وبالا رفتن نفوذ آنرا میسر میسازد ، برای جلب بسیاری ازجوانان بصفوف حزب ما نیز شرایط لازم را فراهم میآورد " .

تعداد اعضا" سازمان جوانان اکنون به بیش از ٦ هزار نفر بالغ شده است . چندی پیش انتشار دوره جدید مجله " چه لنج " ، ارگان ماهیانه سازمان جوانان باموفقیت معینی ازنو آغاز گردید . بدیهی است اگر حزب بفعالیت سیاسی وتبلیغاتی خود میان جوانان بیافزاید این امر میتواند برای توسعه جنبش مترقی کنونی در انگلستان تاثیر بسیار مثبتی بخشد . اشتباه ودر تامین پیروزیهای آینده جنبش کمونیستی کشور نقش مهمی ایفا" نماید .

قطعنامه کنگره درباره وحدت نیروهای چپ بارح خوش بینی وامید پایان مییابد :

" شرایط سیاسی نوینی که اکنون ما با آن روبروهستیم ، امکانات وسیعی برای نیروهای چپ وازجمله کمونیستها فراهم میآورد . ازاین امکانات باید استفاده شود . اقدامات سیاسی جسورانه وقاطع بمنظور اجرای سیاست سوسیالیستی ، ازطرف میلیونها مردم انگلستان حسن استقبال میشود وراه را برای تامین پیروزیهای سیاسی برنیروهای جناح راست وانحصارگران هموار میسازد " .

برنامه حزب

سند " راه انگلستان بسوی سوسیالیسم " برای نخستین بار در کنگره سال ۱۹۵۲ بنام برنامه حزب بتصویب رسید . در این سند در سال ۱۹۵٦ اصلاحاتی وارد گردید ودر سال ۱۹۵۷ همراه با ۱۵۰۰ پیشنهاد اصلاحی سازمانهای حزبی در کنگره حزب مورد بررسی مجدد قرارگرفت . متن نهائی طرح دوم برنامه در ژانویه سال ۱۹۵۸ بتصویب کمیته اجرائی رسید ودر ماه مارس همان سال انتشار یافت .

هنگامیکه طرح جدید برنامه حزب در کنگره مطرح گردید ، گزارش دهنده اظهار داشت که بنا بعلل مهمی ازجمله بعلل زیرین برنامه حزب باید هم اکنون مورد بررسی قرارگیرد واصلاحاتی در آن بعمل آید :

- عمیق ترشدن بحران اقتصاد سرمایه داری انگلستان ؛
- تجربه حاصله اززمامداری دولت لیبوریست های راست ازسال ۱۹٦٤ ؛
- سرعت تحولات فنی واهمیت آن برای مبارزه در راه سوسیالیسم ؛

ـ ضرورت تنقیح بیشتر نظریات واندیشه های ما درباره چگونگی گذار مسالمت آمیز انگلستان به سوسیالیسم ، بدون جنگ داخلی وبیاری جنبش عمومی وبااستفاده ازپارلمان ٠

بحث های پردامنه پیش ازکنگره وهمچنین بحث هائیکه درکنگره انجام گرفت ، وحدت نظرحزب را درباره اصول اساسی برنامه حزب نشان داد ٠ طرح برنامه برای تکمیل وتنقیح بیشتربه‌کمیته اجرائی عودت داده شد ٠ مرحله بعدی تنظیم برنامه چنین خواهد بود : طی چند ماه آینده تمام سازمانهای حزبی طرح تکمیل شده برنامه را برای اظهارنظر دریافت خواهند داشت ٠ سپس‌کمیته اجرائی بادرنظرگرفتن پیشنهادهای اصلاحی سومین طرح برنامه " راه انگلستان بسوی سوسیالیسم " را برای بحث عمومی منتشرخواهد ساخت ٠

خروج ازبحران

تردیدی نیست که سی امین کنگره حزب بماکمك خواهد کرد تادرآینده بتوانیم دین خودرا درقبال زحمتکشان انگلستان ادانمائیم ٠

آگاهی طبقاتی وبرداشت‌مارکسیستی نمایندگان کنگره وپیوندانان با زحمتکشان این اطمینان را بوجود میآورد که حزب‌برهبری کمیته اجرائی جدید منتخب کنگره درراه تحقق سیاستی که‌کنگره‌تعیین‌کرده است بطورقاطع ومتحد مبارزه کند ٠ واین امریست مهم ٠ زیرا بطوریکه جان گولان ،دبیرکل حزب درنتیجه گیری خود ازبحث درباره وحدت نیروهای چپ اظهارداشت " مردم انگلستان ازبحرانهای مداوم تاحد مرگ خسته شده اند ٠٠٠ وبرای خروج ازاین بحرانهاطالب راه‌حل تازه ای هستند واین راه‌حل رامیتوانند درتصمیمات این کنگره بیابند " ٠

جان‌گولان گفت برای آنکه طبقه‌کارگر به ضرورت حزب کمونیست وروزنامه " مورنینگ استار " پی ببرد باید تبلیغات دامنه داری درسراسر کشور انجام گیرد ٠ وی اضافه نمودکه دامنه وحدت روزافزون نیروهای چپ را باید بازهم گسترش‌داد وخشم ونارضائی مردم را ازسیاست دولت به پشتیبانی ازسیاست نوین سوق داد وبدینسان راه گرایش‌به‌چپ راتامین نمود ٠

چنین است وظائف کنونی کمونیست های انگلستان ٠

حزب کمونیست فرانسه در فعالیت ایدئولوژیك خود به موسسات پژوهش علمی خود تکیه میکند. این موسسات عبارتند از: مرکز پژوهشهای مارکسیستی وانستیتوی موریس تورز. مرکز پژوهشهای مارکسیستی کسانی راکه بطور انفرادی یا گروهی در رشته های مختلف علوم طبیعی وانسانی بپژوهش میپردازند، راهنمائی میکند وانستیتوی موریس تورز به مطالعه میراث موریس تورز و بررسی تاریخ جنبش جهانی کارگری و جنبش کارگری در فرانسه مشغول است. ذیلا شمه ای درباره فعالیت مرکز پژوهشهای مارکسیستی وانستیتوی موریس تورز ونیز درباره گسترش اندیشه های مارکسیستی در فرانسه درج میگردد.

مرکز پژوهشهای مارکسیستی

نیکلا پاسکارلی
(نائب رئیس مرکز پژوهشهای مارکسیستی
حزب کمونیست فرانسه)

مرکز پژوهشهای مارکسیستی در سال ۱۹۵۹ بوسیله حزب کمونیست فرانسه تاسیس یافت. موریس تورز در گزارش کمیته مرکزی به پانزدهمین کنگره حزب کمونیست فرانسه ضمن اثبات ضرورت ایجاد این موسسه خاطرنشان ساخت که "مبارزه در نیروی عمده، سوسیالیسم وسرمایه داری، خصوصیت عمده دوران ما است. بنابراین مبارزه در جهان بینی عمده، جهان بینی پرولتری وجهان بینی بورژوائی نیز معرف تکامل اندیشه ها در دوران کنونی است". موریس تورز ضمن نقل قول از اظهارات کشیش بورژلن در مجمع کلیسای رفورمیست مبنی براینکه "مارکسیسم یکی از نمودهای سیمائی است که جهان در دوران ما بخود میگیرد" متذکر شد که مارکسیسم محافل هرچه وسیعتری را تحت تاثیر خود قرار میدهد و همه جا همپای کامیابیهای افراد مفهوم از مارکسیسم، علاقه بمارکسیسم نیز افزایش مییابد. موریس تورز خاطرنشان ساخت که "نیروی مارکسیسم در حقانیت آنست، نیروی مارکسیسم در انست

کمیتواند واقعیت عینی را بدرستی منعکس سازد وبه امر پیشرفت وهرانچه در اجتماع رشد میابد وتکامل میپذیرد ، یاری رساند " ۰

موریس تورز نشان داد که افزایش نفوذ مارکسیسم باعث میشود که ایدئولوگهای بورژوائی مارکسیسم را مورد حمله قرار دهند وبرای " کهنه " جلوه دادن ان تلاشهای عبث بکار برند ۰

اکنون علاوه برحملات خشن وناهنجارکه ازخصائص سالهای گذشته بود هرچه بیشتر به شیوه های ظریف تر نیز متوسل میشوند ۰ منادیان بورژوازی که نمیتوانند در برابر مارکسیسم ایدئولوژی پیگیرد یگری عرضه دارند ، به بهانه " احیاء " و " تکمیل " ده ان میکوشند مارکسیسم را بانظریات خود دمسازکنند وبدینسان ازنفوذ ان به نفع خود استفاده نمایند ومارکسیسم را ازمحتوی انقلابی خود تهی سازند ۰

نمایندگان ایدئولوژی پرولتری باید علیه تمام این کوششها به نبرد تعرضی برخیزند۰

موریس تورز راد اما در گزارش خود میگوید : " نیازمندی کاملا محسوس به پژوهشهای تئوریک وارزیابی ومنجش مارکسیستی ایجاب میکند که درخود حزب شرایط لازم برای فعالیت های علمی فراهم گردد ۰ این فعالیت که برپایه تجزیه وتحلیل ودرک نقادانه تمام نکات ارزنده اثار متخصصین وازجمله متخصصین غیرمارکسیست استوارخواهد بود موجبات لازم را برای رد نظریات مخالف ماتریالیسم دیالکتیک فراهم خواهد ساخت ۰ کمیته مرکزی درگذشته نیز به ایجاد گروههائی برای پژوهشهای تئوریک درزشته های مختلف علوم (تاریخ ، فلسفه ، روانشناسی ، زمین شناسی وغیره) کمک کرده بود ۰ این گروهها کارزیادی انجام دادند ، ولی نتوانستند اکثریت متخصصین ما را باین فعالیت هاجلب نمایند ۰ ما اکنون برای توسعه کارهای پژوهشی وجلب نمایندگان تازه ای ازروشنفکران بسوی اندیشه های مترقی ودموکراسی وسوسیالیسم ، باید مساعی بیشتری بکار بریم ۰ بهمین منظورما تصمیم گرفتیم درجنب کتابخانه کمیته مرکزی حزب مرکزپژوهشهای مارکسیستی بوجود آوریم وبرای اینکار باید وسائل لازم دراختیار این موسسه گذارده شود ۰ ما اطمینان داریم که این ابتکار مواضع مارکسیسم را تحکیم خواهد بخشید وبرای تاثیر درحیات معنوی وجریانهای مبارزه ایدئولوژیک که درزمان ما دارای اهمیت فراوان است ، امکانات بیشتری بوجود خواهد اورد ۰ ما اطمینان داریم که ازمیان دانشمندان وپژوهندگان وفلاسفه افراد تازه ای به حزب ما راه خواهند یافت " ۰

هشت سال پس ازایجاد مرکزپژوهشهای مارکسیستی رفیق رولان لوروا ، عضوپولیت بورو ی حزب کمونیست فرانسه درسخنرانی خود بمناسبت گشایش جلسه نوبتی مرکزپژوهشهای مارکسیستی در اکتبر سال ۱۹٦۷ ضمن یادآوری نقشی که این سازمان " درکار پژوهش واشاعه اندیشه های مارکسیسم ـ لنینیسم " انجام میدهد گفت : " به ابتکار مرکزپژوهش های مارکسیستی تعداد زیادی سمینار وکنفرانس برگزارشده است ونشریات بسیاری به طبع رسیده است ۰ موفقیت عظیم " هفته اندیشه های مارکسیستی " خاکی ازاعتبار ونفوذ قابل ملاحظه اندیشه های مارکسیسم ـ لنینیسم درمیان روشنفکران ودانشجویان ودلیل بر امکانات وضرورت مقابله ومنجش نظریات مارکسیستی بانظریات غیرمارکسیستی است " ۰

لوروآ همچنین اهمیت عظیم " هفته اندیشه های مارکسیستی " سال ۱۹۶۳ را برای روشن ساختن خصلت مبارزات کنونی وآینده خاطرنشان کرد وگفت سخنرانی موریس تورز درباره طبقات اجتماعی فرانسه معاصر در موفقیت این " هفته " موثر بوده است . وی همچنین اهمیت " هفته " سال ۱۹۶۶ را که همزمان با پلنوم کمیته مرکزی در آرژانتیه تشکیل شد و به مسائل ایدئولوژیک وفرهنگی اختصاص داشت ، متذکر گردید : " هفته اندیشه های مارکسیستی در سال ۱۹۶۶ بما امکان داد تا بلافاصله چگونگی نتیجه گیریهای کمیته مرکزی را در آتش مباحثه بسنجیم وانرا بطور وسیع در میان توده ها اشاعه دهیم . رفیق والدک روشه ، دبیر کل حزب ضمن تشریح این نتیجه گیریها نظر حزب کمونیست فرانسه را مبنی براینکه فرانسه سوسیالیستی اینده را چگونه باید بامساعی مشترک چند حزب بوجود آورد بادقت بیشتری تشریح کرد " .

اخرین " هفته " که در نوامبر سال ۱۹۶۷ بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر برگزارشد ادامه این سنت نیکوبود . این " هفته " بمسئله " تاثیر سوسیالیسم در جامعه معاصر " تخصیص داده شده بود .

نتیجه گیری ازتمام کاری که مرکز پژوهشهای مارکسیستی انجام داده است ازحوصله این شرح کوچك خارج است . نتایج کار این مرکز ازطرفی در بسیاری ازمجلات (بطورعمده مجله های " پانسه " ، " نوول کریتیك " ، " اروپ " وغیره) وازطرف دیگر درشصت شماره " دفترهای مرکز پژوهشهای مارکسیستی " که به بررسی های تئوریك اختصاص دارد ودران نظریات جدیدی درباره رشته های مختلف بیان میگردد ، منعکس شده است .

دورماتریالیسم دیالکتیك وماتریالیسم تاریخی که شامل ۹۰ سخنرانی است وطی سالهای ۱۹۶۳ ــ ۱۹۶۲ بنا بخواهش دولت کوبا تهیه گردید ، مانند اثار دیگر (مثلا درباره سیبرنتیك) به تکمیل " دائره المعارف کوچك مارکسیستی " که بوسیله بنگاه چاپ " ادیسیون سوسیال " نشر میباید ، کمك کرد .

شعبه تاریخ ادبیات ، درنتیجه کار چند ساله خود درسنامه ای برای تاریخ ادبیات فرانسه تهیه کرد که دوجلد ان بوسیله " ادیسیون سوسیال " انتشار یافته است . درباره " شیوه تولید آسیائی " نیز بررسی هائی بعمل آمده است که نتایج ان در مجموعه ایکه ازآثارمارکس وانگلس درباره این مسئله منتشرشد ، درج گردید .

در اینجا باید ازنشریات دیگری هم نام برد . این نشریات یا به جلسات بحثی که مرکز پژوهشهای مارکسیستی هنگام برگزاری " هفته اندیشه های مارکسیستی " ترتیب میدهد (مانند " مارکسیسم واگزیستانسیالیسم " ، " زن در قرن بیستم " ، " دموکراسی وآزادی " وغیره) مربوط است ویا به تبادل نظرهائی که درکنفرانسهای مختلف انجام گرفته است . مسائلی که در این قبیل کنفرانسها بررسی شده بقرارزیراست : " چه سرنوشتی در انتظار جامعه بشری است ؟ " ، " دموکراسی ودادگستری " ، " دموکراسی وحق تندرستی " " تربیت بدنی وجهان معاصر " .

تمام اینکارها همراه با تشکیل یك سلسله سمینار بوده است بدون شرکت کنان رسمی حزب انجام گرفته است .

کارهای تحقیقاتی بوسیله شعبی انجام میگیرد که برای رشته های مختلف تشکیل شده اند این شعب در رشته های گوناگون علم ازجمله در فلسفه ، روانشناسی ، پزشکی ، تئوری تربیت بدنی ، زیبائی شناسی ، زبان شناسی ومسائل مربوط به اسیاوافریقا فعالیت میکنند . هر شعبه ای کارخود را مستقلا ترتیب میدهد وبرای این منظوربه تشکیل " گروههای کار " می - پردازد که طی مدت تعیین مسئله واحدی را بررسی میکنند . مثلا در شعبه پزشکی چند گروه کار تشکیل شده است که مسائلی ازقبیل " بیماری چیست ؟ " و " پزشکی وسرمایه داری انحصاری ودولتی " وغیره را مطالعه میکنند .

گاهی این گروههای کار بمسائلی میپردازند که باچند رشته سروکار دارد . مثلا بعضی ازاین گروهها استروکتورالیسم ، پسیک انالیز ، شیوه تدریس زبان فرانسه وفن درست نویسی ، مسائل مربوط به پیدایش نظامهای اجتماعی ماقبل سرمایه داری ، مفهوم دولت کمرشد وجنبش آزادی ملی را بررسی میکنند . اینها جزئی ازمسائلی هستند که اکنون در مرکز پژوهشهای مارکسیستی درباره انها بحث های پرحرارت انجام میگیرد .

اشکال قابل انعطاف کار ، ثمر بخشی کامل خودرا نشان داده است ، زیرا علاوه براینکه شرایط لازم برای کارگروهی فراهم میاورد ، ازاهمیت کار انفرادی نیزکه بیش ازپیش با درامیختن شدید تمام رشته های تخصصی علم مصادف میشود ، نمیکاهد .

مرکز پژوهشهای مارکسیستی وظیفه دیگری نیز در برابر خود قرار داده است که پرورش پژوهندگان جوان وکمک به دانشجویان درامور تحصیلی انان است .

وسرانجام وظیفه دیگر این مرکز که ازهدف عمده آن ناشی میشود سنجش نظریات مختلف ومباحثه با غیرمارکسیست ها است .

یکی ازعلل موفقیت " هفته " های ما اینست که این " هفته " ها بصورت مباحثه میان مارکسیست ها ونمایندگان سایر جریانات ایدئولوژیک برگزار میشود . این شکل کارگاهی مورد انتقاد قرارمیگیرد ویا مسکوت گذارده میشود . نخستین بارکه ما به این شکل کار پرداختیم چون خود را باوضع تازه ای روبرو دیدیم طبعا تاحدودی دچارتردید وتزلزل شدیم . رولان لاروا بدینمناسبت خاطرنشان ساخت که : " مباحثه برای ماضروریست ، زیرا دانشمندان وکارمندان علمی وپژوهندگان بسیاری وجود دارند که اگرچه مارکسیست نیستند ، علم را به پیش میرانند . مارکسیسم اگر ازنتایج کار این افراد استفاده نمیکرد ، مارکسیسم نبود . بنابراین تماس عملی وتبادل نظر واقعی بین ما ضرورت دارد . واما نظریه ما درباره ضرورت مباحثه بارها تحریف شده است ... بعضی ها مارا افراد بیروح وحسابگری میشمارند گوئیا سعی داریم کسانی را که دارای شیوه تفکر دیگری هستند برخلاف میلشان بطرف خود بکشیم . بنظر عده دیگروسوسه گران پرشوری هستیم که برای نزدیکی بیشتربه کسانی که دارای شیوه تفکر دیگری هستند حتی حاضریم ازاصول خود صرفنظر نمائیم .

نظرما درباره ضرورت مباحثه برزخ میان این دوتصویر مضحک نیست ، بلکه باهردوی آنها مغایرت کامل دارد . ما همانیم که درواقع هستیم ، مارکسیست ها ومارکسیست - لنینیست هائی هستیم که بمنظریات خود ایمان داریم وباقاطعیت کامل درراه این نظریات مبارزه میکنیم بی آنکه ازمقابله این نظریات با نظریات دیگران باك داشته باشیم . بدینجهت

مباحثه برای ما ... بمعنای تایید نظریات ماست ومامیخواهیم بکمك مقابله بنظریات خود یا نظریات دیگری که مورد احترام ماست معلومات خود را تکمیل کنیم " .

مباحثه هدف نهائی مانیست . مباحثه بشرطی مفهوم خواهد داشت که اندیشه مشترك ما منتج به اقدامی شود که باانجام آن زمینه برای ایجاد آینده مشترك هموارگردد . بدینجهت مباحثه یکی ازاشکال مبارزه ایدئولوژیك است .

بدیهی است که مرکز پژوهشهای مارکسیستی فقط یکی ازاشکال عدیده فعالیت ایدئولوژیك کمونیستهای فرانسه میباشد . لازم است که اقدامات قابل ملاحظه ای راکه دراین زمینه بوسیله " دانشگاه نوین " ، شعبه آموزش حزبی وبالاخره بوسیله شعبه فرهنگ کمیته مرکزی حزب انجام گرفته است ، یادآورشویم .

درپایان این شرح مختصر درباره فعالیت وجوانب کار مرکزپژوهشهای مارکسیستی باید متذکر شویم که اینمرکز ارگان حزب است نه جانشین آن . اینمرکزپژوهشی وظائف حزب را در زمینه بررسی مسائل مطروحه منتفی نمیسازد . اگر حاجتی به اثبات این امر باشد کار پلنوم کمیته مرکزی حزب که از ۱۱ تا ۱۳ مارس ۱۹٦٦ در آرژانتیه تشکیل شد وتمام وکمال به بررسی مسائل ایدئولوژیك وفرهنگی اختصاص داشت ، بهترین گواه است .

حزب هرگز در صدد نیست مسائلی را که حل آنها درصلاحیت متخصصین است ازاختیار آنان خارج سازد وخود بمحل آنها بپردازد . ولی حزب دراینعرصه نیز مانند سایر عرصه های فعالیت خود مسئولیت تعیین مشی عمومی وبرنامه عمل کمونیستها را بعهده دارد .

انستیتوی موریس تورز

آندره موآن (مدیر انستیتوی موریس تورز)

انستیتوی موریس تورز چندی پیش تاسیس گردید وبنای جدید آن در اوریل سال ۱۹۳۷ گشایش یافت ۰ این انستیتو، پس از مرگ موریس تورز بنا بتصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه برای بزرگداشت خاطره موریس تورز و تکامل اندیشه های وی ایجاد گردید ۰ تود ه های پیشرو زحمتکشان فرانسه در تاسیس این انستیتو شرکت داشتند ۰ در نتیجه کمک مالی زحمتکشان ده ها میلیون فرانک جمع آوری شد تا حد اقل وسائل لازم در اختیار فعالین حزبی و کارکنان علمی گذارده شود واین نشان میدهد که زحمتکشان به اهمیت مسائل ایدئولوژیک پی میبرند ، برای فعالیت علمی احترام قائلند وبه ضرورت مبارزه طبقاتی در عرصه ایدئولوژی واقفند ۰

خصلت وهدف انستیتو

اندیشه های موریس تورز در جنبش کارگری فرانسه وجنبش کارگری جهان تاثیر تئوریک وپراتیک داشته واید ئولوژی جنبش کارگری را در بسیاری از عرصه ها غنی ساخته است ۰

موریس تورز اندیشه صرفا علمی را همواره با آنچه که افکار زحمتکشان را بخود مشغول میداشت ، مربوط میساخت ، سنن ملی ومنافع ملی را با اصول و وظائف انترناسیونالیسم پرولتری پیوند میداد وفعالیت علمی روزمره را با مبارزه تئوریک برای حل مسائل آینده توام میکرد ۰ موریس تورز سبک پژوهش را برای تفکر وکار معمول ساخت ۰ ما باید این ارثیه را درک کنیم تا بتوانیم از تمام امکاناتی که فراهم میسازد برای کار خلاق استفاده کنیم ۰ این همان وظیفه ایست که انستیتوی موریس تورز در برابر فعالین حزبی ، کارکنان علمی وکسانیکه میخواهند فعالیت خود را وقف آینده سازند ، قرار داده است ۰ بدینجهت انستیتوی موریس تورز بهیچوجه نمیتوانست فقط محل بایگانی اسناد ومدارک (ولو بسیار پرارزش) باشد ۰ این انستیتو میبایست موسسه زنده ای باشد که در آن بروی همه باز باشد و از کتب ومدنویس ها واسناد ومدارک ونیز از کنفرانس ها ومجالس بحث ان برای روشن ساختن ماهیت اندیشه های موریس تورز استفاده شود ۰

ژرژ کن یو ، رئیس شورای اداری انستیتو در نخستین جلسه این شورا نشان داد که این انستیتو چگونه موسسه ای باید باشد ومیدان عمل آن چیست ۰ وی گفت این موسسه

" ۰۰۰ مرکز پژوهش تمام اشکال ومظاهر جنبش کارگری واندیشه های اجتماعی است ۰۰۰ ما میخواهیم از انستیتوی موریس تورز مرکزی برای پژوهشهای تاریخی ومطالعات تئوریک بوجود اوریم ۰ در این انستیتو کسانیکه تاریخ را بررسی میکنند یعنی دانشمندان (از جمله دانشمندانی که در انستیتوهای رسمی بکار مشغولند) وکسانیکه تاریخ را میسازند یعنی کارکنان حزبی امکان خواهند داشت باهم ملاقات کنند ، به بحث آزاد ومقابله وسنجش نظریات خود با نظریات

دیگران بهره ازند واز تجارب بدست آمده نتیجه گیری نمایند ۰۰۰ " ۰

این قبیل پژوهش‌ها وسنجش‌نظریات درشرایطی انجام میگیرد که مبارزه طبقاتی در مقیاس‌جهانی شدت یافته و مبارزه ایدئولوژیک شدت وحدت پذیرفته است ۰ ایدئولوگهای بورژوازی ازتمام وقایع تاریخی وتمام سالگشت های مهم بمثابه دستاویزی برای پژوهش‌ها و تجزیه‌وتحلیل های تازه ونوشتن آثارجدید که هدف آنها تقلیب درتاریخ است ، استفاده میکنند و میکوشند تجزیه وتحلیل مارکسیستی را ضعیف ، نادرست ویا کهنه جلوه دهند ۰ حزب کمونیست فرانسه همچون‌واقعیت خلل ناپذیرتثبیت گردیده و این وضع باعث شده است که دربارهٔتاریخ این حزب وبمناسبت حوادثی که بافعالیت ان ارتباط دارد ، اثارزیادی انتشار یابد ۰ برخی ازاین‌آثاربا انکه تاثیر ایدئولوژی بورژوائی درانهامحسوس‌است،با دقت نوشته شده اند ودرخورد قت وبررسی هستند " برخی دیگر عمدا به تقلیب واقعیات وتحریف موضعگیری حزب کمونیست فرانسه میپردازند وبدینجهت باید افشا" شوند ۰

انستیتوی موریس تورزبرای روشن ساختن حقایق میخواهد به بررسی هرچه‌وسیعتر وعمیقترواقعیات تاریخی بپردازد ۰ واینکار ازطریق تکرارتزهای موجود وحقایق مکشوف انجام نخواهد گرفت ، بلکه ازطریق تجزیه وتحلیل واقعیات ودرشرایطی که پیوسته مسائل تازه ای مطرح میگردد واوضاع واحوال جدید پدید میاید ، عملی خواهد شد ۰ بدینجهت کارکنان انستیتوبیش‌ازگذشته ازاین اصل معروف کارل مارکس‌پیروی خواهند کرد که : " فلاسفه فقط ازطرق مختلف جهان راتوضیح داده اند وحال آنکه سخن برسرتغییر آنست " ۰

ردتئوریهای دشمن وایجاد جهان نوین ازیکدیگر تفکیک پذیرنیستند واین امر ایجاب میکند که روح مذاکره ومباحثه حاکم گردد وبعبارت دیگر دردورانی که انقلاب علمی وفنی تاثیرخود را برعادات واشکال تفکر سنتی اعمال میکند مابایدبتوانیم تمام پدیده های نو زمان را درک کنیم ، تمام نظریات شرافتمندانه را بشنویم ودرک کنیم وبااستفاده ازکار پراتیسین هاومورخین وجامعه شناسان مختلف المسلك توام با انتقاد مارکسیستی معلومات خود راتکمیل کنیم واندیشه‌خویش‌را تکامل بخشیم ۰

انستیتو درکارخود باد ومسئله روبروست ۰ مسئله‌نخست انکه سطح علمی پژوهشها برچه پایه ای باشد کهبرای عامه قابل فهم باشد ۰ بعضی ازفعالین حزبی وسازمانهای کارگری انستیتورا موسسه ای خاص‌د انشمندان‌میدانند ۰

انستیتوپس‌ازنخستین گامهائی که با تزلزل برداشت به پیداکردن اسلوب کارخود موفق شد ومیتوان گفت که حالادراین‌زمینه موفقیت های معینی بدست آمده که انعکاسی‌است ازپیدایش‌یك عامل تازه که پابپای توسعه اموزش ، تشدید مساعی سازمانهای کارگری درزمینه ایدئولوژی وافزایش‌تاثیر این سازمانها درحیات‌کشور تکامل میپذیرد ۰ این‌عامل تازه‌کارگرانی هستندکه به امورفرهنگی وکار فکری وحل مسائل بامزنج جلب شده اند ۰

مسئله دوم عبارتست ازتعیین اینکه چه قسمتی ازکار باید صرف پژوهش‌گذشته یعنی تاریخ گردد وچه قسمتی ازان صرف بررسی مسائل کنونی وکارهای اینده ۰ بدینسان میتوان این دوکاررا بدرستی باهم تلفیق نمود ۰

انستیتوباید بکوشد تا درنظر نسل جوان فقط پاسدار وفادار گذشته جلوه گرنشود ۰

گذشته ایکه بان حرمتمیگذارند ولی آنرا پدیده غریبه ومنسوخ دوران‌ها میشمارند ۰ فعالیت انستیتوباید کاملا متوجه پروسه تکامل وافق آینده باشد ، آینده ایکه فقط دریرتووقـــایع گذشته میتواند روشن واشکار گردد ۰ کارهائی که انستیتوانجام میدهد عملا پاسخگوی تمـام مسائل موجود است ۰

کنفرانس‌ها انستیتوبرای بدستآوردن اطلاعات تازه دوکنفرانس برگزارکرد ۰ درتدارك این کنفرانسها دقت لازم بکار رفته بود ۰ تزهائی کـــه قبلا تهیه شده بود ، کمك کرد تاافکارپرروی مسائل عمده متمرکزشود وبدون‌آنکه مانعی‌درراه تفکرخلاق ایجادگردد ، ازپراکندگی افکار اجتناب بعمل آید ۰

موضوع بحث نخستین کنفرانس‌بین المللی که دراکتبرسال ۱۹۶۶ تشکیل شد ،عبارت بود ازجبهه‌ملی درسال ۱۹۳۶ ۰ دراین‌کنفرانس‌نمایندگان بیش‌از ۲۰ حزب کمونیست و کارگری ویا انستیتوهای مربوطه شرکت داشتند ۰ مسائل زیر دردستور کارکنفرانس‌قرارداشت؛

۱ ــ نیروهای اجتماعی درسال ۱۹۳۶ ودرحال‌حاضر ، نقش‌بزرگ موریس تورز درررسی این‌مسئله ؛

۲ ــ جبهه متحد طبقه‌کارگر بمثابه رکن اساسی جبهه‌ملی ۰

۳ ــ جبهه‌ملی بمثابه اتحاد طبقه‌کارگر وزحمتکشان روستا وطبقات متوسط شهر ۰

٤ ــ کامیابیها ، دشواریهاودرسهای جبهه‌ملی ۰

نظریات موریس تورزمسئله اساسی را درکارکنفرانس‌ومباحثات بعدی تشکیل میداد ۰ نظریات‌موریس تورزشامل دونکته اساسی زیراست ؛

آ ــ جبهه‌ملی شکل جدید واصیلی ازاتحاد است ۰ این‌جبهه نه بند وبست پیش از انتخاباتی است ونه انقلابی که درآن طبقه‌کارگر نقش‌تعیین‌کننده داشته باشد ۰

ب ــ دموکراسی دردوران‌ما باید اعتبار خود را بازیابد وازآن دفاع شود ونیز دموکراسی باید درحال تکامل دائمی مورد بررسی قرارگیرد ۰

اشکال جدید اتحاد چند طبقه ، نقش تازه طبقه‌کارگر وجنبش‌توده های مردم ــ جبهه‌ملی را به ابداع ثمربخشی برای آن دوره‌واد واربعدی بدل ساخت ۰ این کنفرانس کـه پس‌ازسی سال به بررسی این‌مسائل پرداخته بود ، توانست بنحوبهتری آنهارا باوضع‌عمومی جهان مرتبط سازد ۰ کنفرانس‌تاحدودی این‌مسائل را کاملتر تشریح کرد و اطلاعات مـارا درباره این دوره ثمر بخش‌تاریخ جنبش‌کارگری بمیزان معین افزایش‌داد ۰

یکی ازنکات پرارزشی که درکنفرانس‌بخاطرنشان شد ، این بود که پروسه پیشرفـــت ووقایع بزرگ اجتماعی وسیاسی خود بخود انجام نمیگیرد ۰ جبهه ملی سال ۱۹۳۶ بدون حزب کمونیست نیرومند یکه درمیان طبقه‌کارگر ریشه دوانده باشد وازافکارتازه وجسورانه پیروی کند ، نمیتوانست بوجود اید ۰ اینواقعیت مسائل حاد مبارزه توده های مردم واتحـــاد انهاراعلیه سیادت انحصارات روشن ساخت ۰ دراینمورد باید گفت که امکان پیشرفت مسالمت امیز بسوی سوسیالیسم یك امکان " مجعول " عاری ازپیوند باگذشته نیست ، بلکه برعکـــس نتیجه تکامل اوضاع واحوالی استکه درگذشته پدید امده است واکنون شرایط لازم برای‌تحقق

ان بوجود آمده است .

کنفرانس اکتبر سال ۱۹۶۶ ازطرف دیگر مظهر انترناسیونالیسم ونمونه همکاری نمایندگان احزاب کمونیست وکارگری بود . خدمت بزرگ این کنفرانس آن بود که مقابله وسنجش نظریات مختلف را درمقیاس بین المللی میسر ساخت . تاثیر جبهه ملی فرانسه را در بسیاری کشورها ازشیلی گرفته تا لهستان نشان داد واهمیت عظیم این جبهه واشکال مبتکرانه تحقق آنرا برحسب شرایط تاریخی وملی خاطرنشان کرد . ازاینجا میتوان پی برد که چرا هفتمین کنگره کمینترن درسال ۱۹۳۵ توجه خاصی به جبهه ملی فرانسه مبذول میداشت و چرا دیمیتروف درتعیین استراتژی جنبش جهانی کارگری سالهای پیش ازجنگ ارتجاع این جبهه استفاده میکرد .

کنفرانس به بحث درباره این مسائل پایان نداد ، بلکه برعکس بازنده کردن وقایع سال ۱۹۳۶ روح تازه ای باین مسائل بخشید . توصیه های کنفرانس این حقیقت را بخوبی اشکار میسازد . مثلا درکنفرانس توصیه شد که برای جمع اوری خاطرات واطلاعات ومدارک مختلف ازآرشیوهای شخصی وعمومی درباره سال ۱۹۳۶ باید کمیسیونی درفرانسه تشکیل گردد . همچنین پیشنهاد شد که برای تدوین تاریخ جبهه ملی که پدیده جهانی مهمی است باید کمیسیون بین المللی ایجاد شود .

موضوع بحث دومین کنفرانس که درسال ۱۹۶۷ تشکیل یافت ، عبارت بود از " انقلاب اکتبر وفرانسه " . دراین کنفرانس دانشمندان ، مورخین وفعالین حزبی ونیز برخی ازکسانی که هنگام انقلاب اکتبر درحوادث فرانسه شرکت داشتند ویا ناظر ان بودند ، گرد آمده بودند . درکنفرانس ازاین مسئله سخن بمیان امد که انقلاب اکتبر به چه شکل وتاچه حدودی درروید ادهای فرانسه تاثیر داشته است ونتایج ان بخصوص برای تشکیل حزب کمونیست فرانسه چه اندازه مهم بوده است . هدف آن بود که اثرات یک حادثه عظیم بین المللی درمقیاس ملی معلوم گردد . مسائل زیر در دستور کار کنفرانس قرار داشت :

۱ ــ نقش انقلاب اکتبر درنوسازی جنبش کارگری فرانسه .

۲ ــ انقلاب اکتبر ، انترناسیونالیسم پرولتری وملت ، نقش موریس توریز درپرسی این مسائل .

۳ ــ روشنفکران فرانسه وانقلاب اکتبر .

شرکت وسیع درمبحث ها وخصلت این بحث ها نشانه علاقه وتوجه خاص باین کنفرانس به موفقیت آن بود . سخنرانی پروفسور رنوون ، استاد مشهور دانشگاه پاریس مورد توجه کنفرانس قرارگرفت . والدک روشه دبیر کل حزب کمونیست فرانسه درپایان سخن خود تحت عنوان " در شرایط کنونی فرانسه انقلابی بودن یعنی چه " نشان داد که کوششهای حزب درگذشته درچه جهاتی بوده است واکنون درچه جهاتی است . حضور هیئت نمایندگی انستیتوی مارکسیسم ــ لنینیسم (وابسته بحزب کمونیست اتحاد شوروی) بریاست اکادمیسین فلیتس نشانه همبستگی فعال خلقها ی فرانسه واتحاد شوروی ونیز حزب کمونیست فرانسه وحزب کمونیست اتحاد شوروی بود . سخنرانی رفیق بوترو ، ملوان سابق ناوگان بمبزرتی ازلحظات پرهیجان کنفرانس بود . وی ازحوادث ومبارزاتی که درآنها شرکت داشت ، حکایت نمود .

باید خاطرنشان ساخت که در نتیجه اسلوب کار انستیتو ، ارزش تمام سخنرانیها بنحو بهتری نمایان میگردید ۰ زیرا انستیتو " نویسندگان تاریخ وسازندگان انرا " به همکاری شمر بخش جلب کرده بود ۰ دو شیوه تفکر که یکی " ازپائین " مستقیما ازعمل سرچشمه میگیرد وبطورعمد منعکس کننده عمل است ، ودیگری " ازبالا " ناشی میشود وبطور عمده کار انجام شده را منعکس میسازد ، بخوبی باهم پیوند داده شده بود ۰ پیوند این دو شیوه تفکر نکات آموزنده زیادی را روشن ساخت وامکان داد تا وقایع ونقش سازمانهای کارگری ومردم ومبارزات انها باوسعت ودقت بیشتری بررسی شود ۰

انقلاب اکتبر حادثه دورانساز قرن ماست وهیچکس نمیتواند این حقیقت را منکر شود ولی برای کاستن ازاهمیت این حادثه کوششهای فراوان بعمل میاید ۰ درفرانسه به تبلیغات پردامنه ای دست زدند ودرجریان ان وسائل وشیوه های گوناگون بکار بردند تا انقلاب اکتبر وتشکیل حزب کمونیست فرانسه را پدیده‌های تصادفی در تاریخ معرفی کنند وچنین جلوه دهند که این پدیده‌ها معلول شرایط اتفاقی بودند که با دوراندیشی میشد ازپیدایش آنها جلوگیری بعمل اورد ۰ ونیز دعوی میکنند که سوسیالیسم در اتحاد شوروی و حزب کمونیست درکشور مساقاقد زمینه های واقعی تاریخی هستند ۰ برخی نیز برای کاستن ازاهمیت نقش توده ها وطبقه کارگر میکوشند پیروزی اکتبررا نتیجه فعالیت تنها یک فرد نابغه یعنی لنین قلمداد کنند ۰

درکنفرانس همچنین درباره شرایط تاریخی فرانسه درزمان انقلاب اکتبر ، درباره نقش زحمتکشان وسازمانهای آنها ونیز درباره نقش شخصیت های جداگانه سخن رفت ۰ دراین کنفرانس بحث درباره این مسائل پایان نیافت وضرورت پژوهشهای تازه خاطرنشان گردید ۰

پژوهشهای محلی کارهای پژوهشی درزمینه امورصرفا ملی مستلزم فعالیت غیر متمرکز واقدام درچارچوب بخشها ونواحی جداگانه است۰

این گونه فعالیت هارا باید رهبری کرد وهماهنگ ساخت ۰ بدینمنظور انستیتو شبکه ای از خبرنگاران بوجود اورده است که درحال گسترش میباشد ۰ این شبکه درحدود ۳۰ استان را دربرمیگیرد ۰

دراوریل سال ۱۹۶۷ نخستین جلسه مشاوره خبرنگاران تشکیل شد ۰ دراین جلسه رفیق ویکتور ژوانس ، مدیر انستیتو وظائف خبرنگاران راتشریح کرد وگفت : " بعقیده ما خبرنگاران ، نمایندگان مختار انستیتو در استانهای خود هستند ۰ یعنی اولا بنام انستیتو وازطرف انستیتو فعالیت میکنند ، کار اشنائی مردم را باهدف ها وفعالیت های انستیتو بطور وسیع سازمان میدهند ، وازطریق تشکیل کنفرانس وجلسات بحث وسمینار وغیره حس ابتکار را درمحل برمیانگیزند وبدینوسیله نفوذ واعتبار انستیتورا بالا میبرند ۰ خبرنگاران باید گروه کوچکی قابل ملاحظه ای ازجوانان ودانشجویان فعال علاقمند بتاریخ جنبش کارگری وتاریخ تکامل اندیشه های اجتماعی را گرد اورند ۰ خبرنگاران خواهند توانست بکمک این گروهها پیدایش وتکامل جنبشهای اجتماعی وسیاسی را دراستان خود وبخصوص جنبشهای کارگری وسندیکائی ومبارزاتی راکه بخاطر زحمتکشان ودرراه دموکراسی انجام گرفته است وهمچنین پیدایش وتکامل احزاب سیاسی وغیره را بطورمنظم بررسی ومطالعه کنند ۰ اینکار بی شک

میتواند به تالیف کتاب ونوشتن رساله در مدارس عالی ویا تدارک رساله های دکتراکمک کند و اسناد ومدارک بسیارمهم برای حزب وانستیتوفراهم آورد " ۰

تاکنون چند اثرازاین قبیل انتشاریافته است واثارد یگر درمرحله تدارک هستند ۰ از جمله اثار منتشره عبارتند از : " آغازجنبش سند یکائی در پرینه خاوری " (تالیف فرنسه) " جبهه ملی در استان بار " (اثر ژیرو) ، " جنبش سند یکائی در استان دو " (اثر ژان شارل) ، " جنبش کارگری در ناحیه لیون " (اثر مواسونیه) وغیره ۰

این اقدامات دارای دوجنبه تفکیک ناپذیرهستند ۰ ازیکسو این اقدامات بمنظور تدارک جدی تاریخ واقعی جنبش کارگری فرانسه که بوسیله مورخین وکارگران فعال براساس اطلاعات مربوط به سراسرکشور واطلاعات مربوط بمنواحی مختلف تدوین خواهد شد ، انجام میگیرد ۰ وازسوی دیگر درنتیجه این اقدامات اسناد ومدارک مربوط بتاریخ هرمحل در اختیار سازمانهای کارگری انمحل گذارده میشود واینکمکی است سیاسی به سازمانهای کارگری تابتوانند بفعالیت های توده ای خود جنبه مشخص‌تری بدهند ۰

این قبیل پژوهشها مستلزم مشاوره وگردآوری انواع اسناد ومدارک هستند ۰ باید به جمع‌آوری کتب ،جزوات ، اوراق تبلیغاتی ، شعارها ، صورت جلسات ، مطبوعات ، دست نویس‌ها ، اثارهنری وغیره پرداخت ۰ همچنین باید اطلاعات فعالین قدیمی راکه درمبارزات ادوار گذشته شرکت داشته اند ، جمع اوری نمود ۰ متاسفانه درجلسه ماه آوریل خبرنگاران معلوم شد که بسیاری ازاسناد تاریخی مربوط به جنبش‌کارگری ازبین رفته است و نیز ازبسیاری ازمبارزان قدیمی کهزندگی را بدرود گفته اند ، اطلاعات لازم کسب نشده است۰ این نادرست استکه‌ما بعلت استغراق درحوادث زندگی ومبارزاتکنونی برای استفاده ازتجربه ومبارزه گذشته ، اقدام نکنیم ۰

انتشارات انستیتو درمیان تعداد کثیری ازمجلات که بمسائل تاریخی وجنبش کارگری فرانسه تخصیص‌داده شده اند ، مجله " دفترهای انستیتوی موریس تورز " که ۸ شماره ازآن‌منتشرشده است ، مقام خاص‌خود را بدست آورده است ۰ ویکتورمیشو ، مدیر این مجله درنخستین شماره‌آن‌چنین نوشت : " دفترهای انستیتوی موریس‌تورز " نشریه ایست تئوریک وسیاسی ووظیفه‌اش‌مبارزست از کمک به بسررسی سیاست بمثابه علم ۰ بخش‌بزرگی ازمجله به‌تاریخ کمونیسم درفرانسه ، تاریخ جنبش‌سوسیالیستی بطورکلی ، تاریخ جنبش‌سند یکائی وجنبش کارگری جهانی ، تاریخ نهضت‌مقاومت وتاریخ تکامل اندیشه های اجتماعی تخصیص‌داده خواهد شد ۰ دراین‌مجله خاطرات‌واثارمنتشر نشده ، یادداشتهائی برای تقریظ ومعرفی کتاب ، مدارک لازم برای معلمین مدارس‌سیاسی بطورمنظم نشرخواهد یافت " ۰

هیئت‌تحریریه مجله برای انجام این‌وظائف چند بخش‌درنظر گرفته است :

ـ بخش‌اسناد تاریخی که دران اسنادی هم که درگذشته‌منتشر نشده است ، درج خواهد شد ۰ مثلا درشماره اول مجله‌متن‌موافقتنامه مربوط بوحدت عمل درسال ۱۹۳٤ وسخنرانی موریس‌تورز دراینمورد نشریافت ۰ درشماره ٦ نیزنامه ایکه ژاک سادول در ۷ نوامبر

سال ۱۹۱۷ ازپتروگراد ارسال داشته بود ، درج گردید .

ـ بخش پژوهشها وازجمله پژوهشی که توسط انتژس تحت عنوان " موریس تورز وسنن ملی " انجام گرفته ودرشماره دوم منتشرشده است .

ـ بخش خاطرات : درشماره ۵ خاطرات بنووا فراشون درباره سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۱۷ ودرشماره ٦ خاطرات پیرد لون درباره نخستین گامهای جبهه واحد پاریس در سال ۱۹۳٤ منتشر گردید .

ـ بخش آثار علمی : اثر فرنه درباره پرینه خاوری واثر روژه پیچرد درباره استان دروم نشریافت .

ـ بخش تقریظ ومعرفی کتاب : درشماره اول مجله تقریظ مفصلی بقلم لوژاند درباره " انترناسیونال کمونیستی ، حزب کمونیست فرانسه ومسائل جبهه واحد وجبهه ملی " درج شد .

وسرانجام درد وشماره اختصاصی گزارش کاملی ازکنفرانسهای انستیتو منتشرشده است این دو شماره مجله مدارك منحصربفردی هستند که ماخذ اساسی برای بررسی مسئله جبهه ملی سال ۱۹۳٦ وتاثیر انقلاب اکتبر درفرانسه میباشند .

انتشارات موریس تورز یکی ازوظائف انستیتو میباشد . طی سالهای اخیر آثار منتخب موریس تورز درسه جلد انتشاریافته است که شامل سه دوره زیر میباشد : ازسال ۱۹۲٤ تا سال ۱۹۳۷ (جلد اول) ، ازسال ۱۹۳۸ تا سال ۱۹۵۰ (جلد دوم) وازسال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹٦٤ (جلد سوم) .

علاوه براین درپایان سال ۱۹٦٦ نیز انتشار مجموعه " راه فرانسه بسوسیالیسم " مورد توجه بسیار قرارگرفت . این مجموعه بوسیله گروهی ازنویسندگان در ۱۲۰ صفحه تدوین شده است ودرآن شرایط کنونی فرانسه ودورنمای پیشرفت مسالمت آمیز آن بسوی سوسیالیسم مورد تجزیه وتحلیل قرارگرفته است . دراواخرسال ۱۹٦۷ کتاب " تاریخ حزب کمونیست فرانسه درسالهای مقاومت " ازطبع خارج شد وبدینطریق نقصی که درتاریخ این دوره وجود داشت ، برطرف گردید .

انستیتوی موریس تورز دارای کتابخانه ایست که قشرهای مختلف اجتماعی فرانسه وعده کثیری ازدانشجویان فرانسوی وخارجی ازکتابهای آن که شامل دهها هزار نسخه است ، استفاده میکنند . بعلاوه دراین کتابخانه پرونده هائی وجود دارد که درآنها دهها هزار سند ومدرك گردآوری شده است که اغلب آنها منحصر بفرد هستند . این پرونده ها نه فقط مورد توجه فعالین کمونیست میباشد ، بلکه موسسات نظیر کتابخانه ملی وتلویزیون وسینما نیز توجه خاصی بآنها مبذول میدارند . این کتابخانه درسال ۱۹٦۷ بمناسبت انقلاب اکتبر نمایشگاههای زیادی درسازمانهای کارگری واستانها ومراکز فرهنگی وکتاب فروشیها وغیره ترتیب داد .

انستیتوی موریس تورز بیك مرکز علمی جهانی نیز بدل شده است . درسال ۱۹٦۷ هیئتهای نمایندگی دهها کشور اروپائی وامریکائی وآسیائی ازاین انستیتو بازدید بعمل آوردند .

برنامه کار انستیتو انستیتوی موریس تورز برای اینکه سهم خود را در مبارزه ایدئولوژیک کنونی ادا کند وخصلت توده ای فعالیت خود را حفظ نماید از آخر نوامبر سال ۱۹۶۷ تا اخر اوریل سال ۱۹۶۸ درباره مسائل حاد کنونی یکسلسله کنفرانس تشکیل خواهد داد . موضوع این کنفرانسها از اینقرار است :

ـ صد سالگی انتشار نخستین جلد " کاپیتال " مارکس (۱۹۶۷ ـ ۱۸۶۷) ومعضلات کنونی جامعه فرانسه .

ـ پنجاه سالگی انتشار اثر لنین " امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه داری " که اهمیت خود را تاکنون نیز حفظ کرده است .

ـ مسئله شرکت کارگران در سود کارخانه ها وافسانه همبستگی کار وسرمایه .

ـ حزب کمونیست فرانسه در سالهای مقاومت ملی (بمناسبت نشریه انستیتوی موریس تورز) .

ـ سوسیالیسم انقلابی در فرانسه در سالهای پیش از جنگ ۱۹۱۴ .

ـ لنینیسم ومسائل کنونی جنبش جهانی کارگری .

ـ ریشه های سیاست " دست گشاده برای کمک " ، مشخصات کنونی وآینده این سیاست .

انستیتو فعالیت نشریاتی خود را بخصوص در مورد چاپ آثار موریس تورز ادامه خواهد داد . انستیتو به تدوین وانتشار اثاریکه مربوط بتاریخ جنبش کارگری هستند ، کمک خواهد کرد . طی چند ماه آینده دو جزوه درباره مسائل مبرم از طرف انستیتو منتشر خواهد شد : جزوه اول بمناسبت صد وپنجاهمین سالگرد تولد کارل مارکس بنام " مقدمه ای برای مطالعه مارکس " وجزوه دوم درباره سیاست " دست گشاده برای کمک " .

وظائف دیگری نیز در برابر انستیتو قرار دارد . در سالهای آینده چندین سالگرد مهم پیش خواهد آمد : در سال ۱۹۶۹ ـ صدمین سالگرد جنگ جهانی دوم ، در سال ۱۹۷۰ پنجاهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست فرانسه وصدمین سالگرد تولد لنین ، در سال ۱۹۷۱ صدمین سالگرد کمون پاریس . این سالگردها انگیزه ای برای تشکیل سمینارهای تازه وبررسی عمیق علمی تمام این رویدادها خواهد بود .

در ماه مارس ۱۹۶۸ نیز از طرف انستیتوی موریس تورز وانستیتوی تاریخ حزب کمونیست چکوسلواکی سمینار مشترکی تشکیل خواهد شد که در آن مسائل مربوط به تجربه جبهه واحد وجبهه ملی در سال های سی ام ونهضت مقاومت در سالهای جنگ جهانی دوم ونقش هردو حزب در مبارزه بخاطر آزادی ملی کشورهای خویش بررسی خواهد شد . مسائل مربوط به قانونمندیهای عمومی وخصوصیات پیشرفت هردو کشور بعنوی سوسیالیسم در این سمینار مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

بدینسان دامنه وظائف انستیتوی موریس تورز که جای خود را در حیات سیاسی وعلمی فرانسه ودر جنبش جهانی زحمتکشان باز کرده است افزایش میپذیرد .

نشریه " مسائل بین المللی " که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد ، به تشریح تئوریك وسیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد .

مندرجات این نشریه ازمیان مقالات مجله " مسائل صلح وسوسیالیسم " که نشریه تئوریك واطلاعاتی احزاب کمونیست وکارگری ومنعکس کننده نظریات واندیشه های آنانست ، انتخاب وترجمه میشود .

دراین شماره منتخبی ازمقالات شماره های ۱ و ۲ (ژانویه ـ فوریه) سال ۱۹۶۸ مجله " مسائل صلح وسوسیالیسم " به چاپ رسیده است .